

۱/۱۹۱/۳

مرحله شناخت

مرکز مدیریت حوزه های علمیه
دفتر تدوین متون درسی حوزه های علمیه

اخلاق اسلامی

جلد اول
(آداب بندگی)

ویراست جدید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درم دروین
منون درسی و زمانهای
علیه

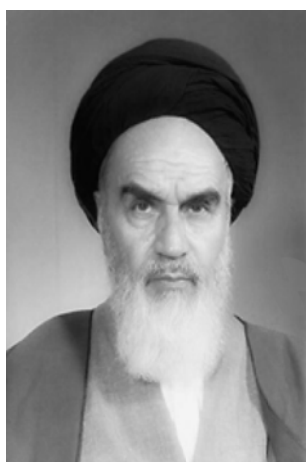
اخلاق اسلامی

جلد اول

(آداب زندگی)

گروه اخلاق

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه



«شما که امروز در این حوزه‌ها تحصیل می‌کنید و می‌خواهید فردا رهبری و هدایت جامعه را به عهده بگیرید، خیال نکنید تنها وظیفه شما، یاد گرفتن مشتی اصطلاحات می‌باشد، وظیفه‌های دیگری نیز دارید. شما باید در این حوزه‌ها خود را چنان بسازید و تربیت کنید که وقتی به یک شهر یا ده رفتید، بتوانید اهالی آنجا را هدایت کنید و مهذب نمایید. از شما توقع است که وقتی از مرکز فقه رفتید، خود، مهذب و ساخته شده باشید، تا بتوانید مردم را بسازید و طبق آداب و دستورات اخلاقی اسلامی آنان را تربیت کنید؛ اما اگر خدای نخواستہ در مرکز علم خود را اصلاح نکردید، معنویات کسب ننمودید، به هر جا که بروید - العیاذ باللہ - مردم را منحرف ساخته، به اسلام و روحانیت بدبین خواهید کرد. شما وظایف سنگینی دارید. اگر در حوزه‌ها به وظایف خود عمل نکنید و درصدد تہذیب خود نباشید و فقط دنبال فراگرفتن چند اصطلاح بوده، مسائل اصولی و فقهی را درست کنید،

در آتیه، خدای نخواستہ برای اسلام و جامعه اسلامی مضر خواهید بود؛ ممکن است -العیاذ باللہ- موجب انحراف و گمراهی مردم شوید. اگر به سبب اعمال و کردار و رفتار ناروای شما یک نفر گمراه شده از اسلام برگردد، مرتکب اعظم کبائر می‌باشید و مشکل است توبه شما قبول گردد. چنانکه اگر یک نفر هدایت یابد، به حسب روایت «بهتر است از آنچه آفتاب بر آن می‌تابد». مسئولیت شما خیلی سنگین است. وظایف شما غیر از وظایف عامه مردم می‌باشد؛ چه بسا اموری که برای عامه مردم مباح است، برای شما جایز نیست و ممکن است حرام باشد. مردم ارتکاب بسیاری از امور مباحه را از شما انتظار ندارند، چه رسد به اعمال پست نامشروع، که اگر خدای نخواستہ از شما سر بزنند، مردم را نسبت به اسلام و جامعه روحانیت بدبین می‌سازد. درد اینجاست، اگر مردم از شما عملی که برخلاف انتظار است مشاهده کنند، از دین منحرف می‌شوند؛ از روحانیت برمی‌گردند، نه از فرد. ای کاش از فرد برمی‌گشتند و به یک فرد بدبین می‌شدند. ولی اگر از یک روحانی عملی ناشایست و برخلاف نزاکت ببینند، تجزیه و تحلیل نمی‌کنند همچنان که در میان کسبه، افراد نادرست و منحرف وجود دارد و در میان اداری‌ها اشخاص فاسد و زشتکار دیده می‌شود، ممکن است در میان روحانیون نیز یک یا چند نفر ناصالح و منحرف باشد. لذا اگر بقالی خلاف کند، می‌گویند: فلان بقال خلافکار است. اگر یک عطار عمل زشتی مرتکب گردد، گفته می‌شود: فلان عطار زشتکار است. لیکن اگر آخوندی عمل ناشایسته‌ای انجام دهد، نمی‌گویند: فلان آخوند منحرف است، گفته می‌شود: آخوندها بدند!

وظایف اهل علم خیلی سنگین است؛ مسئولیت علما بیش از سایر مردم می‌باشد. اگر به «اصول کافی»، کتاب «وسائل»، به ابواب مربوط به وظایف علما مراجعه کنید، می‌بینید تکالیف سنگین و مسئولیت‌های خطیری برای اهل علم بیان شده است. در روایت است که وقتی جان به حلقوم می‌رسد، برای عالم دیگر جای توبه

نیست و در آن حال توبه وی پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا خداوند از کسانی تا آخرین دقایق زندگی، توبه می‌پذیرد که جاهل باشند. و در روایت دیگر آمده است که هفتاد گناه از جاهل آمرزیده می‌شود پیش از آنکه یک گناه از عالم مورد آمرزش قرار گیرد؛ زیرا گناه عالم برای اسلام و جامعه اسلامی خیلی ضرر دارد. عوام و جاهل اگر معصیتی مرتکب شود، فقط خود را بدبخت کرده، بر خویشان ضرر وارد ساخته است؛ لکن اگر عالمی منحرف شود و به عمل زشتی دست زند، عالمی را منحرف کرده، بر اسلام و علمای اسلام زیان وارد ساخته است. اینکه در روایت آمده اهل جهنم از بوی تعفن عالمی که به علم خود عمل نکرده متأذی می‌شوند، برای همین است که در دنیا بین عالم و جاهل در نفع و ضرر به اسلام و جامعه اسلامی فرق بسیار وجود دارد. اگر عالمی منحرف شد، ممکن است امتی را منحرف ساخته به عفونت بکشد. و اگر عالمی مهذب باشد، اخلاق و آداب اسلامی را رعایت نماید، جامعه را مهذب و هدایت می‌کند.»^۱

۱. جهاد اکبر، صص ۱۱-۱۷، امام خمینی علیه السلام.

مقدمه دفتر

در طول تاریخ تشییع، حوزه‌های علمیه متناسب با شرایط دوره‌های تاریخی، عهده‌دار فهم، تبلیغ و اجرای دین بوده و به نشر معارف اهل بیت علیهم‌السلام برای قلوب مشتاق و تشنگان حقیقت اهتمام داشته‌اند. بی‌تردید دستیابی به این هدف، نیازمند تربیت نیروهای متخصص و کارآمد است. از آن جا که «استاد»، «شاگرد» و «کتاب درسی» سه رکن مهم در هر نظام تعلیم و تربیت است، برنامه‌ریزی متناسب با اهداف و نیازهای هر دوره، نیازمند وجود اساتید توانمند و تدوین متون درسی متناسب با آن می‌باشد. یکی از اقدامات قابل توجه در چند سال اخیر بازنگری در برنامه آموزشی حوزه‌های علمیه است. به این منظور برای آموزش هر یک از علوم حوزوی، توسط گروهی از صاحب‌نظران، اهداف و سرفصل‌هایی تنظیم می‌شود، و سپس دفتر تدوین متون درسی در راستای تحقق این برنامه جدید آموزشی، تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از میراث گذشتگان، علوم مختلف حوزوی را متناسب با مراحل آموزشی در قالب کتاب‌های به هم پیوسته درسی، تدوین و ارائه کند. یکی از این مجموعه کتاب‌ها، کتاب‌های اخلاق اسلامی است که برای مرحله شناخت آموزش دانش اخلاق اسلامی در نظر گرفته شده است. اولین ماده درسی از این مجموعه در یک مجلد، به بیان مباحث مقدماتی و آداب بندگی اختصاص دارد که با همکاری «دفتر تدوین متون درسی»، «معاونت آموزش» و «معاونت تهذیب» حوزه‌های علمیه صورت گرفته است. امید است اساتید گرامی با ارائه نظرات سازنده خود، ما را در تدوین بهتر کتاب‌ها یاری نمایند و طلاب عزیز با استفاده از کتاب‌های برنامه جدید بهره لازم را در بالندگی علمی و تربیتی خود و ترویج معارف دینی ببرند. در اینجا فرصت را غنیمت می‌شماریم و از تمامی دست‌اندرکاران تدوین و تکمیل این اثر، به ویژه اساتید گرامی حجج اسلام آقایان: محمد عالم زاده نوری، مجتبی زارعی، هادی حسینخانی، رضا حبیبی، کاظم علی محمدی و محمد حسین صاعد رازی قدردانی نموده و تلاش خالصانه آنان را ارج می‌نهمیم.

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

سخنی با اساتید

آموزش اخلاق اسلامی که متکفل حوزه مهم و وسیعی از معارف دینی است، برای طلاب علوم اسلامی امری ضروری می‌باشد. در برنامه جدید حوزه علمیه، آموزش این دانش بصورت نظام‌مند و در سطح دومین مرحله آموزشی (شناخت) پیش‌بینی شده است. مرحله دوم، مرحله شناخت تفصیلی است یا به عبارتی رساندن طلاب به توانایی درک و فهم و تفسیر مفاهیم و آموزه‌های اخلاقی برای تشخیص فضائل از رذائل و دستیابی به ملاک‌های واضح و روشن در برخوردها و رفتارهای اخلاقی است. هدف از این مرحله نیز زمینه‌سازی جهت تخلق به اخلاق اسلامی و حل مسائل شخصی و اجتماعی در حوزه تربیت اخلاقی است. برخی از شاخصه‌های این مرحله عبارت است از:

الف. تعمیق درک مفاهیم و اصطلاحات اساسی و اشاره به مفاهیم و اصطلاحات فرعی علم اخلاق؛

ب. تعمیق درک قواعد و قضایای اساسی و اشاره به قضایای فرعی علم اخلاق؛

ج. بیان ساختار تفصیلی علم اخلاق و تحلیل روابط موجود بین عناصر و اجزای مباحث علم اخلاق؛

بیان مباحث اخلاقی در قالب سلسله مراحل آموزشی، زمینه را برای ورود به مباحث بالاتر و تخصصی فراهم می‌کند. سطح تخصصی اخلاق، به‌ویژه با رویکرد فقه اخلاقی، خود از شاخصه‌های خاصی برخوردار است که اعمال آن‌ها در این سطح، با دشواری‌های جدی روبرو است. در فقه آیات و روایات سه طیف اقدام صورت می‌پذیرد:

- استظهار: تفسیر متن با بهره‌گیری از قواعد ادبی و قواعد زبانی علم اصول؛

- تفریح: تطبیق مفاهیم و قواعد عام و کلی بر مصادیق و موارد؛

- تحلیل: کشف روابط و علل انتساب حکم به موضوعی خاص؛ به‌عنوان مثال در روایت، بیان شده است که: «دَلِيلُ التَّفَكُّرِ الصَّمْتُ». فهم ظاهر این روایت چندان پیچیده نیست، ولی در اینکه چه نسبتی بین سکوت و شکل‌گیری فرایند تفکر وجود دارد نیاز به تحلیل است.

با وجود اختصاص این شاخصه‌ها به مراحل تخصصی، تلاش شده تا حد امکان، نکات روش‌شناختی به‌ویژه در اهتمام به سند روایات، تحلیل مفردات و تحلیل محتوا - در حدّ مرحله آموزشی «شناخت»- اعمال شود؛ البته در مرحله بعد به تدریج رویکرد تحلیلی بیشتر خواهد شد.

کتاب حاضر اولین کتاب از حلقات آموزش اخلاق و آداب اسلامی است که مطابق با سرفصل‌های مصوب نگاشته شده است. هرچند تبیین مطلوب موضوعات مهم و متنوع مباحث مقدماتی و آداب بندگی، زمانی بیش از زمان اختصاص داده شده را می‌طلبد، ولی با توجه به اهمیت این مباحث، در نگارش این کتاب کوشش شده است تا مطالب اساسی در هر یک از آداب ذکر شده متناسب با همین زمان کوتاه بیان شود.

امید است این مجموعه، علاوه بر زمینه‌سازی مسیر اجتهاد در دانش اخلاق، بتواند با تبیین صحیح اخلاق اسلامی بر اساس مکتب اهل بیت علیهم‌السلام، زمینه را برای عمل به تعالیم ناب اخلاقی فراهم سازد و مشمول عنایت خاص حضرت بقية الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

من الله التوفيق و عليه التكلان

گروه اخلاق

فهرست مطالب

مباحث مقدماتی

۱. تعریف اخلاق و آداب (درس اول) ۳
- ۱) تعریف اخلاق ۳
- ۲) تعریف آداب ۴
- ۳) مقایسه اخلاق و آداب ۵
۲. جایگاه اخلاق و آداب در منظومه معارف اسلامی ۷
۳. اهمیت آداب (درس دوم) ۹
- ۱) آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام ۹
- ۲) نقش موثر آداب در رشد ارزش‌های اخلاقی ۱۰
- ۳) ارتباط آداب با آرمان‌ها ۱۱
- ۴) تأثیر متقابل ظاهر و باطن ۱۳
- ۵) بهره‌مندی حداکثری از دین ۱۶
۴. اقسام آداب اسلامی ۱۷

دفتر اول: آداب بندگی

- فصل اول: نماز ۲۱
- الف) معنای بندگی (درس سوم) ۲۳
- ب) نماز ۲۵
۱. جایگاه و اهمیت نماز ۲۵
- ۱) اهتمام اهل بیت علیهم‌السلام ۲۵
- ۲) ستون دین ۲۶
- ۳) محبوب‌ترین اعمال بندگان ۲۶

- ۲۷..... شرط قبولی اعمال (۴)
- ۲۸..... آثار نماز (۲)
- ۲۸..... بازداری از ارتکاب گناه (۱)
- ۲۹..... بخشش گناهان (۲)
- ۳۱..... از بین بردن تکبر (۳)
- ۳۱..... نزول رحمت واسع الهی (۴)
- ۳۱..... تقرب به خدای متعال (۵)
- ۳۳..... آداب نماز (درس چهارم) (۳)
- ۳۳..... اعتدال در عبادت (۱)
- ۳۵..... توجه به ابعاد باطنی طهارت (۲)
- ۳۶..... بزرگداشت نماز (۳)
- ۳۷..... رعایت اول وقت (۴)
- ۳۹..... حضور در جماعت (۵)
- ۴۰..... نماز در مسجد (۶)
- ۴۰..... مسواک زدن (۷)
- ۴۰..... پوشیدن لباس مناسب (۸)
- ۴۱..... عطر زدن قبل از نماز (۹)
- ۴۱..... آرامش و طمأنینه (۱۰)
- ۴۲..... خشوع (۱۱)
- ۴۳..... خضوع (۱۲)
- ۴۳..... حضور قلب (۱۳)
- ۴۵..... تهجد (۱۴)

فصل دوم: روزه ۵۱

۱. اهمیت روزه داری (درس پنجم) ۵۳

۲. آثار روزه داری ۵۴

(۱) تطهیر درون ۵۴

(۲) همدردی با نیازمندان ۵۶

(۳) استجابیت دعا ۵۷

(۴) کاهش شهوت ها ۵۸

۳. آداب ماه مبارک رمضان (درس ششم) ۶۰

(۱) استقبال از ماه رمضان ۶۰

(۲) پرهیز از گناه ۶۱

(۳) اهتمام به عبادت ۶۲

(۴) قرائت قرآن ۶۵

(۵) آداب اجتماعی ۶۶

۴. آداب افطار ۶۶

(۱) مقدم داشتن نماز ۶۶

(۲) اذکار و دعاهای وارده ۶۷

(۳) افطار با شیرینی ۶۷

(۴) افطار دادن روزه دار ۶۷

فصل سوم: قرآن کریم ۶۹

۱. جایگاه و عظمت قرآن کریم (درس هفتم) ۷۳

(۱) هدایتگری ۷۴

(۲) شفاعت ۷۵

(۳) فراگیری و جامعیت ۷۶

۷۶ جاودانگی و تازگی
۷۷ بی‌نیازی در سایه تمسک به قرآن
۷۸ ۲. آثار تلاوت و انس با قرآن
۷۸ (۱) برکت و هدایت در زندگی
۷۹ (۲) درمان امراض روحی
۸۰ (۳) آرامش روحی
۸۱ (۴) تعالی معنوی
۸۳ (۵) افزایش درجات معنوی در آخرت
۸۵ ۳. آداب تلاوت قرآن کریم (درس هشتم)
۸۵ (۱) مسواک‌زدن قبل از تلاوت
۸۶ (۲) وضو داشتن
۸۶ (۳) خواندن دعاها و آغاز تلاوت
۸۷ (۴) استعاذه
۸۸ (۵) نگاه کردن به مصحف
۸۹ (۶) صوت نیکو
۹۱ (۷) تفکر و تدبیر
۹۲ (۸) حزن و رقت قلب
۹۳ (۹) عمل به حدود قرآن
۹۴ (۱۰) استماع و سکوت با توجه
۹۶ (۱۱) حد تلاوت قرآن
۹۷ (۱۲) هدیه ثواب قرائت قرآن به معصومین <small>علیهم‌السلام</small>
۹۹ فصل چهارم: دعا
۱۰۱ ۱. حقیقت و جایگاه دعا (درس نهم)

۲. آثار دعا ۱۰۴
- (۱) عافیت ۱۰۴
- (۲) بهره‌مندی از معارف الهی ۱۰۵
- (۳) اطمینان قلب ۱۰۶
- (۴) تطهیر درون ۱۰۶
- (۵) تقرب به خداوند ۱۰۶
۳. آداب ظاهری دعا (درس دهم) ۱۰۹
- (۱) شروع دعا با حمد و ثنای الهی ۱۰۹
- (۲) صلوات ۱۱۰
- (۳) استغفار ۱۱۱
- (۴) پنهان کردن از دیگران ۱۱۱
- (۵) دعا در حق دیگران ۱۱۲
- (۶) تصریح به خواسته ۱۱۳
- (۷) مداومت بر دعا ۱۱۴
- (۸) دعای جمعی ۱۱۵
- (۹) همراهی با عمل ۱۱۶
- (۱۰) ادای حقوق الهی ۱۱۷
۴. آداب درونی دعا (درس یازدهم) ۱۱۹
- (۱) معرفت نسبت به خدای متعال ۱۱۹
- (۲) حسن ظن به اجابت ۱۲۰
- (۳) احساس اضطرار ۱۲۱
- (۴) حضور قلب ۱۲۲
- (۵) خشوع و خضوع ۱۲۲

۱۲۳ توجّه به مصلحت و علم الهی (۶)

۱۲۴ توجّه به نعمت‌ها (۷)

۱۲۷..... فصل پنجم: مسجد

۱۲۹..... ۱. جایگاه مسجد (درس دوازدهم)

۱۳۰..... (۱) اهل مسجد؛ زائران بیت‌الله

۱۳۱..... (۲) انس با مسجد؛ معیار محبت خداوند

۱۳۱..... (۳) ارزش آبادکنندگان مساجد

۱۳۲..... ۲. آثار حضور در مسجد

۱۳۳..... الف) آثار اخروی

۱۳۳..... (۱) بخشایش گناه و بالا رفتن درجات معنوی

۱۳۳..... (۲) محبوبیت الهی

۱۳۴..... (۳) گواهی مسجد در قیامت

۱۳۴..... (۴) عبور سریع از صراط

۱۳۵..... (۵) بهره‌مندی از پاداش شب‌زنده‌داران

۱۳۵..... ب) آثار دنیوی

۱۳۵..... (۱) فراهم شدن زمینه استجاب دعا

۱۳۵..... (۲) زمینه‌سازی برای ترک گناه

۱۳۶..... (۳) جلب روزی

۱۳۷..... (۴) رفع بلا و عذاب دنیوی از جامعه مسلمین

۱۳۷..... ج) آثار اجتماعی

۱۳۸..... (۱) ایجاد پیوند و الفت اجتماعی

۱۳۹..... (۲) فراهم‌سازی زمینه تعلیم و تعلم و رشد علمی

۳. آداب مسجد (درس سیزدهم) ۱۴۱

الف) آداب رفتن به مسجد ۱۴۱

(۱) پوشیدن لباس پاکیزه و شایسته ۱۴۱

(۲) پرهیز از رفتن با دهان بد بو ۱۴۲

(۳) با طهارت بودن ۱۴۳

ب) آداب ورود به مسجد ۱۴۴

(۱) خواندن دعاهای وارد شده ۱۴۴

(۲) ورود با پای راست ۱۴۴

ج) آداب حضور در مسجد ۱۴۵

(۱) رو به قبله نشستن ۱۴۵

(۲) خواندن نماز تحیت ۱۴۵

(۳) نظافت و پاکیزه کردن مسجد ۱۴۵

(۴) ادب سلام دادن ۱۴۶

(۵) ترک امور لغو و مسائل دنیوی ۱۴۷

د) آداب خروج از مسجد ۱۴۷

(۱) دعا کردن ۱۴۷

(۲) مقدم داشتن پای چپ ۱۴۸

فصل نهم: زیارت و توسل ۱۴۹

۱. جایگاه زیارت و توسل در معارف اسلامی (درس چهاردهم) ۱۵۲

۲. آثار زیارت و توسل ۱۵۵

(۱) بخشش گناهان ۱۵۵

(۲) تقویت محبت به پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام ۱۵۶

۱۵۷	تقرب به آستان ربوبی و مقام محمود
۱۵۸	بهره‌مندی از شفاعت
۱۶۰	برآورده شدن حاجات
۱۶۱	شفا یافتن
۱۶۱	افزایش روزی و طولانی شدن عمر
۱۶۳	۳. آداب زیارت و توسل (درس پانزدهم)
۱۶۵	۱) زیارت در ایام خاص
۱۶۶	۲) نظافت و غسل
۱۶۷	۳) حالت حزن
۱۶۷	۴) اذن ورود
۱۶۸	۵) سلام دادن به اهل بیت <small>علیهم‌السلام</small>
۱۶۸	۶) پرهیز از مزاحمت برای دیگران
۱۶۹	۷) سایر آداب
۱۶۹	۴. توسل به امام زمان <small>عجل‌الله تعالی فرجه‌ه</small>
۱۷۲	فهرست منابع

مباحث مقدماتی



دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس اول

در برخورد با افراد مختلف گاهی با اشخاصی مواجه می‌شویم که در ظاهر، خوش برخورد به نظر می‌رسند. در اینجا چند سؤال ممکن است به ذهن برسد؛ آیا صرف چنین برخوردهایی حاکی از ادب و تخلق این افراد است؟ اساساً در این موارد چه مفهومی از ادب و اخلاق در ذهن ما وجود دارد؟ آیا اخلاق و آداب منحصر به چنین رفتارهایی است یا مفهوم گسترده‌تری دارد؟ سؤالاتی از این دست موضوع بحث درس حاضر است.



۱. تعریف اخلاق و آداب

۱) تعریف اخلاق

واژه اخلاق جمع «خُلُق» و «خُلُق» است. از نظر لغت دو واژه «خُلُق» و «خُلُق» از یک ریشه‌اند، با این تفاوت که خُلُق بر «صفات ظاهری، شکل و هیأت مجسم» و خُلُق بر «صفات و ویژگی‌های درونی» اطلاق می‌شود.^۱

۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۹۷، راغب اصفهانی.

بنا بر نظر اندیشمندان نظیر مسکویه رازی و ملامهدی نراقی می‌توان گفت:

«اخلاق در اصطلاح، به معنای ملکات یا صفات نفسانی است که باعث

انجام کارها با سهولت و بدون نیاز به تفکر و اندیشه در انسان می‌شود.»^۱

در این تعریف، اخلاق همان «صفات و ملکات نفسانی» است و افعال اخلاقی در حقیقت

«آثار ملکات و ظهور و بروز صفات درونی» به شمار می‌روند.

با آنکه اخلاق در نظر دانشمندان به ملکات اخلاقی اختصاص دارد؛ اما در علم اخلاق

معمولاً علاوه بر فضائل و رذائل، به رفتارهای اخلاقی اعم از پسندیده و ناپسندیده پرداخته شده است.

به این ترتیب، علم اخلاق دانشی است که از صفات و ملکات نفسانی خوب و بد، علل

شکل‌گیری آن‌ها، رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها، آثار و پیامدها و نیز شیوه تحصیل فضائل

و زدودن رذائل بحث می‌کند.^۲

۲) تعریف آداب

اصل واژه ادب، به معنای دعا (فراخواندن) می‌باشد؛ زیرا ادب، ادب‌آموز را به امور پسندیده

فراخوانده و از امور ناپسند باز می‌دارد.^۳

در تبیین معنای اصطلاحی ادب نیز باید گفت: ملکات اخلاقی اموری درونی هستند و

در مقام عمل به اشکال مختلفی می‌توانند بروز پیدا کنند؛ اما همه آن‌ها از لحاظ نیکویی،

زیبایی و ظرافت، وضعیت یکسانی ندارند، به ابراز اخلاق پسندیده در قالب نیکو، ادب گفته

۱. ر.ک: تهذیب الاخلاق، ص ۱۱، مسکویه رازی؛ جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۶، ملامهدی نراقی.

۲. ر.ک: اخلاق ناصری، ص ۴۸، محقق طوسی. جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۷-۲۶، ملامهدی نراقی.

۳. «والأدب الَّذِي يَتَأَدَّبُ بِهِ الْأَدِيبُ مِنَ النَّاسِ، سَمِي أَدَبًا لِأَنَّهُ يَأْدِبُ النَّاسَ الَّذِيْنَ يَتَعَلَّمُونَهُ إِلَى

المحامد و ينهاهم عن المقابح يَأْدِبُهُمْ أَي يدعوهم، وأصل الأدب الدِّعَاءُ»، تهذیب اللغة، ج ۱۴،

ص ۱۴۷، ازهری.

می‌شود. بنابراین ادب یک عمل، ظرافت‌ها و زیبایی‌های آن عمل است؛ یعنی هیأت نیکویی که شایسته است رفتار مطابق آن باشد.^۱ این خصلت‌های شایسته موجب حُسن یا کمال فعل می‌شوند.

البته این معنا از ادب تنها در افعال مشروع تحقق دارد؛ وقتی در باب آداب سخن می‌گوییم یعنی اصل عمل را توصیه می‌کنیم و یا دست‌کم روا می‌شماریم؛ بنابراین در اعمال شنیع یا ممنوع؛ مانند میگساری، تجاوزگری، خیانت و دروغ، ادب معنا ندارد. همچنین روشن است که این معنا تنها در جایی است که یک عمل را بتوان به گونه‌های مختلفی - زشت و زیبا، کامل و ناقص - انجام داد.

۳) مقایسه اخلاق و آداب

موضوع «اخلاق» بر اساس تعریفی که بیان شد عبارت است از: ملکات نفسانی، در حالی که «آداب» مربوط به رفتار ظاهری و جوارحی انسان و در حقیقت تجلی ملکات اخلاقی است. اخلاق، زیبایی جان و آداب، زیبایی فعل است.

«اخلاق» شامل همه ملکات نفسانی - اعم از فاضله و نیک و نیز زذیله و پست - است در حالی که «آداب» تنها ناظر به ابعاد مثبت رفتار انسانی بوده و در رفتارهای ممنوع یا مذموم، به کار نمی‌رود. بنابراین آدابی مانند ادب حسد ورزیدن، ادب تکبر و یا ادب دروغ‌گویی وجود ندارد. «آداب» ناظر به شیوه‌های صحیح و زیبایی ابراز ملکات اخلاقی است، از این رو به هر نوع تجلی رفتاری مبتنی بر فضایل، ادب گفته نمی‌شود. مثلاً ملکاتی نظیر تواضع، احترام به دیگران و محبت به افراد می‌توانند هم به شکل عادی و هم به شکلی زیبا و دلپسند ابراز شوند. گاهی نیز ابراز آن به صورت عادی، نوعی توهین به مخاطب محسوب یا موجب برداشت نادرست دیگران از رفتارهای متواضعانه یا دوستانه انسان می‌شود.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۵۶، علامه طباطبایی.

شرایط مؤدبانه و غیرمؤدبانه بودن رفتارها در موقعیت‌های مختلف در علم آداب بررسی می‌شود؛ مثلاً تواضع در برابر کودکان به شکل کرنش و تعظیم نادرست است؛ در چنین مواردی سلام کردن به آن‌ها بهترین شکل تواضع است؛ در حالی که سلام کردن به اساتید یا بزرگان دین، اساساً تواضع محسوب نمی‌شود یا حداقل دیگران چنین برداشتی نخواهند داشت؛ در چنین مواردی بوسیدن دست آن‌ها می‌تواند تواضع محسوب شود. به این ترتیب، تواضع مؤدبانه، شکل خاصی از تواضع است که هم حاصل ابراز ملکه تواضع می‌باشد و هم باعث برانگیخته شدن تحسین و احترام دیگران می‌شود.

بنابراین اخلاق، امری ثابت و فرازمانی و فرامکانی هستند؛ یعنی اخلاق نیک در همه زمان‌ها و همه مکان‌ها نیک‌اند و اخلاق زشت همواره و همه جا زشت است. در حالی که آداب نسبی‌اند؛ یعنی به اقتضای برخی زمان‌ها و مکان‌ها ممکن است متفاوت باشند، اگرچه آداب، عینیت یافتن اخلاق‌اند و به نحوی ریشه در فضایل اخلاقی دارند؛ مثلاً تواضع نمودن یک فضیلت اخلاقی است ولی ادب این فضیلت گاهی با بلند شدن در مقابل دیگران، و گاهی با برداشتن کلاه و گاهی با قرار دادن دست روی سینه ابراز شده و متجلی می‌شود.

نکته مهم اینکه صرف متغیر بودن آداب به معنای به رسمیت شناختن هر نوع ادبی از دیدگاه اسلام نیست؛ زیرا اسلام نسبت به برخی از آداب، توصیه‌های خاصی داشته و از مسلمانان خواسته تا بر اساس آن توصیه‌ها با یکدیگر رفتار کنند؛ مانند توصیه به سلام در اولین مواجهه به جای رفتارهای دیگر، و مانند نهی از تعظیم و به سجده افتادن در برابر دیگران.

مهم‌ترین وظیفه رفتاری هر انسانی، انجام فرمان پرورگار است و مهم‌ترین فرمان‌های خدا، دستورات الزامی یعنی واجب‌ها و حرام‌ها هستند. بنابراین انجام واجبات و ترک محرمات اولین، مهم‌ترین و مؤثرترین اقدام در رسیدن به کمال و سعادت انسانی است و تا پایان عمر هیچ جایگزینی برای آن نمی‌توان یافت. سایر اعمال مطلوب، رفتارهایی نیکو

هستند و یا به تعبیر دیگر آداب مستحب یا آداب خوب هستند و در تراحم میان آن‌ها و سایر وظیفه‌های مهم بندگی، بی‌تردید حق تقدم با الزامات دینی و واجب و حرام الهی است. رعایت آداب مستحبی و غفلت از وظایف واجب و حرام، گویی پرداختن به نقش ایوان است در شرایط ویرانی اساس خانه!.

التزام به واجب و حرام موجب تقرب به خداست (قرب فرایض) و البته در رتبه بعد از آن، نوبت به رعایت آداب مستحب و غیرالزامی می‌رسد (قرب نوافل). در واقع رعایت آداب اسلامی عمل ما را زیباتر، پسندیده‌تر، دلپذیرتر و ظریف‌تر می‌نماید. گفتنی است برخی از آداب، از احکام الزامی دین هستند؛ مانند «حرمت شنیدن غیبت» و «وجوب پاسخ به سلام».

۲. جایگاه اخلاق و آداب در منظومه معارف اسلامی

آموزه‌های دین اسلام شامل سه بخش می‌شود:

الف) عقاید و معارف

بخش نخست مجموعه اعتقادات جامع و منسجم درباره دستگاه آفرینش از آغاز تا انجام است که به توصیف و تبیین (اثبات) معارف خداشناسی، راهنماشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و فرجام‌شناسی (معاد) می‌پردازد. دانش عقاید عهده‌دار بررسی و توصیف و تبیین و دفاع از این آموزه‌ها است.

ب) اخلاق

براساس عقاید و معارفی که اشاره شد، و در نتیجه درک جایگاه انسان و هدف خلقت او در نظام آفرینش، این پرسش مطرح می‌شود که مجموعه صفات و اخلاق مطلوب انسان که برای او سعادت دنیا و آخرت را به ارمغان می‌آورد کدام است؟ و چه رفتارها و اعمالی صفات و اخلاق نیک را که متضمن سعادت و خوشبختی او است تأمین می‌کند؟ و کدامین رفتارها او

را به صفات زشت و رذایل اخلاقی سوق داده و موجب تباهی دنیا و هلاکت ابدی او می‌شود؟ دانش اخلاق ضمن این‌که عهده‌دار توصیف و تبیین (اثبات) فضایل و رذایل اخلاقی است، به بایدها و نبایدهای رفتاری برای اتصاف انسان به ملکات و اخلاق نیک و پرهیز از اتصاف انسان به رذایل اخلاقی و نیز به تبیین آداب مطلوب می‌پردازد.

ج) احکام

بخش سوم آموزه‌های اسلام عبارت است از بایدها و نبایدهای فعل انسان که خداوند حکیم برای حفظ مصالح دنیا و آخرت او ساحت‌های فردی و اجتماعی را تشریح کرده است؛ به طوری که انسان به عنوان بنده در مقابل پروردگار مسئول و مکلف به رعایت آنها است و در صورت انجام، مستحق پاداش و در صورت نافرمانی مستحق عقاب خواهد بود. دانش فقه به توصیف و تبیین (اثبات) این امور می‌پردازد که از آنها به عنوان «احکام» یاد می‌شود. البته دانش فقه و اخلاق دارای مسائل مشترکی هستند که هر یک از منظر خاص خود به آن می‌پردازند. این نکته در سطوح بالاتر از این مرحله از آموزش اخلاق و آداب قابل تحقیق و تبیین است.

پرسش‌ها

۱. ساختار مباحث این درس را به اجمال توضیح دهید.
۲. این مفاهیم را تعریف کنید: آداب، خُلق، علم اخلاق.
۳. ارتباط اخلاق و آداب و شباهت‌ها و تفاوت‌های آن دو را بیان کنید.
۴. جایگاه اخلاق را در منظومهٔ معارف اسلامی تبیین کنید.

درس دوم

شاید تصور شود که اهمیت رعایت آداب فقط در زیباسازی عمل مرتبط با آن خلاصه می‌شود؛ اما باید دانست تاثیر التزام به آداب، بسی فراتر از این است. این درس شما را نسبت به اهمیت و جایگاه آداب، آگاه‌تر می‌سازد.



۳. اهمیت آداب

۱) آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام

آداب اسلامی نماد ظاهری اسلام است. مسلمان بودن با هر رفتاری سازگار نیست؛ یعنی وقتی به ارزش‌های اسلامی سر تسلیم فرود می‌آوریم، دیگر هر گونه رفتاری ظاهری را نمی‌توانیم برای خود انتخاب کنیم. آداب اسلامی آن گونه «ظاهر»ی است که با اعتقادات و ارزش‌های اسلامی سازگار است و بروز بیرونی توحید، تسلیم در برابر خدا و بندگی اوست. چگونگی رفتار ظاهری ما نمادی از نوع تفکر و علاقه ما است. این جلوه‌های ظاهری که از ما سر می‌زند به نوعی ما را به دیگران - و حتی به خود- می‌شناساند؛ احوال درونی ما را آشکار می‌سازد و باور و پسند ما را می‌نمایاند؛ برای نمونه پیراهن مشکی شیعیان در ایام عزای

اهل بیت علیهم السلام، عشق و علاقه آن‌ها به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و اعتقاد آن‌ها را به این فرهنگ بیان می‌کند. از این رو این احوال ظاهری اگر میان کسانی مشترک باشد نشان از همفکری و قرابت آنان دارد و اگر در ظواهر افراد و نوع زندگی آنان تفاوتی باشد، می‌توان حدس زد که در نگاه و ارزش‌های آنان نیز احتمالاً تفاوتی وجود دارد.^۱

در مقابل، استفاده از آداب و نمادهایی که متعلق به فرهنگ باطل است، تبلیغ و تقویت آن فرهنگ و اعلام حیات و حضور آن در جامعه است. در حقیقت شخص با استفاده از این آداب، عضویت خود را در آن اندیشه و وفاداری خود را نسبت به آن اعلام می‌کند و سیاهی لشکر آن محسوب می‌شود.^۲ از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که به امت خود سفارش می‌فرمودند:

«ولاتشبهوا بالیهود»^۳:

ظاهر خود را مانند قوم یهود مگردانید.

۲) نقش مؤثر آداب در رشد ارزش‌های اخلاقی

از ثمرات مهم تأدب به آداب، رشد ارزش‌های انسانی است. به طور کلی تأدب به آداب اجتماعی باعث ایجاد روابط پایدارتر، عمیق‌تر، صمیمی‌تر، شیرین‌تر و مؤثرتر میان افراد جامعه می‌گردد. مثلاً سلام کردن، سرآغاز الفت و محبت است. اگر این ادب را از میان برداریم زمینه بسیاری از پیوندهای اجتماعی برداشته خواهد شد.^۴

تأدب به هر یک از آداب، انسان را در نظر دیگران، زیبا و آراسته می‌کند؛ گویی انسان با تأدب به هر ادبی، لباسی جدید بر تن می‌کند؛ از امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل شده است:

-
۱. ر.ک: فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، ص ۴۰، حداد عادل.
 ۲. ر.ک: لباس روحانیت؛ چراها و بایدها، ص ۹ تا ۲۰، عالم‌زاده نوری.
 ۳. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۳۰، شیخ صدوق.
 ۴. ر.ک: همیشه بهار، شریفی.

«الآداب حُلل مجددة»:

آداب، زیورهای نو - جان و تن - است.

به این ترتیب تأدب به آداب، دیگران را جذب می‌کند و بستر خوبی برای الگوسازی عملی، امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه فراهم می‌سازد. انسان از راه تأدب به آداب پسنندیده، ارزشی بالاتر پیدا می‌کند و مورد احترام قرار می‌گیرد؛ همین امر باعث می‌شود که در معرض مسئولیت‌های بزرگ‌تری قرار گیرد. در حالی که به فرمودهٔ امام علی علیه السلام انسان خالی از ادب و بازیگوش به ریاست نمی‌رسد:

«لَا يَرَأْسُ مَنْ خَلَا عَنِ الْأَدَبِ وَ صَبَا إِلَى اللَّعِبِ».^۲

۳) ارتباط آداب با آرمانها

بی‌شک کسی که به دنبال هدف مشخصی است نمی‌تواند نسبت به آداب زندگی بی‌اعتنا باشد. اگر هدفی در زندگی برای فردی جدی شود، به صورت طبیعی آداب متناسب با خود را بر او الزام می‌کند؛ یعنی التزامات رفتاری و انضباط خاصی را پدید می‌آورد؛ مثلاً کسی که می‌خواهد در یک رقابت سنگین علمی شرکت کند، اگر در این هدف جدی باشد، آرایش فعالیت‌های خود را به تناسب آن تغییر می‌دهد؛ مثلاً برای آنکه فکرش پراکنده نشود، دغدغه‌های مزاحم را دور می‌کند، از خواندن روزنامه دوری می‌کند، برنامهٔ غذایی خود را کنترل می‌کند، محیط ساکنی برای مطالعه انتخاب می‌کند، روابط خود، مهمانی رفتن و مهمانی دادن را محدود می‌سازد و ابزارهای ارتباطی خود (مانند تلفن همراه) را در ساعات فراوانی خاموش می‌کند. آداب اسلامی، سبک زندگی و انضباط رفتاری‌ای است که در جهت آرمان عالی عبودیت قرار دارد. کسی که عبودیت و بندگی خدا را مقصد حیات خود می‌بیند، نمی‌تواند نسبت به سبک

۱. نهج البلاغه، حکمت ۵.

۲. غرر الحکم و درر الکلم، ح ۵۰۹۶، آمدی.

زندگی خود بی‌اعتنا باشد؛ بلکه همه شئون زندگی خویش از نماز و عبادت گرفته تا کسب و کار و تحصیل و تفریح و معاشرت و بهداشت و تغذیه و معماری و هنر و سخن گفتن و تولید و مصرف و آراستگی ظاهری و... را در مسیر بندگی او قرار می‌دهد؛ یعنی همه جزئیات زندگی خود را صبغه الهی می‌بخشد. مسلمان نه فقط در مسجد که در خانه و بازار و کلاس درس و مدرسه و محل کار و خیابان، عبد است و برای هر عملی نخست به رضای خدا می‌اندیشد.

او می‌تواند هر کاری را به شیوه‌های مختلفی انجام دهد؛ اما از میان همه آن‌ها شیوه‌ای را که بندگی در آن موج می‌زند و بیشترین هماهنگی را با دستیابی به قرب الهی داشته باشد، در زندگی فردی و اجتماعی خود بر می‌گزیند؛ مثلاً در انتخاب لباس و نوع پوشش، به رضای خدا و تقویت صفت بندگی توجه می‌کند؛ در حالی که انسان لذت جوی هوس پرست فقط به راحتی و لذت جویی توجه می‌کند و لباسی تنگ و تُنک انتخاب می‌کند.

به برکت وجود پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام در شریعت خاتم، مناسب و دقایق آداب و ظرایف رفتاری از خورد و خوراک، خواب و بیداری، نظافت و آداب زناشویی تا تربیت فرزند و روابط حقوقی، اقتصادی، اجتماعی و سازمان حکومتی به کمال بیان شده است.

اسلامی بودن آداب و توحیدی بودن شیوه زندگی به این معناست که سبک زندگی، بسترساز «عبودیت الهی» در حیات انسانی باشد. به گفته علامه طباطبایی رحمته الله علیه: ادب الهی، انجام عمل بر هیأت توحید است.^۱ به این ترتیب آداب اسلامی عمدتاً آداب بندگی است؛ یعنی جلوه‌های ظاهری عبودیت، و تصویر توحید در ظواهر انسان.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۵۸، علامه طباطبایی.

۴) تأثیر متقابل ظاهر و باطن

ظاهر و باطن انسان دو جهان مستقل جدا از هم نیستند، بلکه میان آن دو ارتباطی محکم و تأثیری دوجانبه وجود دارد. در این بین، باطن، اساس وجود انسان را تشکیل می‌دهد. یکی از جنبه‌های اهمیت رعایت آداب، وجود «تأثیر و تأثر متقابل ظاهر و باطن آدمی» است. منظور از «ظاهر» همه امور مشهودی است که از انسان سر می‌زند و مظهر آن بدن است و مراد از باطن، همان قلب و عقل است یعنی شئونی که قابل مشاهده نیست؛ به بیان دیگر مجموعه اعتقادات و تصورات و همچنین احساسات و امیال و نیت‌ها و رغبت‌هایی که درون انسان وجود دارد.

از شگفتی‌های روح انسان، تأثیرگذاری درون و برون بر یکدیگر و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر است. هر یک از ما وقتی می‌ترسد، رنگ چهره‌اش می‌پرد؛ وقتی خجالت می‌کشد، عرق می‌کند و سرخ می‌شود؛ وقتی تردید دارد، گفتارش سست است. وقتی یقین دارد، محکم و قاطع حرف می‌زند؛ وقتی غمگین و ناراحت است، اشتها ندارد و چهره‌اش گرفته است. این مثال‌ها نشان می‌دهد که حالاتی مانند ترس، غم، شک، یقین، شرم، عشق، رقت قلب، شجاعت و... که همه درونی‌اند، در چهره و گفتار و رفتار انسان تأثیر می‌گذارند. رفتار مؤمن و منافق یکسان نیست و کار انسان عقیده‌مند و بی‌عقیده، متفاوت است. همین‌جا این نتیجه را می‌توان گرفت که برای تغییر در ظاهر و دگرگون‌سازی رفتار بیرونی، باید به تغییر باطنی پرداخت؛ چراکه «حالات ظاهر»، انعکاس «ویژگی‌های درونی» است.

جنبه دیگر، تأثیر ظاهر در باطن است. هر یک از ما وقتی لباسی نو و تمیز می‌پوشد یا حمام می‌رود، احساس دیگری دارد. وقتی لباسی فاخر می‌پوشد، زمینه نوعی احساس خود برترینی در او پدید می‌آید. معطر و آراسته بودن، روح را هم تلطیف می‌کند و چرکی و آلودگی و شلختگی ظاهری، در روح و روان هم اثر منفی می‌گذارد. بنابراین چون ظاهر در باطن مؤثر

است، گاهی می‌توان از راه ایجاد تغییرات برونی به تحولات درونی دست یافت. همان‌گونه که بعضی به وسیله ورزش که نوعی حرکت جسمی است، می‌کوشند در خود طراوت روانی پدید آورند.

ظاهر بر باطن اثر می‌گذارد؛ اگرچه این نقش، با تکلف و تصنع همراه باشد؛ برای نمونه، تباکی، فرد را واقعاً آندوهگین می‌کند. از حضرت علی علیه السلام نقل شده است:

«إِنْ لَمْ تَكُنْ حَلِيمًا فَتَحَلَّمْ؛ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَكَ أَنْ يَكُونَ مِنْهُمْ»^۱؛

اگر بردبار نیستی خود را بردبار جلوه ده، زیرا اندک پیش می‌آید که کسی خود را شبیه گروهی سازد و جزء آنان نشود.

از طرف دیگر کسی که در لباس و قیافه و نوع زندگی و فرهنگ اجتماعی از کفار الگو بگیرد، این شباهت ظاهری به تدریج او را به پذیرش فرهنگ آنان می‌کشاند. به همین جهت تشبه به کفار در دین اسلام ممنوع و ناروا شمرده شده است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ: لَا يَلْبَسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي وَلَا يَطْعَمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا يَسْلُكُوا مَسَالِكَ أَعْدَائِي، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا هُمْ أَعْدَائِي»^۲؛

خدای عزوجل به یکی از انبیا وحی کرد به مؤمنان بگو لباس دشمنان را نپوشند و غذای دشمنان را نخورند و به راه دشمنان من نروند که از دشمنان من خواهند شد.

۱. یعنی خود را به گریه وانمود کردن.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۲۰۷.

۳. کتاب من لایحضره الفقیه. ج ۱، ص ۲۵۲، شیخ صدوق.

الگوگیری از غرب، بدون داشتن بنیان‌های استوار درونی، انسان‌ها و جامعه‌های اسلامی را «غربی» می‌سازد. این نیز نوعی از تأثیر برون در درون است. «غرب‌زدگی»، محصول غرب‌باوری و خودباختن در برابر جلوه‌های تمدن اروپا و خود را شبیه آنان ساختن است که روحیه آنان را هم در افراد ایجاد می‌کند. صادرات فرهنگی غرب، سرانجام به «مسخ فرهنگی» ملت‌ها می‌انجامد.^۱

اکنون به آداب اسلامی نظر کنیم. چرا در نماز رو به «قبله» می‌ایستیم؟ شاید از آن جهت که جهت‌گیری ظاهری به سوی یک مکان جغرافیایی، دل و جان را هم به همان سمت می‌کشد و باطن را هم توحیدی و ابراهیمی می‌سازد. چرا به «جماعت» نماز می‌خوانیم؟ چون شکل و همبستگی ظاهری صفوف و حرکات، تمرینی برای وحدت قلبی و پیوند باطنی امت نمازگزار است. چرا بهترین، تمیزترین و خوشبوترین لباس را در نماز به تن می‌کنیم؟ چون این‌گونه نماز خواندن، حضور قلب و طراوت بیشتری پدید می‌آورد؛ یعنی رعایت ادب ظاهری به تحقق آداب باطنی نماز کمک می‌کند.

هرچه حجاب و پوشش ظاهری بیشتر و بهتر باشد، این نوع حجاب در تقویت و پرورش روحیه باطنی و درونی عفت، تأثیر بیشتری دارد؛ و برعکس هر چه عفت درونی و باطنی بیش‌تر باشد، حجاب و پوشش ظاهری نیز بیشتر و بهتر می‌گردد.

علاوه بر این، بین پوشش ظاهری و عفت باطنی، رابطه نشانه و صاحب نشانه نیز هست؛ به این معنا که حجاب ظاهری، نشانه‌ای از عفت باطنی است. البته این مطلب به این معنا نیست که برای مثال هر فردی که حجاب و پوشش ظاهری داشت، لزوماً از همه مراتب عفت و پاکدامنی نیز برخوردار است.

۱. ر.ک: رابطه درون و برون، پیام زن مرداد ۱۳۸۱، شماره ۱۲۵، جواد محدثی.

۵) بهره‌مندی حداکثری از دین

از دین دو گونه بهره می‌توان گرفت؛ یکی بهره‌دست پایین و حداقلی و دیگری بهره‌دست بالا و حداکثری. بهره‌دست پایین مربوط به رعایت مرزها و قانون‌های شرعی است (انجام واجب‌ها و ترک حرام‌ها) و بهره‌دست‌حداکثری مربوط به توصیه‌های استحبابی (افزون بر انجام واجب‌ها و ترک حرام‌ها) است.

گویا رفتارهای انسان مسلمان در پیوستاری از انتخاب‌ها، محدود به حداقل و حداکثری است که مسلمان در حرکت میان این کف و آن سقف مختار است؛ اما توصیه شده همواره به کف اکتفا نکند و اوج بگیرد. مانند اینکه نمره قبولی دانش‌آموز در مدرسه میان ده و بیست قرار دارد. اما نمره ده، کف توقع از اوست.

در شریعت اسلام نیز بعضی از چیزها حلال‌اند؛ اما به فاصله گرفتن از آن‌ها توصیه می‌شود و تنها در شرایطی خاص و از سرناچاری به آن‌ها رضایت داده می‌شود. زندگی مسلمان باید مورد رضایت حداکثری خدا باشد نه اینکه تنها از خشم خدا دور ماند. برخلاف این دست‌وروشن، برخی، به بهانه «مگر حرام است؟» به حداقل‌ها اکتفا کرده و هر حلالی را مرتکب می‌شوند و به این ترتیب از مطلوبیت‌های شرعی فاصله زیادی می‌گیرند. شاید تفاوت تعبیر این دو آیه ناظر به همین موضوع باشد. دقت کنید:

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا﴾^۱ از مرزهای خدا تعدی نکنید.

﴿تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا﴾^۲ به مرزهای خدا نزدیک نشوید.

۱. بقره: ۲۲۹.

۲. بقره: ۱۸۷.

بسیاری از مصادیق لهو و لغو، از نظر فقهی حلال است؛ اما بدان توصیه نمی‌شود. بلکه خدای متعال یکی از شرط‌های موفقیت و فلاح مؤمنان را پرهیز از این امور لغو (اعم از حلال و حرام) دانسته است.^۱

از این رو برای اسلامی شدن زندگی کافی نیست که از حرام پرهیز شود. ممکن است تمام زندگی از حلال پر باشد، مثلاً از صبح تا شام را به سرگرمی‌های حلال^۲ بپردازیم؛ اما زندگی ما امام زمان‌پسند و اسلامی نباشد. از این جهت در ترسیم الگوی زندگی اسلامی نباید صرفاً به دنبال حلال و حرام باشیم؛ بلکه باید به کشف توصیه‌ها و ارزش‌ها نیز اهتمام کنیم.

۴. اقسام آداب اسلامی

در دسته‌بندی رایج، آداب اسلامی به سه گروه تقسیم می‌شود:

اول: آداب اسلامی در ارتباط با خدای متعال (آداب بندگی)؛ مانند آداب نماز، روزه، دعا، مسجد رفتن و انس با قرآن.

دوم: آداب اسلامی در ارتباط با خود (آداب فردی)؛ از قبیل آداب غذا خوردن، نظافت و خوابیدن.

سوم: آداب اسلامی در ارتباط با دیگران (آداب اجتماعی).

آداب اجتماعی به دو بخش عام و خاص تقسیم می‌شود؛ آداب اجتماعی عام به آن دسته از رفتارهای اجتماعی گفته می‌شود که در همه حوزه‌های زندگی جاری است، مانند سلام کردن، گشاده‌رویی و تغافل. آداب اجتماعی خاص نیز به آدابی گفته می‌شود که به حوزه خاصی از روابط اجتماعی مانند خانواده، حیات شغلی و مقام علم‌آموزی اختصاص دارد.

۱. مؤمنون: آیات ۱ تا ۳.

۲. باید توجه داشت مراد از این مطلب، نفی تفریح و سرگرمی حلال نیست. در درس تفریح و آداب آن از همین مجموعه، این موضوع را دقیق‌تر بررسی می‌کنیم.

هر کار نیکی آدابی دارد؛ یعنی می‌توان آن را کامل‌تر، نیکوتر و زیباتر انجام داد. آداب وضو و غسل، آداب صدقه دادن، آداب اذان گفتن، آداب سوگواری در غم مؤمنان، آداب مصرف، آداب کارکردن، آداب راه رفتن، آداب معامله و داد و ستد، آداب صلہ رحم، آداب غذاپختن و آداب قربانی کردن نمونه‌هایی از آن است. آنچه در این کتاب آمده تنها بخشی از مهم‌ترین آداب اسلامی است.

پرسش‌ها

۱. اقسام آداب اسلامی را بیان کنید.
۲. اهمیت آداب اسلامی را با استفاده از حداقل سه مؤلفه توضیح دهید.
۳. آداب اسلامی چه تاثیری در رشد ارزش‌های اخلاقی می‌تواند داشته باشد؟
۴. چه نسبتی میان رعایت آداب و آرمان‌ها هست؟
۵. ضرورت مباحث اخلاق و آداب برای طلبه چه اندازه است؟ توضیح دهید.

دقراول:

آداب بندگی

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

فصل اول:

نماز

عکس



موسسه فرهنگی و آموزشی
موسسه فرهنگی و آموزشی

موسسه فرهنگی و آموزشی

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس سوم

گذشت که آداب اسلامی سه بخش است: اول، آداب بندگی؛ دوم آداب فردی و سوم آداب اجتماعی. بخش اول این کتاب شامل مباحث مربوط به آداب ارتباط با خدا (آداب بندگی) است. در ادامه، ابتدا معنای بندگی و عبادت و آنگاه جایگاه نماز و آثار آن بیان می‌شود.



الف) معنای بندگی

«بندگی» در لغت فارسی معادل «عبودیت» در زبان عربی است؛ که اهل لغت آن را به معنای خضوع و تذلل گرفته‌اند. راغب در مفردات می‌نویسد: «عبودیت اظهار تذلل و عبادت نهایت تذلل است»^۱.

بندگی حضرت حق، هدف از آفرینش و جوهره‌ی هستی انسان و معنا دهنده‌ی انسانیت او است:

۱. المفردات، ص ۳۱۹، راغب اصفهانی.

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾^۱:

جن و انس را نیافریدم جز برای آن که مرا بپرستند.

از آثار «عبودیت» آراسته شدن به کمالات، اسما و صفات الهی و در یک کلمه تولی به ولایت کلی الهی است. توحید و ولایت دو روی یک سکه‌اند و بنده‌ای که با تمام وجود به کمالات توحیدی آراسته گردد و جز خدا نبیند، تحت ولایت الهی وارد شده و خداوند سرپرستی او را در تمامی زمینه‌ها عهده‌دار خواهد شد و خداوند «ولی» او، و او «ولی الله» خواهد گردید. امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال عنوان بصری پیرامون این معنا چنین فرمود:

«قُلْتُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! مَا حَقِيقَةُ الْعُبُودِيَّةِ؟ قَالَ: ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ: أَنْ لَا يَرَى الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا خَوَّلَهُ اللَّهُ مَلَكًا، لِأَنَّ الْعَبِيدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مَلِكٌ، يَرُونَ الْمَالَ مَالَ اللَّهِ، يَضَعُونَهُ حَيْثُ أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ؛ وَلَا يَدْبِرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيرًا؛ وَ جُمَّلَهُ اشْتِغَالَهُ فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَ نَهَا عَنْهُ...»^۲

گفتم: ای ابا عبدالله! حقیقت عبودیت و بندگی چیست؟ فرمود: سه چیز است: اول آن که بنده خویش را مالک آن چه خدا به وی عطا کرده نداند؛ زیرا بندگان مال و ملکی برای خود قائل نیستند و همه را از آن حق می‌دانند و در راهی که دستورشان داده مصرف می‌کنند. دوم: آن که بنده برای خود تدبیر نکند. و سوم آن که تمام اشتغالش به کاری باشد که خداوند او را به آن امر و یا از آن نهی نموده است...

اخلاق و آداب اسلامی همه بر محور بندگی و عبودیت است و «عبادت»، بهترین نمود بندگی و معنادهنده به سایر تعامل‌های انسان می‌باشد، به گونه‌ای که اگر عبادت در زندگی بشر نباشد، انسان در ردیف دیگر موجودات مادی قرار می‌گیرد.

۱. ذاریات: ۵۶.

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۲۴، علامه مجلسی.

بنابراین، اگرچه واژه‌ی «عبادت» در فرهنگ قرآن و حدیث از دامنه‌ی وسیعی برخوردار است و گستره‌ی آن تمامی اعمال درونی و بیرونی انسان را دربرمی‌گیرد، لیکن در اینجا مفهوم خاص آن که نمودهای ارتباط انسان با خداوند همراه با قصد قربت، در قالب نماز، دعا، ذکر و قرائت قرآن است، مورد نظر می‌باشد، که در منابع اسلامی بسیار مورد تأکید قرار گرفته، به حدی که در حدیث منقول از امام صادق علیه السلام به نقل از رسول اکرم صلی الله علیه و آله آمده است:

«أَفْضَلُ النَّاسِ مَنْ عَشِقَ الْعِبَادَةَ، فَعَانَتْهَا بِنَفْسِهِ، وَ بَاشَرَهَا بِجَسَدِهِ، وَ تَفَرَّغَ لَهَا، فَهُوَ لِأَيْبَالِي عَلَى مَا أَصْبَحَ مِنَ الدُّنْيَا، عَلَى عُسْرِ أُمَّ عَلَى يُسْرٍ»^۱

بهترین مردم کسی است که به عبادت عشق ورزد و با تمام وجود با آن مأنوس شود و اوقات خود را به عبادت بگذراند و برای او فرقی نکند که دنیا بر او سخت یا آسان گذرد.

ب) نماز

۱. جایگاه و اهمیت نماز

بهترین راه پی بردن به جایگاه نماز توجه به سیره اهل بیت علیهم السلام و دقت در بیانات آنهاست.

۱) اهتمام اهل بیت علیهم السلام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت ایشان نماز را بر هر عمل دیگر ترجیح می‌دادند. به هنگام اذان و فرارسیدن وقت نماز، شوق و جذبه الهی بر آنان غلبه می‌کرد و هر کاری غیر از توجه به خدا را فراموش می‌کردند. از امیرمؤمنان علی علیه السلام در توصیف رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ لَا يُؤْتِرُ عَلَى الصَّلَاةِ عَشَاءً وَلَا غَيْرَهُ، وَكَانَ إِذَا دَخَلَ وَقْتُهَا كَأَنَّهُ لَا يَعْرِفُ أَهْلًا وَلَا حَمِيمًا»^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۳، شیخ کلینی؛ وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۸۳، شیخ حر عاملی.

۲. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۷۸، ورام.

رسول خدا ﷺ نه شام و نه کار دیگری را بر نماز مقدم نمی داشت و طوری بود که هرگاه وقت نماز می رسید گویی نه خانواده ای می شناسد و نه دوست شفیقی.

نقل شده است که وقتی از حضرت سیدالسادین عَلَيْهِ السَّلَام درباره تغییر چهره شان هنگام وضو پرسیدند، در پاسخ فرمودند:

«إِنِّي أُرِيدُ الْوُقُوفَ بَيْنَ يَدَيِ مَلِكٍ عَظِيمٍ»^۱!

می خواهم در پیشگاه پادشاهی بزرگ بایستم.

۲) ستون دین

در برخی روایت ها از نماز به مثابه «ستون و پایه دین» یاد شده به طوری که هرگونه خلل در آن موجب ضعف و سستی بقیه اجزای دین می شود.

از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

«مَثَلُ الصَّلَاةِ مَثَلُ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا تَبَّتْ الْعَمُودُ تَفَعَّتِ الْأُتُنَابُ وَالْأُوتَادُ وَالْغِشَاءُ وَإِذَا انْكَسَرَ الْعَمُودُ لَمْ يَنْفَعِ»^۲!

نماز مانند ستون خیمه است؛ هرگاه ستون خیمه استوار باشد طناب ها، میخ ها و پوشش روی خیمه کارایی دارد؛ ولی وقتی ستون بشکند سایر اجزا فایده ای ندارند.

۳) محبوب ترین اعمال بندگان

نماز «محبوب ترین عمل نزد خدا و آخرین توصیه همه انبیا» است. از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل

شده است:

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۵۸، قاضی نعمان مغربی.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴، شیخ کلینی.

بهترین کارها نزد خداوند عزوجل، نماز - آخرین سفارش پیامبران - است؛ چه زیباست وقتی انسان وضو می‌گیرد و آن را زینت می‌بخشد و کامل می‌کند و بعد به گونه‌ای که کسی او را نبیند سر فرود می‌آورد و پس از آن در حال رکوع یا سجده مورد تشریف و اکرام قرار می‌گیرد! وقتی بنده به سجده می‌رود و سجده‌اش را طول می‌دهد، ابلیس ندا می‌دهد: وای بر من! این بنده اطاعت کرد و من نافرمانی کردم. او سجده کرد و من سر باز زدم.^۱

معاویه بن وهب می‌گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم ارزشمندترین و دوست‌داشتنی‌ترین چیزی که بندگان از راه آن به پروردگار نزدیک می‌شوند، چیست؟ آن حضرت فرمودند:

«مَا أَعْلَمُ شَيْئًا بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ أَفْضَلَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ؛ الْآتِرَى أَنَّ الْعَبْدَ الصَّالِحَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ قَالَ: ﴿وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا﴾»^{۲، ۳}

بعد از معرفت، چیزی برتر از نماز سراغ ندارم. آیا نمی‌دانی که بنده صالح - عیسی بن مریم - فرمود: «خداوند به‌جا آوردن نماز و زکات را در طول زندگی‌ام به من سفارش فرمود».

۴) شرط قبولی اعمال

در روایت‌های دیگر ضمن تأکید بر رکن بودن نماز، بیان شده است که پذیرش و عدم پذیرش نماز، شرط قبولی و یا ردّ سایر اعمال است.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

۱. همان.

۲. مریم: ۳۱.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۴، شیخ کلینی.

اولین چیزی که بنده به آن محاسبه می‌شود، نماز است؛ پس اگر پذیرفته شد، اعمال دیگر نیز پذیرفته خواهد شد. هرگاه نماز در اول وقت به پا داشته شود، به صورت نور درخشنده‌ای به صاحبش باز می‌گردد و می‌گوید: «من را نگاه داشتی، خدا تو را نگاه بدارد». و هرگاه در غیر وقتش بدون رعایت حدود آن اقامه شود، به صورت سیاهی تاریکی به صاحبش باز می‌گردد و می‌گوید: ضایع‌ام کردی، خدا تو را ضایع کند.^۱

از پیامبر خدا ﷺ نیز نقل شده است:

«إِنَّ عَمُودَ الدِّينِ الصَّلَاةُ وَ هِيَ أَوَّلُ مَا يُنْظَرُ فِيهِ مِنْ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ؛ فَإِنْ صَحَّتْ نُظِرَ فِي عَمَلِهِ، وَإِنْ لَمْ تَصِحَّ لَمْ يَنْظَرْ فِي بَقِيَّةِ عَمَلِهِ»^۲:

ستون دین نماز است و نماز، نخستین عمل فرزند آدم است که به آن رسیدگی می‌شود؛ اگر درست بود، به دیگر اعمالش رسیدگی می‌شود و اگر درست نبود، به بقیه اعمالش رسیدگی نمی‌شود.

۲. آثار نماز

برخی از مهم‌ترین آثار اقامه نماز عبارتند از:

۱) بازداری از ارتکاب گناه

نماز، موجب ترک گناه و اعمال ناشایست است. این حقیقت هم در آیات قرآن و هم در روایت‌ها مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال می‌فرماید:

۱. همان، ص ۲۶۸.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۳۷، شیخ طوسی.

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ
وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ﴾^۱!

و نماز را برپا دار! زیرا که نماز، انسان را از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و قطعاً یاد خدا (از هر عبادتی) بالاتر است و خدا می‌داند چه می‌کنید.
از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

«مَنْ لَمْ تَنْهَهُ الصَّلَاةَ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ لَمْ يَزِدْ مِنَ اللَّهِ إِلَّا بُعْدًا»^۲:

هر که نمازش او را از کار زشت و ناپسند باز ندارد، جز بر دوری او از خدا افزوده نشود.

نکته دارای اهمیت در این مورد، پرهیز از شتابزدگی در مورد تأثیر نماز در جلوگیری از فحشا و منکر است. چه بسا این امر مدت زمانی به طول انجامد، زیرا تأثیر کامل اعمال از جمله نماز، امری تدریجی بوده و چه بسا اثرگذاری آن بر فردی به گونه‌ای که مانع او از ارتکاب گناه شود، نیازمند تکرار آن در طول زندگی است.

۲) بخشش گناهان

از دیگر آثار نماز، بخشودگی گناهان و پاک‌سازی درون از آلودگی‌های ناشی از ارتکاب گناهان است. از امام صادق علیه السلام درباره این سخن پروردگار که «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ»^۳، نقل شده است:

«صَلَاةَ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ»^۴!

۱. عنکبوت: ۴۵.

۲. تفسیر القمی، ج ۲، ص ۱۵۰، شیخ علی بن ابراهیم قمی.

۳. هود: ۱۱۴.

۴. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۶.

نماز مؤمن در شب، همه گناهان روزش را از میان می برد.

همچنین از آن حضرت نقل شده است:

اگر جلوی خانه شما جوی آبی باشد و روزی پنج بار خود را در آن بشویید آیا

چرک و کثافتی باقی می ماند؟ حکایت نماز نیز حکایت جوی آبی است که تمیز

و پاکیزه می کند؛ هرگاه کسی نمازی بخواند این نماز گناهانش را پاک می کند.^۱

در روایتی دیگر از آن حضرت بر این نکته تأکید شده است که حتی اگر از بنده یک نماز

پذیرفته شود خدای متعال وی را عذاب نمی کند:

«مَنْ قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ صَلَاةً وَاحِدَةً لَمْ يَعْذِبْهُ، وَمَنْ قَبِلَ مِنْهُ حَسَنَةً لَمْ يَعْذِبْهُ»^۲؛

هر کس خدا از او یک نماز را بپذیرد، او را عذاب نخواهد کرد و هر کس که خدا

از او یک حسنه را بپذیرد، خدا او را عذاب نخواهد کرد.

البته بخشش گناهان، مشروط بر این است که نماز، با حضور قلب و توجه نسبت به خدای

متعال همراه باشد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

«مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ يَعْلَمُ مَا يَقُولُ فِيهِمَا انْصَرَفَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ ذَنْبٌ»^۳؛

هر کس دو رکعت نماز بخواند که بداند در آن چه می گوید، در حالی از نماز

برمی خیزد که میان او و خدایش گناهی نیست.

۱. همان، ص ۲۳۶.

۲. همان، ص ۲۶۶.

۳. همان.

۳) از بین بردن تکبر

از دیگر آثار نماز، زمینه‌سازی برای از بین بردن کبر و غرور است. از حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

نقل شده است:

«فَقَرَّصَ اللَّهُ... الصَّلَاةَ تَنْزِيهَا عَنِ الْكِبْرِ!»^۱

خداوند، نماز را به منظور دور کردن (انسان) از تکبر واجب فرمود.

۴) نزول رحمت واسع الهی

در بسیاری از روایت‌ها بر این نکته تصریح شده که نماز خواندن به مثابه «غوطه خوردن

در رحمت الهی» است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

وقتی نمازگزار به نماز برمی‌خیزد، رحمت از جای جای آسمان در جای جای

زمین بر او فرود می‌آید و فرشتگان او را در برمی‌گیرند. فرشته‌ای ندا می‌کند:

«اگر این نمازگزار می‌دانست چه چیزی در نماز هست، دست نمی‌کشید و

رو بر نمی‌گرداند!»^۲.

۵) تقرب به خدای متعال

از مهم‌ترین آثار نماز «کنار رفتن حجاب‌ها و راه‌یابی به آستان قرب الهی» است. از امام

رضا علیه السلام نقل شده است:

«الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»^۳:

نماز، مایه تقرب هر پرهیزکاری به خدای متعال است.

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸، شیخ صدوق.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵، شیخ کلینی.

۳. همان، ص ۲۶۵.

و نیز از آن حضرت نقل شده است:

«أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ سَاجِدٌ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ:

«وَأُسْجِدُ وَاقْتَرِبُ»^۱»^۲:

سجده، نزدیک‌ترین حالی است که بنده نسبت به خدای عزوجل دارد.

و این همان فرموده خداوند عزوجل است: «سجده کن و نزدیک شو!».

قرب الهی، بزرگترین و مهم‌ترین آرزوی بندگان خداست و نماز مهم‌ترین عامل آن به شمار می‌رود.

پرسش‌ها

۱. چارچوب کلی مباحث مربوط به آثار نماز و جایگاه آن را ترسیم نمایید.
۲. مهم‌ترین آثار نماز را نام ببرید.
۳. «الصَّلَاةُ قُرْبَانٌ كُلِّ تَقِيٍّ» به چه معناست؟
۴. نحوه تأثیر نماز بر بخشش گناه را بیان کنید.
۵. معنای ستون بودن نماز را در دین اسلام با ذکر روایت بیان کنید.
۶. به نظر شما کدام یک از آثار نماز مهم‌تر است؟

۱. علق: ۱۹. (این آیه سجده واجب دارد).

۲. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵، شیخ کلینی.

درس چهارم

در درس گذشته، با اهمیت و آثار نماز و اهتمام اهل بیت علیهم السلام به آن آشنا شدید. بی تردید اقامه نماز، بدون شرایط مذکور در روایات، فاقد آثار مذکور بوده و تنها در موارد خاصی فوائد پیش گفته را خواهد داشت. از برخی از این شرایط تحت عنوان «آداب نماز» یاد می شود. در نتیجه زمانی می توان حق نماز را -چنان که شایسته آن است- به جا آورد که حداقل برخی از مهم ترین آداب آن رعایت شود. در چنین حالتی می توان به دستیابی به آثار پیش گفته امید داشت.



۳. آداب نماز

برای استفاده بیشتر از برکات نماز لازم است آداب آن را بشناسیم.

۱) اعتدال در عبادت

هر چند اعمال مستحبی مانند نماز شب، قرائت قرآن و دعا از مهم ترین عوامل رشد معنوی است ولی تحمیل بیش از اندازه نوافل و مستحبات بر خود به ویژه در آغاز راه پسندیده نیست؛

بلکه میزان عبادت باید با ظرفیت روحی فرد تناسب داشته باشد تا نشاط و رغبت انسان برای عبادت پیوسته باقی بماند. امام علی علیه السلام فرمودند:

«خَادِعَ نَفْسِكَ فِي الْعِبَادَةِ وَارْفَقَ بِهَا وَلَا تَقْهَرَهَا وَخُذْ عَفْوَهَا وَنِشَاطَهَا، إِلَّا مَا كَانَ مَكْتُوبًا عَلَيْكَ مِنَ الْقَرِيبَةِ؛ فَإِنَّهُ لَا بُدَّ مِنْ قَضَائِهَا وَتَعَاهُدِهَا عِنْدَ مَحَلِّهَا»^۱!

در عبادت و بندگی، نفس خود را بفریب. با او مدارا نما و مقهورش مدار (تکلیف سخت به او مکن) و هنگام فراغت و نشاطش آن را دریاب (به طاعت و بندگی وادار)، مگر آنچه بر تو واجب است که از به جا آوردن آن و مراعات آن در وقتش چاره‌ای نیست.

نیز فرمودند:

«إِنَّ لِلْقُلُوبِ إِقْبَالَ وَإِدْبَارًا، فَإِذَا أَقْبَلَتْ فَاحْمِلُوهَا عَلَى التَّوْفَلِ، وَإِذَا أَدْبَرَتْ فَاقْتَصِرُوا بِهَا عَلَى الْقَرَائِصِ»^۲!

برای دل‌ها روی‌آوری و رویگردانی است. پس هرگاه [دل شما] رو کرد [و نشاط داشت] آن را به انجام مستحبات وادارید. و هرگاه رو برگرداند [و کسل و بی‌طراوت بود] به انجام واجبات اکتفا کنید.

امام خمینی رحمته الله در این خصوص گفته‌اند: «بالجمله، بر سالك راه آخرت «مراعات» احوال ادبار و اقبال نفس لازم است، و چنانچه از حظوظ نباید مطلقاً جلوگیری کند که منشأ مفاسد عظیم است، نباید در سلوک از جهت عبادات و ریاضات عملیه به نفس سخت‌گیری کند و آن را در تحت فشار قرار دهد، خصوصاً در ایام جوانی و ابتدای سلوک که آن نیز منشأ انضجار

۱. نهج البلاغه، خطبه ۶۹.

۲. همان، حکمت ۳۱۲.

و تنفّر نفس شود و گاه شود که انسان را از ذکر حقّ منصرف کند و در احادیث شریفه اشاره به این معنی بسیار است، چنانچه در کافی شریف است که حضرت صادق علیه السلام فرمودند: «من در ایام جوانی جدّیت و اجتهاد در عبادت نمودم، پدرم به من فرمود: ای فرزند کمتر از این عمل کن، زیرا که خدای عزّ و جلّ وقتی که دوست داشته باشد بنده‌ای را، راضی شود از او به کم»^۲.

۲) توجه به ابعاد باطنی طهارت

وضو و طهارت از شروط صحت نماز است؛ اما در کنار آن، توجه کردن به ابعاد باطنی طهارت نیز از جمله آداب مرتبط با نماز است؛ بنابراین شایسته است نمازگزار در حال وضو توجه به اسرار و باطن آن نیز داشته باشد.

با توجه به اینکه احکام دینی مبتنی بر مصالح و مفاسدی واقعی است که اغلب از دسترس فهم بشر دور است، برای فهم حقایق مستتر در عبادات باید از سخنان اهل بیت علیهم السلام الهام گرفت. در روایت‌های فراوانی برخی از اسرار وضو بیان شده است. از رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که هر کدام از اعمال وضو فروریزنده دست‌های از گناهان است:

در وضو، وقتی دستت را در ظرف می‌گذاری و نام خدا را جاری می‌کنی گناهدانی که حاصل عمل دست توست فرو می‌ریزد. آنگاه که صورت خود را می‌شویی، گناهدانی که با چشمانت و با دهانت انجام داده‌ای می‌ریزد و به هنگام شستن دو دست خود، گناهان از طرف راست و چپ تو فرو می‌ریزد و چون سر و پایت را مسح نمودی، آن قسم از کردارهای بد که به سمت آن‌ها گام برداشتی محو و نابود می‌شود. این اجر و پاداش وضوی توست.^۳

۱. الکافی، ج ۲، ص ۸۷، شیخ کلینی.

۲. آداب الصلاة، امام خمینی رحمته الله علیه، ص ۲۶.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۷۱، شیخ کلینی.

سماعه می‌گوید: خدمت امام کاظم علیه السلام بودم. آن حضرت نماز ظهر و عصر را در برابرم به جای آورد. وقت مغرب که فرارسید؛ آن حضرت برای نماز وضو گرفته و به من فرمودند: وضو بگیر! عرض کردم: فدایت شوم، من وضو دارم. فرمودند:

اگر چه وضو داشته باشی باز وضو بگیر؛ زیرا کسی که برای نماز مغرب وضو می‌گیرد، وضویش کفاره گناهان روزش - به جز گناهان بزرگ - است و کسی که برای صبح وضو بگیرد وضویش کفاره گناهان شبش - به جز گناهان بزرگ - است.^۱

از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است:

«الطُّهُرُ عَلَى الطُّهْرِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ»^۲؛

طهارت (وضو) روی طهارت (وضو) ده حسنه به شمار می‌آید.

۳) بزرگداشت نماز

نماز محبوب‌ترین اعمال بنده، ستون دین و شرط قبولی اعمال است. کوتاهی در ادای نماز و سبک شمردن آن، پیامدهای سوء فراوانی دارد؛ به پایه‌های دین آسیب می‌زند و قبولی اعمال دیگر را مردد می‌سازد. در آیات و روایات، از تزییع نماز و سبک شمردن آن به شدت مذمت شده است.

از رسول گرامی صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«مَنْ تَهَاوَنَ بِصَلَاتِهِ مِنَ الرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ ابْتَلَاهُ اللَّهُ بِخَمْسِ عَشْرَةَ خِصْلَةً»^۳؛

هر مرد وزنی که نمازش را بی‌اهمیت شمرد خداوند او را به پانزده بلا گرفتار کند.

۱. همان، ص ۷۰.

۲. همان، ص ۷۲.

۳. فلاح السائل، ص ۲۲، سیدابن طاووس.

و از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

چه بسا مردی پنجاه سال نماز خوانده باشد و حتی يك نماز او پذیرفته نشود. ناگوارتر از این چه خواهد بود؟ به خدا سوگند، شما در بین همسایگان و یارانان، کسانی را می‌شناسید که اگر نمازشان را برای شما بخوانند، نمازشان را نمی‌پذیرید که در حق آن سهل‌انگاری کرده‌اند. خداوند بلند مرتبه و بزرگ، جز طاعت نیک و شایسته، هیچ طاعتی را نمی‌پذیرد، تا چه رسد به طاعت بی‌ارج و بی‌بها.^۱

استخفاف نماز، مانع برخورداری از شفاعت در روز قیامت می‌شود. از امام کاظم علیه السلام در توصیف آخرین لحظه‌های حیات پدرشان این گونه نقل شده است:

«إِنَّهُ لَمَّا حَضَرَ أَبِي الْوَفَاءَ قَالَ لِي: يَا بُنَيَّ! إِنَّهُ لَا يَنْتَظِرُ شَفَاعَتَنَا مِنْ اسْتَحْفَافٍ بِالصَّلَاةِ»^۲

هنگامی که وفات پدرم فرا رسید، به من فرمود: «پسرم! شفاعت ما به کسی که نماز را سبک می‌شمارد، نمی‌رسد».

۴) رعایت اول وقت

یکی از مهم‌ترین آداب نماز، رعایت اول وقت است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«أَيُّمَا مُؤْمِنٍ حَافِظٌ عَلَى الصَّلَاةِ الْمَفْرُوضَةِ فَصَلَّاهَا لَوَقْتِهَا فَلَيْسَ هَذَا مِنَ الْعَافِلِينَ»^۳

هر مؤمنی که مراقبت بر نمازهای واجب داشته و آن را به وقتش به جا آورد از غافلان نخواهد بود.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹، شیخ کلینی.

۲. همان، ص ۲۷۰.

۳. همان، ص ۲۷۰.

با توجه به اینکه یاد خدا، اساس رشد و ارتقا به مراتب بالای کمال است، هر اندازه این ذکر از جهت شکل و محتوا و نوع ابراز، کامل تر و جامع تر باشد، در دستیابی به قله های کمال تأثیرگذارتر خواهد بود. در این میان نماز، هم از حیث محتوا جامع ترین اذکار است و هم از حیث قالب، شامل همه انواع خضوع و عبودیت به دقیق ترین و زیباترین شکل آن است. در ادامه، برای فهم بهتر جایگاه اهتمام به نماز اول وقت، نمونه هایی از روایات بیان می شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«إِنَّ فَضْلَ الْوَقْتِ الْأَوَّلِ عَلَى الْآخِرِ كَفَضْلِ الْآخِرَةِ عَلَى الدُّنْيَا»^۱:

فضیلت نماز اول وقت بر آخر وقت همچون فضیلت آخرت بر دنیا است.

نماز اول وقت خشنودی خدا را به دنبال دارد؛ اما کسی که نماز را بدون عذری پذیرفتنی در آخر وقت بخواند، گویی تنها به دنبال رفع تکلیف است و تمایلی به سخن با خداوند و محبوب خود و کسب رضایت او ندارد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

هر نمازی دو وقت دارد: اول و آخر؛ اول وقت، بهترین آن است. هیچ کس نباید (بی جهت) نماز را به آخر وقت موکول کند. آخر وقت فقط برای بیمار و ناتوان و کسی که عذری دارد قرار داده شده است. اول وقت، خشنودی خدا و آخر وقت، آمرزش خداست.^۲

بی اعتنایی به نماز اول وقت؛ یا ناشی از عدم درک اهمیت و جایگاه نماز است، یا نوعی بی اعتنایی و بی حرمتی به مقام شامخ ربوبی است و یا ناشی از دشوار دانستن این عبادت مهم است، و هیچ یک از این امور براننده شیعیان و محبان اهل بیت علیهم السلام نمی باشد.

۱. همان، ص ۲۷۴.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۷، قاضی نعمان مغربی.

۵) حضور در جماعت

فضیلت نماز جماعت بسیار بیش از نماز فرادی است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الصَّلَاةَ فِي جَمَاعَةٍ أَفْضَلُ مِنْ صَلَاةِ الرَّجُلِ وَحْدَهُ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً»^۱:

نماز جماعت از بیست و پنج نماز فرادی ارزشمندتر است.

نیز فرمودند:

«مَنْ صَلَّى الْخَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَطُتُّوا بِهِ خَيْرًا»^۲:

هرکس نمازهای پنج‌گانه را به جماعت بخواند، به او خوش‌گمان باشید. [او را انسان خوب بدانید]

نیز فرمودند:

«لَيْسَ الْاجْتِمَاعُ بِمَفْرُوضٍ فِي الصَّلَاةِ كُلِّهَا وَلَكِنَّهَا سُنَّةٌ، وَمَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا
وَعَنْ جَمَاعَةِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ»^۳:

گرچه [حضور در] جماعت در همه نمازها واجب نیست؛ اما سنتی است که اگر کسی آن را و جماعت مؤمنان را بی‌جهت و از روی بی‌اعتنائی ترک کند نمازش [مقبول] نیست.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۷۱، شیخ کلینی.

۲. همان.

۳. همان، ص ۳۷۲.

۶) نماز در مسجد

نماز خواندن در مسجد نیز بسیار فضیلت دارد و ثواب و بهره‌نماز را بیشتر می‌کند. به جهت اهمیت این موضوع، فصل چهارم این کتاب را بدان اختصاص داده‌ایم.

۷) مسواک زدن

یاد خدا و مناجات با مقام ربوبی با دهان پاک، زمینه‌ساز افزایش آثار سازنده نماز است. امام صادق علیه السلام فرمودند:

«صَلَاةُ رَكَعَتَيْنِ بِسِوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً بِغَيْرِ سِوَاكِ»^۱:

دو رکعت نماز با مسواک، برتر از هفتاد رکعت نماز بدون مسواک است.

۸) پوشیدن لباس مناسب

با توجه به اینکه نمازگزار در صدد بار یافتن به آستان قرب ربوبی است، هر اندازه که توان دارد باید از حضور در نماز با لباس مندرس و ظاهر آشفته خودداری کند و آراسته و با لباسی مناسب در محضر حق حاضر شود. نقل شده هنگامی که امام حسن مجتبی علیه السلام به نماز می‌ایستادند زیباترین لباس‌های خود را می‌پوشیدند و هنگامی که از ایشان پرسیدند: ای پسر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله چرا زیباترین لباس‌هایتان را می‌پوشید؟ فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ؛ فَأَجْمَلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ: «حُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۲، فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْمَلَ ثِيَابِي»^۳:

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد، پس من خود را برای پروردگارم می‌آرایم که او فرموده است: «زینت‌هایتان را در هر مسجد بگریید.» و من نیز دوست دارم زیباترین لباس‌هایم را بپوشم.

۱. همان، ص ۲۲.

۲. اعراف: ۳۱.

۳. کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۱۴، شیخ عیاشی.

۹) عطر زدن قبل از نماز

عطر زدن قبل از نماز ارزش آن را بسیار بیشتر می‌کند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«رَكَعَتَانِ يُصَلِّيهِمَا مُتَعَطِّرًا أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يَصَلِّيْهَا غَيْرَ مُتَعَطِّرٍ»^۱:

دو رکعتی که شخص استفاده کننده از عطر به جای آورد، برتر از هفتاد رکعت نمازی است که شخص، بدون عطر زدن به جا آورد.

امام کاظم علیه السلام در مورد نماز پدر بزرگوارش می‌فرمود:

«كَانَ يُعْرِفُ مَوْضِعَ سُجُودِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام بِطَيْبِ رِيحِهِ»^۲:

جایگاه سجود امام صادق علیه السلام از بوی خوش آن شناخته می‌شد.

۱۰) آرامش و طمأنینه

یکی از آداب مهم نماز، آرامش و طمأنینه است. اقامه نماز با عجله و بی‌قراری، موجب سبک شمردن نماز و ابراز نوعی بی‌زاری از آن است. در واقع این شتابکاری، به منزله گریختن از نماز است. از امام جعفر صادق علیه السلام نقل شده است:

«بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله وسلم جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي فَلَمْ يُعَمِّ رُغُوعَهُ وَلَا سُجُودَهُ فَقَالَ صلى الله عليه وآله وسلم تَفَرَّقَتِ الْغُرَابُ لَيْلٍ مَاتَ هَذَا وَهَكَذَا صَلَاتُهُ، لَيْمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي»^۳:

۱. الخصال، ج ۱، ص ۱۶۶، شیخ صدوق.

۲. همان، ص ۵۱۲.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۸، شیخ کلینی.

با رسول خدا ﷺ در مسجد نشسته بودیم که مردی به نماز ایستاد و رکوع و سجودش را به صورت کامل به جا نیاورد. حضرت فرمودند: مانند نوک زدن کلاغ [بر مُهر] نوک زد. اگر با همین حال بمیرد و نمازش همین گونه باشد، بر غیر دین من مرده است.

توجه داریم که مرتبه‌ای از طمأنینه در نماز واجب است و بدون آن نماز صحیح نیست.

۱۱) خشوع

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ * الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾^۱!

مؤمنان رستگار شدند؛ همانان که در نمازشان خاشعند.

از دیگر آداب نماز، خشوع در برابر مقام ربوبی است. خشوع عبارت است از فروتنی و تذلل قلبی. برای شکل‌گیری چنین حالتی کافی است انسان به یاد عظمت، اقتدار و جلال الهی بیفتد. هرگاه کسی از بلندی به پایین نگاه کند، حتی اگر یقین داشته باشد که سقوط نمی‌کند باز هم دچار ترس و خشیت می‌شود. افق ناپیدای دریا نیز کسی را که در کشتی نشسته دچار خشیت و واهمه می‌کند؛ بنابراین انسان در کنار توجه به گناهان و خطاهای خود و ترس از عقوبت آن باید با تفکر در عظمت الهی زمینه خوف و خشیت را در دل خود ایجاد کند. توجه به سیره اهل بیت علیهم‌السلام نیز در این زمینه می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد.

﴿كَانَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا قَامَ إِلَى الصَّلَاةِ تَرَبَّدَ وَجْهُهُ خَوْفًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى﴾^۲!

پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وقتی به نماز می‌ایستاد، چهره‌اش از خوف خداوند متعال گرفته می‌شد.

۱. مؤمنون: ۱ و ۲.

۲. فلاح السائل، ص ۱۶۱، سید ابن طاووس.

و نیز درباره امام حسن علیه السلام نقل شده است:

«كَانَ الْحَسَنُ علیه السلام إِذَا تَوَضَّأَ تَغَيَّرَ لَوْنُهُ وَارْتَعَدَتِ مَفَاصِلُهُ، فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ: حَقُّ لِمَنْ وَقَفَ بَيْنَ يَدَيِ ذِي الْعَرْشِ أَنْ يَصْفَرَ لَوْنُهُ وَتَرْتَعَدَ مَفَاصِلُهُ»؛
امام حسن علیه السلام وقتی وضو می‌گرفت، رنگش برمی‌گشت و صدایش به لرزش می‌افتاد. در این مورد از او سؤال شد، فرمود: کسی که در برابر صاحب عرش ایستاده سزاوار است رنگش زرد شود و مفاصلش بلرزد.

۱۲) خضوع

خضوع، فروتنی و خواری است که در حقیقت ثمره طبیعی خشوع و تجلی رفتاری آن است؛ اما حتی اگر خشوع قلبی به انسان دست ندهد، نباید از رفتارهای توأم با خضوع غفلت کند، زیرا همان‌گونه که درون انسان، ظاهر رفتار او را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ظاهر رفتار انسان نیز باطن وی را متحول می‌کند. چه بسا با خضوع ظاهری در نماز، حال خشوع نیز به انسان دست دهد.

۱۳) حضور قلب

از دیگر آداب نماز، احساس حضور در پیشگاه الهی است. کسی که در صدد اقامه نماز است، باید پیش از آن تلاش کند خود را در پیشگاه خداوند متعال ببیند. نبی اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به اباذر فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ، اعْبُدِ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ»^۲

ای ابوذرا! خدا را آن‌گونه عبادت کن که گویی او را می‌بینی، زیرا اگرچه تو او را نمی‌بینی ولی یقیناً او تو را می‌بیند و به تو توجه دارد.

۱. جامع الاخبار، ص ۶۵، تاج الدین شعیری.

۲. الأمالی، ۵۲۶، شیخ طوسی.

حضور قلب در نماز، باطن نماز و جوهره آن است. نداشتن حضور قلب، نماز را از محتوا تهی و به جسدی بی روح تبدیل می‌سازد. از رسول گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

«وَلَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ عَبْدٍ لَاحِضٌ قَلْبُهُ مَعَ بَدَنِهِ»^۱:

خداوند، نماز بنده‌ای را که قلبش با بدنش حضور ندارد، نمی‌پذیرد.

در این رابطه لازم است به دو نکته توجه داشته باشیم؛ نکته اول اینکه دستیابی به این صفت ارزشمند دشوار است و در ابتدا تا حدودی غیرممکن جلوه می‌کند؛ ولی با تمرین و ممارست می‌توان بر هر مشکلی از جمله حواس پرتی در نماز غلبه کرد.

نکته دوم اینکه حضور قلب مانند سایر حالات روحی، شدت و ضعف دارد و دارای مراتب و سطوح مختلف است. توجه به این نکته از دو جهت اهمیت دارد:

جهت اول امیدواری نسبت به توفیق حضور قلب است؛ اگر انسان از حضور قلب در همه اجزای نماز محروم است، نباید دچار یأس شود؛ بلکه هر اندازه که می‌تواند تلاش کند تا به تدریج این ویژگی به همه اجزای نماز گسترش یابد.

جهت دوم پرهیز از غرور بعد از دستیابی به مراتبی از حضور قلب است؛ زیرا مراتب حضور قلب به تناسب عظمت پروردگار نامتناهی است و توجهات بندگان همواره کمتر از حد ادب ربوبی است.

تذکر: علاوه بر آداب فوق، آداب دیگری مانند پوشیدن عبا، استفاده از تربت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام برای سجده و استفاده از انگشتر عقیق نیز برای اقامه نماز وجود دارد که به جهت رعایت اختصار از آن صرف نظر شده است.

۱. المحاسن، ج ۱، ص ۲۶۱، شیخ برقی.

۱۴) تهجد

یکی از آداب بندگی، تهجد و شب‌زنده‌داری است. بیداری خصوصاً هنگام سحر و ساعات پایانی شب برکات معنوی و بهره‌ ملکوتی سرشاری برای بندگان دارد و موجب رسیدن به خدا و دست‌یابی به مقام محمود الهی است. خدای متعال به پیامبر خود ﷺ فرموده است:

﴿وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ؛ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا﴾^۱.

و بخشی از شب را برای عبادت و بندگی بیدار باش که این افزون [بر واجب]، ویژه توست؛ امید است پروردگارت تو را [به سبب این عبادت] به جایگاهی ستوده برانگیزد.

از امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده:

﴿إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَفَرٌ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِإِمْطَاءِ اللَّيْلِ﴾^۲.

در این ساعات شب مناسب است بنده مؤمن از طریق یاد خدا، تلاوت قرآن،^۳ دعا، مناجات، توسل، استغفار،^۴ طلب خیر از خداوند (استخاره)^۵ و نماز با خدا رابطه برقرار کند و جان خود را صفا دهد. در مسیر بندگی پروردگار هیچ عمل مستحبی به اندازه تهجد و نماز شب توصیه

۱. اسراء: ۷۹.

۲. بحار الأنوار: ج ۷۵، ص ۳۸۰، علامه مجلسی.

۳. «أَمَّا اللَّيْلُ فَصَافُونَ أَقْدَامَهُمْ تَالِينَ لِأَجْزَاءِ الْقُرْآنِ يُرْتَلُونَهَا تَرْتِيبًا» (نهج البلاغه: خطبه ۱۹۳ متقین).

۴. «الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ» (آل عمران: ۱۷)، «وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ» (ذاریات: ۱۸).

۵. «مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدِ الْقُسَيْرِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْإِسْتِخَارَةِ. فَقَالَ: اسْتَخِرِ اللَّهَ فِي آخِرِ رُكْعَةٍ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَأَنْتَ سَاجِدٌ مِائَةَ مَرَّةٍ وَمَرَّةً. قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ: تَقُولُ: أَسْتَخِيرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِرَحْمَتِهِ، أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ» (کتاب من لا يحضره الفقيه: ج ۱، ص ۵۶۲ - ۵۶۳).

نشده است.^۱ دو رکعت نماز شب در پیشگاه خدا بسیار ارزشمند و نزد پیامبر خدا از دنیا و آنچه در آن است محبوب‌تر دانسته شده است.^۲ در روایت آمده پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به امیر مؤمنان علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ سفارش فرمودند:

«عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَعَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ».^۳

در حدیث آمده که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جبرئیل امین فرمودند: «مرا اندرزی ده». جبرئیل گفت: «ای محمد! ... بدان که شرف مؤمن به پا خاستن شب است».^۴
بر اساس رهنمود پیشوایان معصوم: نماز شب موجب روسپیدی، خوش‌بویی، توسعه

۱. امام صادق رَضِيَ اللهُ عَنْهُ فرموده‌اند: «مَا مِنْ عَمَلٍ حَسَنٍ يَعْمَلُهُ الْعَبْدُ إِلَّا وَ لَهُ ثَوَابٌ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا صَلَاةَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَمْ يُبَيِّنْ ثَوَابَهَا لِعَظِيمِ خَطَرِهَا عِنْدَهُ فَقَالَ: «تَتَجَاوَى جُؤُوبَهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». * فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (تفسیر القمی: ج ۲، ص ۱۶۸ - ۱۶۹).

هر عمل نیکویی که بنده انجام دهد ثوابی در قرآن دارد مگر نماز شب که خدا ثواب آن را به جهت عظمت شانسان بیان نفرموده و چنین گفته است: «پهلوه‌ای خود را از خوابگاه‌ها دور می‌کنند و پروردگار خود را از روی ترس و طمع می‌خوانند و از چیزی که روزی شان کردیم انفاق می‌کنند، پس هیچ کس نمی‌داند که چه نورچشمی به پاداش عملشان برای آنان پنهان شده (و در نظر گرفته شده) است.

۲. «سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لِرُكْعَتَانِ فِي جَوْفِ اللَّيْلِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا» (علل الشرایع: ج ۲، ص ۳۶۳، شیخ صدوق).

۳. الزهد: ص ۲۲، حسین بن سعید کوفی اهوازی.

۴. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۹۹، شیخ صدوق.

روزی،^۱ سلامت جسم،^۲ آمرزش گناهان،^۳ زیبایی چهره،^۴ رهایی از عذاب، طول عمر و وسعت معیشت^۵ می‌گردد، و هرکه از آن محروم باشد زیانکار است.^۶ برای طالبان و عالمان معارف دینی به تأکید شایسته است که از نورانیت و معنویت سحر بهره گیرند و ظرفیت روحی خود را برای مسئولیت سنگینی که بر دوش دارند بیفزایند.^۷

بی تردید توفیق نماز شب از برترین عنایات الهی است و جز با استمداد از خدا و جلب رضایت او حاصل نمی‌شود. روایت شده که ارتکاب گناه حتی گفتن یک دروغ، مانع از این توفیق بزرگ می‌گردد. کسی خدمت امیر مؤمنان علیه السلام عرضه داشت که من از نماز شب محروم می‌گردم. حضرت فرمودند:

۱. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «صَلَاةُ اللَّيْلِ تُبَيِّضُ الْوَجْهَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تُطَيِّبُ الرِّيحَ وَ صَلَاةُ اللَّيْلِ تُجَلِّبُ الزَّرْقَ» (علل الشرایع: ج ۲، ص ۳۶۳، همو).
۲. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّهَا سُنَّةٌ نَبِيَّكُمْ، وَ دَأْبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ، وَ مَطْرَدَةٌ الدَّاءِ عَنِ أَجْسَادِكُمْ» (همان: ج ۲، ص ۳۶۲، همو).
۳. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهَبُ بِمَا عَمَلَ مِنْ ذَنْبِ النَّهَارِ» (همان: ج ۲، ص ۳۶۳، همو).
۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَنْ صَلَّى بِاللَّيْلِ حَسَنًا وَ جَهَنَّمَ بِالْقَارِ» (المحاسن: ج ۱، ص ۵۳، شیخ احمد برقی).
۵. قَالَ الرَّضَا علیه السلام: «عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ؛ فَمَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ فَيُصَلِّيَ ثَمَانِ رَكَعَاتٍ وَ رَكَعَتِي الشُّفْعِ وَ رَكَعَةَ الْوَثْرِ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي فُتُوْتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً، إِلَّا أُجِيرَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ، وَ مَدُّ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ» (روضة الواعظین و بصيرة المتعظین: ج ۲، ص ۳۲۰، فتال نیشابوری).
۶. قَالَ الصَّادِقُ علیه السلام: «لَا تَدْعُ قِيَامَ اللَّيْلِ؛ فَإِنَّ الْمُغْبُوتَ مَنْ حُرِمَ قِيَامَ اللَّيْلِ» (معاني الأخبار: ص ۳۴۲، شیخ صدوق).
۷. از سفارش‌های مهم پروردگار به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آغاز بعثت همین شب زنده‌داری است؛ زیرا مسئولیت سنگینی بر دوش آن حضرت نهاده شده است: «يَا أَيُّهَا الْمُرْسَلُ * قُمْ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا *... إِنَّا سَأَلْنَاكَ قَوْلًا ثَقِيلًا» (مزمّل: ۱-۵).

«أَنْتَ رَجُلٌ قَدْ قَيَّدَتْكَ ذُنُوبُكَ»^۱.

تو کسی هستی که گناهانت تو را در بند کرده است.

همچنین امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ فرموده‌اند:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيَكْذِبُ الْكَذِبَةَ فَيُحْرِمُ بِهَا صَلَاةَ اللَّيْلِ، فَإِذَا حُرِمَ صَلَاةَ اللَّيْلِ حُرِمَ بِهَا الرِّزْقُ»^۲.

انسان گاهی یک دروغ می‌گوید و به واسطه آن از نماز شب محروم می‌گردد.

پس چون از نماز شب محروم شد از روزی محروم گشته است.

برای کسب توفیق نماز شب علاوه بر رعایت تقوا و پرهیز از گناه، لازم است تمرین و اهتمام

لازم صورت گیرد و آمادگی‌های مقدماتی فراهم آید. پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«اسْتَعِينُوا بِطَعَامِ السَّحْرِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ، وَبِالْقِيَامَةِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ. وَمَا تَأَمَّ اللَّيْلُ كُلَّهُ أَحَدٌ إِلَّا بَالَ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنَيْهِ، وَجَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مُفْلِسًا. وَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَلَهُ مَلَكٌ يُوقِظُهُ مِنْ تَوَمِهِ كُلِّ لَيْلَةٍ مَرَّتَيْنِ يَقُولُ: «يَا عَبْدَ اللَّهِ! اقْعُدْ لِتَذْكُرَ رَبَّكَ»، فَبِى الثَّالِثَةِ إِنْ لَمْ يَتَّيَبْ يَبُولُ الشَّيْطَانُ فِي أُذُنَيْهِ»^۳.

با خوردن سحری بر روزه روزها و با خواب نیم‌روز بر شب زنده‌داری یاری جوئید. و کسی تمام شب را نمی‌خوابد مگر این‌که شیطان در گوش‌هایش بول می‌کند و روز قیامت ورشکسته می‌آید. و هیچ‌کسی نیست جز آنکه برای او فرشته‌ای است که او را هر شب دو نوبت از خواب بیدار می‌کند. به او می‌گوید بنده خدا، بنشین و پروردگارت را یاد کن. در نوبت سوم اگر بیدار نشود شیطان در گوش او بول می‌کند.

۱ الکافی: ج ۳، ص ۴۵۰، شیخ کلینی.

۲ علل الشرایع: ج ۲، ص ۳۶۲، شیخ صدوق.

۳ إرشاد القلوب إلى الصواب: ج ۱، ص ۹۱، حسن بن محمد دلمی.

در روایتی آمده است: گاهی بنده خدا شب‌ها (برای عبادت) بیدار می‌شود و چرت (و شدت خستگی) او را به چپ و راست می‌کشد و چانه‌اش بر سینه‌اش می‌خورد. آنگاه خدای تبارک و تعالی درهای آسمان را می‌گشاید و به فرشتگانش می‌گوید: «بنده من بنگرید که در راه تقرب به من با عملی که بر او واجب نکرده‌ام چه به او می‌رسد در حالی که از من سه چیز را امید دارد؛ گناهی که ببخشایم و توبه‌ای که برای او تجدید کنم و روزی‌ای که در آن بیفزایم. شما را ای فرشتگانم شاهد می‌گیرم که همه را برای او یک جا قرار دادم»^۱.

پرسش‌ها

۱. دو واژه خضوع و خشوع را تعریف و تفاوت آن‌ها را بیان کنید.
۲. منظور از «توجه به اسرار طهارت» را به بیان خود توضیح دهید.
۳. معنای «حضور قلب در نماز» و ضرورت آن چیست؟
۴. منظور از «آرامش و طمأنینه در نماز» چیست؟
۵. چهار نمونه از آداب نماز را به همراه روایت مربوط به آن ذکر کرده و توضیح دهید.
۶. دانستن وجود مراتب برای حضور قلب در نماز چه کمکی به ما می‌کند؟
۷. چارچوب کلی مباحث این درس و درس پیش را با هم به صورت نموداری ترسیم نمایید.

۱ علل الشرائع: ج ۲، ص ۳۶۴، شیخ صدوق.

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

فصل دوم:

روزه

عکس



دستم در زمین
منون درسی حوزه‌های علمیه

درس پنجم

در دو درس پیش رو، به تبیین اهمیت، آثار و آداب یکی از عبادات پراهمیت در دین اسلام یعنی روزه می‌پردازیم. بی‌شک شما نیز تجربه روزه‌داری را داشته و تاثیر آن در دینداری را دیده و حلاوت عبادت را چشیده‌اید؛ لحظه‌های سحر، قرائت قرآن، تحمل گرسنگی و تشنگی از جمله تجربه‌های ما از روزه‌داری است. آگاهی از این آثار می‌تواند تجربه‌های بهتری را در این زمینه برای شما پدید آورد.



۱. اهمیت روزه‌داری

روزه به‌عنوان یک برنامه‌عبادی نه تنها در اسلام بلکه در امت‌های پیشین - با وجود برخی تفاوت‌ها - جایگاه مهمی دارد و داشته است. یکی از مهم‌ترین فوائد روزه‌داری، تقوای الهی است. چنانکه خدای سبحان می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱

۱. بقره: ۱۸۳.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شد آن چنان که برکسان
پیش از شما نوشته شده بود، امید است که پرهیزگار شوید.

این عبادت آثار و برکات فراوانی دارد که تبیین آن‌ها، جایگاه و اهمیت روزه‌داری را بیشتر
روشن می‌سازد:

۲. آثار روزه داری

۱) تطهیر درون

مهم‌ترین مانع بین انسان و خدا، ارتکاب معصیت و سیاهی دل در پرتو غرق شدن
در آلودگی‌ها است که مانع تجلی انوار الهی در دل انسان می‌شود. هر انسانی به فطرت از
قلبی پاک و ضمیری مساعد برای جذب لطف و جلب رحمت و انعکاس تجلیات انوار غیبی
برخوردار است؛ ولی ارتکاب گناهان موجب سیاهی دل و تباهی درون و از بین رفتن آن
استعداد می‌شود.

در روایت است که انجام هر گناه، اثر تباه‌کننده‌ای بر روح انسان دارد و هر اندازه تعداد
گناه بیشتر یا درجه زشتی آن شدیدتر باشد، گستره و عمق فساد انسان و مسخ شخصیت
باطنی او بیشتر خواهد شد تا جایی که تمام هویت انسان تباه خواهد گشت. از امام باقر علیه السلام
نقل شده است:

هیچ بنده‌ای نیست مگر آنکه در دل او لوح سفیدی است و چون گناهی
انجام دهد، نقطه سیاهی در آن پیدا شود؛ سپس اگر توبه کند آن سیاهی
از بین می‌رود و اگر به گناه ادامه دهد بر آن سیاهی افزوده شود؛ تا جایی که
تمام سفیدی را فراگیرد و هنگامی که سفیدی دل پوشانده شد صاحب آن
قلب هرگز به خیر باز نخواهد گشت.^۱

۱. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۳، شیخ کلینی.

تردید نیست تا وقتی دل، سیاه و قلب، آکنده از انواع حجاب‌های ظلمانی ناشی از گناه باشد، دیگر نمی‌توان تابش انوار الهی و الهامات غیبی را در آن توقع داشت؛ برای درمان این مشکل، یکی از مهم‌ترین راه‌ها توبه از گناه و پشیمانی از آن است. انجام کارهای نیک نیز در تطهیر قلب و پالایش درون مؤثر است.

﴿إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُدْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾:

نیکی‌ها، بدی‌ها را از میان برمی‌دارد.

نزول رحمت الهی برای تطهیر گناهان در ماه رمضان چنان فراگیر است که برخی از روایت‌ها بخشیده نشدن (ناشی از بی‌همتی فرد) در این ماه را نشانه شقاوت او دانسته‌اند. از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله روزه روی مردم می‌ایستادند و می‌فرمودند: ای مردم! وقتی هلال ماه رمضان پدیدار شود، دستیاران شیطان به زنجیر کشیده می‌شوند و درهای آسمان و درهای بهشت و رحمت، باز و درهای جهنم بسته و دعاها مستجاب می‌شود. نزد خدا در ماه رمضان به ازای هر افطاری، آزادشدگانی هست که خداوند آن‌ها را از آتش رها می‌کند و ندا دهنده‌ای هر شب ندا می‌کند «آیا درخواست‌کننده‌ای هست؟ آیا آمرزش‌جویی هست؟ خدایا به هر انفاق دهنده‌ای عوضش را بده!» و به هر امساک‌کننده (از انفاق مال) تلف مال بده!» وقتی هلال ماه شوال نمایان شود، به اهل ایمان ندا می‌شود که روزتان را با جایزه‌ها آغاز کنید که امروز روز جایزه است.

آنگاه امام باقر علیه السلام فرمودند:

«أَمَا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا هِيَ بِجَائِزَةِ الدَّنَانِيرِ وَلَا الدَّرَاهِمِ»^۱:

سوگند به کسی که جانم در دست اوست، آن جایزه‌ها، جایزه درهم و دینار نیست.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

خداوند عزوجل، در هر شام از ماه مبارک رمضان، آزادشدگان و رهایی یافتگانی - به جز کسی که با مسکرات افطار کند- از آتش دارد. آنگاه که آخرین شب فرا می‌رسد، خداوند متعال در آن شب به اندازه آزادشدگان همه شب‌های این ماه، بنده آزاد می‌کند.^۲

۲) همدردی با نیازمندان

زندگی در جامعه اقتضائاتی دارد. در جامعه بر سر منابع ارضای نیازها رقابت می‌شود و گاهی بخشی از افراد، از مواهب اقتصادی و مالی محروم می‌مانند. این قشر بدون یاری افراد برخوردار، توان ادامه حیات ندارند؛ به همین دلیل دین اسلام به ثروتمندان توصیه کرده است که به تأمین معیشت تنگ‌دستان بپردازند؛ اما واقعیت آن است که انسان غرق در رفاه، نمی‌تواند عمق مشکلات تهی‌دستان را درک کند. توصیه به روزه‌داری، زمینه طبیعی احساس رنج فقیران و انگیزش لازم برای کمک به آنان را فراهم کرده است. روزه‌گرفتن یادآور درد گرسنگی قیامت و رنج طاقت‌فرسای تشنگی روز قیامت است.

از امام رضا علیه السلام درباره علت روزه چنین نقل شده است:

۱. الکافی، ج ۴، صص ۶۷-۶۸، شیخ کلینی.

۲. همان.

«أَنَّ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا عليه السلام كَتَبَ إِلَيْهِ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: عَلَّةُ الصَّوْمِ لِعِرْفَانِ مَسِّ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ لِيَكُونَ الْعَبْدُ دَلِيلًا مُسْتَكِينًا مَأْجُورًا مُحْتَسِبًا صَابِرًا، فَيَكُونَ ذَلِكَ دَلِيلًا عَلَى شِدَائِدِ الْآخِرَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَاعْظَا لَهُ فِي الْعَاجِلِ دَلِيلًا عَلَى الْآجَلِ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمُسْكِنَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛

روزه به عللی بر بندگان واجب شده؛ از جمله آن که انسان به گرسنگی و تشنگی آگاه شده در نتیجه خاضع، آرام، مأجور و شکیبا گردد، و این [نکته] او را به شدائد و سختی‌های آخرت رهنمون می‌سازد. همچنین روزه سبب می‌شود که شخص شهوتش شکسته و ضعیف گردد. روزه، واعظی است در دنیا و دلیلی است بر آخرت تا انسان نهایت نیاز و احتیاج اهل فقر و درماندگی در دنیا و آخرت را بداند.

از توصیه‌های مهم در این ماه، تلاش جهت حل مشکلات مستمندان از راه انفاق، صدقه و افطار دادن به آنان است. در روایت‌های گوناگون بر تقویت روحیه ایثار و ملکه سخاوت تأکید شده و آثار آن در این ماه بیشتر از سایر ماه‌ها شمرده شده است.

۳) استجابت دعا

گاهی برآورده نشدن خواسته‌ها و نیز برخی مشکلات روحی و موانع درونی، انسان را از داشتن رابطه‌ای صمیمانه و عاشقانه با خدای متعال بازمی‌دارد. روزه‌گرفتن این قابلیت را در انسان ایجاد می‌کند که درخواستش با پاسخ همراه و دعاهایش مستجاب شود و رابطه‌اش با پروردگارش بهبود یابد.

از امام رضا عليه السلام نقل شده است:

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۷۸، شیخ صدوق.

«دَعْوَةُ الصَّائِمِ تُسْتَجَابُ عِنْدَ إِفْطَارِهِ»^۱

دعای روزه‌دار هنگام افطار مستجاب می‌شود.

۴) کاهش شهوت‌ها

مه‌ار نفس سرکش و رهایی از اسارت شهوت‌ها از مهم‌ترین دغدغه‌های هر انسان سالک در مسیر بندگی است. یکی از راه‌هایی که می‌تواند در کاهش شهوات مؤثر باشد روزه‌گرفتن است. در روایتی از امام رضا علیه السلام یکی از علت‌های توصیه به روزه‌داری «کاهش شهوت‌ها» بیان شده است:

«...مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِنْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ»^۲

همچنین روزه سبب می‌شود که شخص، شهوتش شکسته و ضعیف گردد.

البته بی‌تردید نباید در روزه‌داری افراط کرد به طوری که به فعالیت‌های علمی و یا سلامت جسمی آسیب برساند؛ بلکه به تناسب شرایط و توان شخصی، می‌توان از روزه‌های مستحبی در کنترل شهوت‌ها بهره گرفت.

پرسش‌ها

۱. کیفیت تأثیر روزه‌داری بر تطهیر گناهان را بیان کنید.
۲. چرا روزه‌داری زمینه‌ساز استجاب دعا می‌شود؟
۳. چگونه تأثیر روزه‌داری بر تقویت روحیه ایثار و انفاق را بیان کنید.

۱. مکارم الاخلاق، ص ۲۷، شیخ طبرسی.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۷۳، شیخ صدوق.

درس ششم

مهم‌ترین جلوهٔ روزه‌داری در ماه مبارک رمضان، مهمانی خدای کریم است. خداوند با روزه‌داری، استجابت دعا و فراهم کردن زمینه بهتر تقرب بندگان به خود و دوری از عصیان، به استقبال آمده و آثار بی بدیلی برای روزه‌داری مقرر داشته که بیان شد. شرط ادب آن است که مهمان نیز، حرمت میزبان را نگه دارد و آنچه مخالف خواسته اوست در این ضیافت انجام ندهد و با رعایت آداب این ماه، این مهمانی بزرگ را گرامی دارد.



۳. آداب ماه مبارک رمضان

روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرین جمعهٔ ماه شعبان خطاب به اصحاب این‌گونه

فرمودند:

ای مردم! ماه خدا، با برکت و رحمت و آمرزش به شما روی آورده است. این ماه نزد خدا بهترین ماه است. روزهایش بهترین روزها و شب‌هایش بهترین شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعات است. در این ماه شما به مهمانی خدا

دعوت شده‌اید و در زمره بهره‌مندان از کرامت خداوند قرار گرفته‌اید. در این ماه نَفَس‌های شما تسبیح خدا و خواب شما عبادت است و اعمال شما پذیرفته و دعایتان به اجابت می‌رسد.^۱

در این ضیافت پرشکوه؛ میزبان، پروردگار و میهمانان، بندگان محتاج هستند. پذیرایی لذت‌بخش این سفره الهی؛ روزه‌داری و چشم‌پوشی از لذایذ دنیوی، تلاوت قرآن، احیا و شب‌زنده‌داری، دعا و نیایش، طلب غفران و رحمت الهی است.

۱) استقبال از ماه رمضان

دعاهایی که هنگام ورود به این ضیافت و در هنگام رؤیت هلال آن از امامان معصوم علیهم‌السلام سفارش شده، مؤمنان را برای استفاده روحی و معنوی از این ماه پربركت آماده‌تر می‌سازد. رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هنگام استهلال ماه رمضان رو به قبله می‌ایستاد و عرضه می‌داشت:

خدایا! هلال این ماه را برای ما همراه با امنیت، ایمان و سلامتی، تسلیم، عافیت کامل، گشایش در روزی و دفاع در برابر بیماری‌ها قرار ده! و آن را کمک حال بر انجام نماز و روزه و تلاوت قرآن گردان. خدایا! ما را برای انجام اعمال ماه رمضان تسلیم خود کن، و ما را در آن سالم نگه‌دار و این ماه را نیز برای ما سالم و بدون نقص ساز و جدایی از این ماه را با امن و سلامت و خشنودی او از ما قرار ده، در حالی که مغفرت خودت را شامل حالمان کرده باشی.^۲

در این ماه مقدرات همه سال برای بندگان رقم می‌خورد، از این رو برخی از روایات، استقبال از این ماه را به منزله استقبال از سال نو می‌دانند و درخواست‌هایی را با مضامین بلند در دعاهای ورود به این ماه بیان کرده‌اند.^۳

۱. عیون اخبار الرضا علیه‌السلام، ج ۱، ص ۲۹۵، شیخ صدوق.

۲. ثواب الاعمال، ص ۶۴، شیخ صدوق.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۷۰، شیخ کلینی.

۲) پرهیز از گناه

انسان روزه‌دار برای بهره‌مندی از غفران و رحمت خداوند و استفاده بهتر از ضیافت الهی علاوه بر خودداری از خوردن و آشامیدن و دوری از کارهایی که روزه را باطل می‌کند، باید چشم، گوش، زبان، دست و پا و سایر اعضای خود را از ارتکاب به گناه نگه دارد؛ تا بتواند در زمره روزه‌داران واقعی قرار گیرد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: به پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم برترین کارها در این ماه چیست؟ فرمودند:

«يا أبا الحسنِ أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ فِي هَذَا الشَّهْرِ الْوَرَعُ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ»^۱:

ای ابالحسن! برترین کارها در این ماه، پرهیز کامل است از هر آنچه که خداوند عزوجل حرام کرده است.

در حدیث دیگری آمده است:

رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلع شد زنی با زبان روزه به خدمتکار خود دشنام داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله او را دعوت کرد و غذایی پیش او گذاشت. آن زن گفت: من روزه هستم. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: چگونه روزه هستی که کنیزت را دشنام می‌دهی؟ روزه فقط خودداری از خوردن و آشامیدن نیست، بلکه علاوه بر آن خداوند آن را مانع کارها و سخنان زشت قرار داده است. وه! که چه اندکند روزه‌داران و چه بسیارند کسانی که گرسنگی می‌کشند.^۲

امام محمد باقر علیه السلام خطاب به جابر می‌فرماید:

ای جابر! در ماه رمضان هرکسی روز آن را روزه بدارد و جزئی از شبش را به عبادت بپردازد و شکم و دامن خویش را پاک نگه دارد و زبانش را حفظ کند، همان طوری که از این ماه خارج می‌شود، از گناهان خویش هم خارج

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲، شیخ صدوق.

۲. النوادر، ص ۲۲، شیخ اشعری قمی.

می‌شود. جابر عرض کرد: ای رسول خدا! این حدیث، چه زیباست! رسول خدا ﷺ فرمودند: و رعایت شروط آن، چه سخت است!^۱
امام صادق علیه السلام هم فرمودند:

هرگاه روزه گرفتی، گوش و چشمت را از حرام و امور زشت و ناپسند بازدار و خویشتن را از مجادله و اذیت کردن زبردستان نگاه دار، و سزاوار است که وقار روزه در تو باشد؛ روزی که روزه داری با روزی که روزه نداری یکسان نباشد.^۲

۳) اهتمام به عبادت

چون روزها و شب‌های این ماه بهترین روزها و شب‌ها و ساعاتش بهترین ساعت‌ها و دعای روزه‌داران در آن مستجاب است، سزاوار نیست روزه‌دار در این ماه اوقات خود را به بطالت و سرگرمی بگذراند. همچنین شایسته نیست در حالی که پروردگار متعال سفره اجابت دعا و پذیرش عذر و تقصیر بندگانش را در این ماه گسترده، فرد روزه‌دار در اندیشه‌ای جز اظهار تضرع و انابه به سر برد و به سخنی جز درخواست بخشش و رحمت و برکت و عافیت از آن سرچشمه جود و دریای بیکران احسان زبان گشاید. از امام صادق علیه السلام روایت است که:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عليه السلام إِذَا كَانَ شَهْرَ رَمَضَانَ لَمْ يَتَكَلَّمْ إِلَّا بِالذُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ»^۳:

حضرت سجاد علیه السلام هنگامی که ماه رمضان فرا می‌رسید به چیزی غیر از دعا و تسبیح خدای متعال و استغفار تکلم نمی‌کرد.

۱. ثواب الاعمال، ص ۶۳، شیخ صدوق.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۸۸، شیخ کلینی.

۳. همان.

نیز آن حضرت می‌فرمایند:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا جَاءَ شَهْرُ رَمَضَانَ زَادَ فِي الصَّلَاةِ وَأَنَا أَزِيدُ فَرِيدُوا»:

رسول خدا ﷺ چون ماه رمضان داخل می‌شد، به نماز خود می‌افزود. سپس حضرت صادق علیه السلام فرمودند: من نیز به آن می‌افزایم شما نیز بیفزایید.

همچنین از امام علی علیه السلام روایت شده است:

رسول خدا ﷺ دهه آخر ماه مبارک رمضان رختخواب خود را جمع می‌کرد و کمرش را برای عبادت محکم می‌بست. چون شب بیست و سوم فرا می‌رسید اهل خود را بیدار نگاه می‌داشت و بر صورت هر کدام که خواب بر او غلبه می‌کرد آب می‌پاشید تا خوابش نگیرد. و [حضرت] فاطمه علیها السلام، هیچ یک از اهل خود را نمی‌گذاشت در آن شب بخوابند و بیداری آن‌ها را باکم خوردن غذا چاره می‌کرد و از روز، خود را برای شب زنده‌داری آماده می‌کرد و می‌گفت: محروم کسی است که از خیر این شب بی‌بهره ماند.^۱ امام صادق علیه السلام از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می‌کند:

«عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْإِسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ؛ فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيُدْفَعُ بِهِ عَنْكُمْ الْبَلَاءُ، وَأَمَّا الْإِسْتِغْفَارُ فَيَسْحِي دُنُوبَكُمْ»^۲

در ماه رمضان زیاد استغفار و دعا نمایید؛ چرا که با دعا از شما بلا دفع می‌شود و استغفار گناهان شما را پاک می‌کند.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۶۰، شیخ طوسی.

۲. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۲، قاضی نعمان مغربی.

۳. الکافی، ج ۴، ص ۸۸، شیخ کلینی.

از جمله توصیه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله در این ماه این است که روزه‌دار هنگام روزه، گرسنگی و تشنگی روز قیامت را به یاد آورد. یکی از فواید و آثار تقوا، ورع، اشتغال به دعا، مناجات و تضرع در این ماه، آن است که فرصت چنین یادآوری و تفکری را ایجاد می‌کند.

خواندن دعای افتتاح در شب‌ها و دعای ابوحمزه ثمالی در وقت سحر نیز در فراهم‌سازی فضای انس با خدا و تفکر در مرگ و احوال قیامت بسیار مؤثر است.

نکته قابل توجه در هنگام افزودن به نماز و شب‌زنده‌داری این است که انجام عبادت باید متناسب با توان شخص و همراه با نشاط و به دور از خستگی و بی‌حالی باشد؛ زیرا افراط در مستحبات ممکن است از طرفی فرد را از وظایف روزانه‌اش باز دارد و از سوی دیگر او را به دل‌زدگی و بی‌نشاطی در عبادت مبتلا کند. از این رو به فرمایش معصومان علیهم‌السلام مداومت کردن به مقدار اندک عبادت، نزد خدا محبوب‌تر است از عبادتی سنگین و خسته‌کننده است که او را از ادامه بازدارد.

«اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنِّي عَلَى صِيَامِهِ وَقِيَامِهِ ... وَ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ الثُّعَاسَ وَ الْكَسَلَ»^۱؛

خدایا بر محمد و آل محمد درود بفرست و مرا بر روزه و نماز در این ماه یاری ده ... و خواب‌آلودگی و کسالت را از من دور ساز.

۴) قرائت قرآن

از توصیه‌های نبی اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم‌السلام در این ماه مواظبت بر خواندن قرآن خصوصاً در سحرهای این ماه است. همواره یکی از دعا‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام رؤیت هلال ماه رمضان درخواست توفیق قرائت قرآن بوده است.^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

۱. مصباح‌المتجهج، ج ۲، ص ۶۱۰، شیخ طوسی.

۲. ثواب الاعمال، ص ۶۳، شیخ صدوق.

«مَنْ تَلَا فِيهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ كَانَ لَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ حَتَمَ الْقُرْآنَ فِي غَيْرِهِ مِنَ الشُّهُورِ»^۱!

کسی که یک آیه از قرآن را در این ماه بخواند ثواب کسی دارد که در ماه‌های دیگر ختم قرآن کرده باشد.

امام جعفر صادق علیه السلام نیز فرمودند:

«لِكُلِّ شَيْءٍ رَيْبٌ وَرَيْبُ الْقُرْآنِ شَهْرُ رَمَضَانَ»^۲؛

هر چیزی را بهاری است و بهار قرآن ماه رمضان است.

۵. آداب اجتماعی

از میان مجموعه آداب اجتماعی مطرح در دین اسلام، نسبت به رعایت برخی از آن‌ها در این ماه سفارش بیشتری شده است؛ از جمله صدقه دادن به مستمندان و فقرا^۳، صله و احسان به خویشاوندان، نوازش و مهربانی با یتیمان، کظم غیظ (فرو بردن خشم)^۴، ترک دشمنی با دیگران، احترام و تکریم پیران و ترحم بر کودکان.

۴. آداب افطار

۱) مقدم داشتن نماز

مستحب است شخص روزه‌دار بعد از نماز افطار کند؛ مگر آنکه ضعف بر او غلبه کرده باشد یا فردی منتظر او باشد. از امام علی علیه السلام روایت شده است:

۱. همان.

۲. همان، ص ۱۰۳.

۳. همان، ص ۱۳۹.

۴. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۷۲، شیخ صدوق.

«السُّنَّةُ تَعْجِيلُ الْفِطْرِ، وَتَأْخِيرُ السَّحُورِ، وَالْإِبْتِدَاءُ بِالصَّلَاةِ - يَعْنِي صَلَاةَ الْمَغْرِبِ - قَبْلَ الْفِطْرِ إِلَّا أَنْ يَحْضُرَ الطَّعَامُ»^۱

تعجیل کردن در افطار روزه، و تأخیر در خوردن سحری، و خواندن نماز مغرب پیش از افطار سنت است مگر اینکه سفره افطار فراهم باشد.

۲) اذکار و دعاهای وارده

رسول خدا ﷺ در وقت افطار این گونه دعا می‌کردند:

«اللَّهُمَّ لَكَ صُومًا وَعَلَى رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا. ذَهَبَ الظَّمَأُ وَابْتَلَّتِ العُرُوقُ وَبَقِيَ الأَجْرُ»^۲

خدایا برای تو روزه گرفتیم، و با رزق تو افطار کردیم، پس آن را از ما بپذیر! تشنگی از ما برطرف شد و رگ‌ها رطوبت یافت و اجر و ثواب بر جای ماند.

همچنین مستحب است شخص روزه‌دار پیش از افطار سوره قدر را بخواند.

۳) افطار با شیرینی

از امام صادق ع روایت شده که رسول خدا ﷺ با حلوا افطار می‌کرد. اگر حلوا نبود با خوردنی شیرین افطار می‌فرمود و اگر هیچ کدام نبود با آب نیم‌گرم افطار می‌کرد.^۳

۴) افطار دادن روزه‌دار

از رسول مکرم اسلام ص روایت شده:

کسی که روزه‌داری را افطار دهد معادل اجر آن روزه‌دار پاداش خواهد داشت بدون آن که از اجرا و چیزی کم شود و نیز ثواب آن عملی که شخص اطعام

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۸۰، قاضی نعمان مغربی.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۹۵، شیخ کلینی.

۳. همان، ص ۱۵۳.

شونده در اثر خوردن غذا، توان بر انجام آن را خواهد یافت نصیب او نیز خواهد شد.^۱

نیز فرمودند:

هر کس یک مؤمن روزه‌دار را افطار دهد در نزد خداوند پاداش آزاد کردن بنده‌ای و آمرزش گناهان گذشته‌اش را دارد.

عرض شد: یا رسول الله! همه ما توانایی نداریم که فرد روزه‌داری را افطار دهیم.

فرمودند: خدای تبارک و تعالی کریم است و همین پاداش را از شما به کسی می‌دهد که به بیش از یک شربت شیر توانایی نداشته باشد و با همان و یا از یک شربت آب گوارا و یا چند دانه خرما روزه‌داری را افطار بدهد.^۲

پرسش‌ها

۱. مهم‌ترین آداب ماه مبارک رمضان را به زبان خود بیان کنید.
۲. چه رابطه‌ای میان خودداری از گناه با خودداری از خوردن و آشامیدن وجود دارد؟
۳. ترک امور لهو و باطل چه تأثیری در فرد روزه‌دار بر جای می‌گذارد؟
۴. با مراجعه به دعای حضرت سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه هنگام وداع ماه رمضان، مهم‌ترین نکات تربیتی آن را فهرست‌وار بیان کنید.
۵. سه نمونه از آداب افطار را توضیح دهید.

۱. همان، ص ۶۸.

۲. ثواب الاعمال، ص ۱۳۵، شیخ صدوق.

دستم در زمین
منون درسی حوزه‌های علمیه

فصل سوم:

قرآن کریم

عکس

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس هفتم

به نظر شما برای حیات دل‌های مرده و پاک کردن زنگارهای گناه و غفلت از جان، چه اکسیری می‌توان یافت؟ و آرامش و رهایی از اضطراب‌ها را در کجا باید جستجو کرد؟ شاید راه‌های گوناگونی برای رهایی از اضطراب و زنگار زدودن از دل از سوی اندیشمندان جهان پیشنهاد شده باشد، اما به راستی بهترین و تأثیرگذارترین آن کدام است؟

گوش فرادادن به نامه مشفقانه و خیرخواهانه خالق مهربان، در مسیر بندگی انسان اکسیری است که غم و اندوه را می‌زداید و غفلت و گناه را برهم می‌زند. نامه‌ای که خداوند از طریق رسول خود برای دل‌های مشتاق به ارمغان آورده و جاودانگی و تازگی آن پیوسته آشکارتر می‌شود. در ادامه با بیان جایگاه و عظمت کلام الهی، یکی از مهم‌ترین راه‌ها در مسیر بندگی را معرفی می‌کنیم.



۱. جایگاه و عظمت قرآن کریم

قرآن کریم، معجزه عظیم الهی است که بر قلب رسول خاتم صلی الله علیه و آله نازل شده و دربرگیرنده عالی‌ترین معارف و نمایانگر مسیر عبودیت خدای متعال و رهایی‌بخش انسان از بندگی شیاطین و اسارت جهل، خرافه و هواهای نفسانی است. عمل به نسخه شفا بخش آن تضمین‌کننده ثبات قدم در مسیر سلامت قلب، طهارت ظاهر و باطن و تکامل مطلوب است. امیرمؤمنان علیه السلام، درباره ویژگی‌های والای قرآن کریم می‌فرماید:

خدا، قرآن را فرونشاندۀ عطش علمی دانشمندان، باران بهاری برای قلب فقیهان و راه‌گسترده و وسیع برای صالحان قرار داده است. قرآن، دارویی است که با آن بیماری وجود ندارد. نوری است که با آن تاریکی یافت نمی‌شود. ریسمانی است که رشته‌های آن محکم و پناهگاهی است که قلۀ آن بلند است. برای کسی که آن را برگزیده، توان و قدرت است. برای هرکس که وارد آن شود، محل امن است. راهنمایی است تا از او پیروی کنند. برای کسی که قرآن را راه و رسم خود قرار داده، وسیلۀ انجام وظیفه است. برای آن کس که با آن سخن گوید، برهان است. برای آن کس که با آن استدلال کند، عامل پیروزی است. برای آن کس که حافظ آن باشد و به آن عمل کند، نجات دهنده است. رهبر کسی است که آن را به کارگیرد، و برای آن کس که در او بنگرد، نشانه هدایت است.^۱

گسترۀ برکات معنوی این کتاب شریف به جهت پیوستگی به معدن عظمت الهی همه جهان را دربرگرفته و بدین سان از عظمت و مرتبتی فراتر از اندیشه‌های عادی برخوردار است. متکلم و پدیدآورنده قرآن، خداوند متعال؛ حامل آن، جبرئیل فرشته مقرب خدا؛ گیرنده و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

نخستین مخاطب آن، اشرف مخلوقات و خاتم پیامبران صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛ نگاهبان آن، خداوند متعال؛ شارح، مفسر و معلم آن، اهل بیت عصمت و طهارت عَلَيْهِمُ السَّلَام؛ و زمان نزول آن، شریف‌ترین شب‌ها (شب قدر) است. پس عظمت قرآن کریم از تمام جهات بی‌نظیر است. در اینجا به تبیین برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های بیانگر عظمت قرآن می‌پردازیم:

۱. هدایتگری

خدای متعال در آیات متعددی از قرآن -ضمن بیان ضرورت ایمان به قرآن و پیروی از آن در کنار ایمان به خدا و رسولش- از این کتاب با صفت «نور» یاد می‌کند.^۱ قرآن، به حقیقت نوری است که هرگز به خاموشی نمی‌گراید و آیه‌های آن همواره تابنده است و انسان‌ها، جوامع دینی و همه جویندگان سعادت و رستگاری را از کژراهه‌ها و بیراهه‌ها و سقوط در پرتگاه‌های هولناک نجات می‌دهد.

خداوند متعال با بعثت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و نزول قرآن مجید، نور هدایت را برای همیشه بر زندگی بشر تاباند تا انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خویش، از آن یاری گیرند و راه سعادت را پیدا کنند. خدای عزوجل از این ویژگی قرآن به این صورت یاد می‌کند:

﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا﴾^۲

قرآن، مؤمنان و پیروان خود را به استوارترین طریق (صراط مستقیم) هدایت می‌کند و مؤمنانی را که در زندگی پیوسته نیکوکار بودند، به پاداشی بزرگ بشارت می‌دهد.

امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نیز در ارتباط با موضع هدایتگری قرآن می‌فرمایند:

۱. اعراف: ۱۵۷.

۲. اسراء: ۹.

به یقین، بدانید قرآن، نصیحت‌کننده و پنددهنده‌ای است که در ارشاد پیروان خود خیانت نمی‌کند؛ هدایتگری است که گمراه نمی‌کند؛ گوینده‌ای است که دروغ نمی‌گوید؛ کسی با این قرآن ننشست و در آن تدبّر و اندیشه نکرد، مگر آنکه چون از نزد آن برخاست، هدایت و رستگاری‌اش افزایش یافت و از گمراهی او کاسته شد.^۱

بنابراین، مهم‌ترین رسالت قرآن کریم هدایت و راهنمایی انسان‌هاست. قرآن این رسالت را در همه شرایط و دوره‌های زندگی بشر حتی در سخت‌ترین شرایط ظلمانی بر عهده دارد. در شرایطی که انسان هیچ روزنه نوری در جامعه پیدا نمی‌کند و هیچ راهنمای امینی را نمی‌شناسد، این قرآن است که می‌تواند او را به سوی سعادت و کمال هدایت کند و چون چراغی روشن، راه سعادت را نشان دهد.

۲) شفاعت

قرآن کریم در روز قیامت نسبت به دو گروه از مسلمانان موضعی جداگانه خواهد داشت؛ از یک سو نسبت به کسانی که هدایت را از قرآن جست‌وجو کردند و به دستورات آن عمل نمودند، شفاعت و از سوی دیگر نسبت به کسانی که از عمل به آن غافل ماندند، شکایت می‌کند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«قرآن شفاعت‌کننده‌ای است که شفاعتش مورد قبول واقع می‌گردد. گوینده‌ای است که سخنانش پذیرفته خواهد شد، و اگر قرآن در روز قیامت شفیع کسی باشد، این شفاعت مورد قبول واقع خواهد شد، و هر که قرآن در روز قیامت به زیانش سخن گوید آنچه فرموده تصدیق می‌گردد.»^۲

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳) فراگیری و جامعیت

قرآن کریم وجه نهایی و کامل کتب انبیای پیشین است و به هیچ وجه محتوای این کتاب الهی گسسته از آن‌ها نیست، بلکه بر محتوای آن‌ها احاطه و نظارت دارد. قرآن، به تمام نیازهای فکری و اعتقادی انسان و آنچه به هدایت او مربوط می‌شود، پاسخ‌های لازم را ارائه کرده و از این ویژگی با عنوان «تَبَيَّنَا لِكُلِّ شَيْءٍ»^۱ تعبیر می‌کند.

در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام هم با تعبیرهای گوناگون از این ویژگی یاد شده است. امام باقر علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند:

خداوند متعال، تمام چیزهایی را که ائمت اسلامی، تا روز قیامت به آن‌ها نیازمندند، در قرآن و به دست فرستاده‌اش - پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - برای مردم بیان نموده است و حتی برای هر چیزی، اندازه‌ای خاص قرار داده و برای دستیابی به هر یک از آن‌ها، دلیل و راهنمایی مشخص کرده است.^۲

بنابراین، یکی از ابعاد عظمت قرآن این است که معارف الهی را در سطوح گوناگون تبیین کرده است تا هر کس به اندازه ادراک خود و درجه‌ای که از دانش دارد، از آن استفاده کند؛ هم ژرف‌اندیشان، به آن نیازمندند و هم عامه مردم، از آن به اندازه خود بهره‌مند.

۴) جاودانگی و تازگی

معارف قرآن به قوم خاص یا زمان خاص اختصاص ندارد. امام باقر علیه‌السلام در این باره فرموده‌اند:

اگر بنا بود آیه‌ای که درباره‌ی گروهی نازل شده، پس از مردن آن قوم، بی‌اثر شود و از بین برود چیزی از قرآن باقی نمی‌ماند؛ تا زمانی که آسمان و زمین

۱. نحل: ۸۹.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۵۹، شیخ کلینی.

باقی است قرآن در جریان خواهد بود و برای هر قومی سهمی از آیات قرآن اعم از خیر و شر قرار داده شده است.^۱

تازگی و نو بودن معانی آیات الهی، از دیگر ویژگی‌های بارز قرآن کریم است. امام رضا علیه السلام در این زمینه فرمودند:

معارف قرآن هرگز به سبب گذشت زمان فرسوده نمی‌شود و همیشه طراوت آن باقی است. این کتاب برای زمان و دوره خاصی قرار داده نشده است؛ بلکه در هر زمانی، دلیل و راهنما و حجت الهی بر مردم است و از هیچ سو باطل به آن راه نمی‌یابد؛ چراکه قرآن فرستاده شده از سوی خداوند حکیم و حمید است.^۲

۵) بی‌نیازی در سایه تمسک به قرآن

قرآن کریم محتوای بسیار غنی و کاملی دارد. تبیین حقایق موجود در آن توسط اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام (شارحان و مفسران واقعی قرآن) نیز حجت را بر دینداران تمام کرده است، چندان که با وجود بهره‌مندی از سفره گسترده معارف این کتاب چشم به دیگران دوختن ناسپاسی است. امام زین‌العابدین علیه السلام به نقل از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این موضوع فرموده‌اند:

«مَنْ أَعْطَاهُ اللَّهُ الْقُرْآنَ فَرَأَى أَنْ رَجُلًا أُعْطِيَ أَفْضَلَ مِمَّا أُعْطِيَ فَقَدْ صَغَّرَ عَظِيمًا وَ عَظَّمَ صَغِيرًا»^۳:

۱. کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۱۰، شیخ عباشی.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۳۰، شیخ صدوق.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۵، شیخ کلینی.

اگر خدا قرآن را به کسی عطا کند و او گمان کند که به دیگران نعمتی بزرگ‌تر از این نعمت داده شده بی‌گمان امر بزرگی را کوچک شمرده و امر کوچکی را بزرگ شمرده است.

۲. آثار تلاوت و انس با قرآن

می‌دانیم که برخی از آثار انس با قرآن، ناظر به کمالات جسمانی و رفع نیازها و گرفتاری‌های مادی است؛ از قبیل بهره‌مندی بیشتر از چشم^۱، زیاد شدن حافظه^۲، طولانی شدن عمر، شفای بیماری‌ها^۳، توسعه روزی مادی و رفع حوائج دنیایی؛ اما آثار روحی و معنوی قرآن قابل قیاس با آثار دنیوی آن نیست. می‌توان گفت هدف از نزول قرآن عمدتاً بهره‌مندی از این تأثیرات معنوی و اخروی است. در این جا به بیان برخی از مهم‌ترین این آثار می‌پردازیم:

۱) برکت و هدایت در زندگی

خانه‌هایی که در آن قرآن تلاوت شود خیر و برکت می‌یابد و اهل آسمان از نورانیت آن بهره‌مند می‌شوند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده‌اند:

خانه‌های خود را با خواندن قرآن روشن کنید و آن را مانند یهود و نصاری در گورستان قرار ندهید؛ آن‌ها در کیسه‌ها و بازار نماز می‌خواندند و عبادت در خانه را تعطیل کرده بودند. پس نگاه که در خانه تلاوت قرآن زیاد شود خیر آن افزایش پیدا می‌کند و اهل آن را برخوردار می‌سازد و آن خانه به اهل آسمان نور می‌دهد همان‌گونه که ستاره‌های آسمان به اهل زمین نور می‌دهند.^۴

۱. عدة الداعی، ص ۲۹۰، شیخ ابن فهد حلی.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۵، شیخ صدوق.

۳. مکارم الأخلاق، ص ۳۶۳، شیخ طبرسی.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۰، شیخ کلینی.

۲) درمان امراض روحی

رسول خدا ﷺ ضمن هشدار به زنگار بستن دل ها، راه تطهیر آن را این گونه معرفی می کنند:

«دل ها نیز مانند آهن، زنگار می بندد. عرض شد: ای رسول خدا!

صیقل دهنده دل ها چیست؟ فرمودند: تلاوت قرآن»^۱.

در حقیقت محتوای قرآن کریم، شفا و رحمت برای مؤمنان است:

﴿وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾^۲:

و از قرآن، آنچه را که برای مؤمنان شفا و رحمت است فرو می فرستیم.

برای درمان ردائل اخلاقی، چاره ای جز مراجعه به طبیبی حاذق نداریم و این طبیب،

تعالیم و حیاتی قرآن است. امیرالمؤمنین علی علیه السلام در این باره می فرمایند:

قرآن را پیاموزید که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دل هاست.

از نور آن شفا و بهبودی بخواهید که شفای سینه های بیمار است.^۳

بسیاری گناه و غفلت، باعث بیماری های روحی و پژمردگی دل و گاه دلمردگی می شود. در

چنین شرایطی تعالیم قرآن، زنده کننده دل های مرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به یکی

از اصحاب خود فرمودند:

از تلاوت قرآن در صبح و شام غافل مباش! چرا که قرآن دل مرده را زنده

می کند، و از کار زشت و ناپسند باز می دارد.^۴

۱. همان، ص ۴۴۸.

۲. اسراء: ۸۲.

۳. تحف العقول، ص ۱۵۰، ابن شعبه حرّانی.

۴. شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۲۲، ابن ابی الحدید.

البته شفابخشی و درمان با قرآن، با عمل اختیاری انسان تحقق پیدا می‌کند؛ یعنی همان طور که در درمان بیماری‌های جسمی، صرف مراجعه به پزشک و حتی دریافت دارو موجب رهایی از بیماری نمی‌شود، برای درمان بیماری‌های روحی نیز تنها رجوع به قرآن و نگاه به مصحف شریف کافی نیست، بلکه فهم و باور آیات قرآن و تدبر در مضامین و عمل به دستوره‌های آن لازم است. حضرت زین العابدین علیه السلام به درگاه الهی عرضه می‌دارد:

«... وشفاء لئن أنصتَ فيهم التصديق الى استماعه»^۱؛

(خدایا) قرآن را، شفا و درمان (قراردادی) برای هر که از سر تصدیق و باور به آن گوش نهد.

۳) آرامش روحی

یاد خدا موجب اطمینان و آرامش دل‌ها است و یکی از بارزترین جلوه‌های یاد خدا، تلاوت قرآن است. همچنین قرآن کریم فرقان یعنی مایه تشخیص حق از باطل است. انس با قرآن نورانیتی ایجاد می‌کند که دیگر آدمی در تاریکی فتنه و جهل باقی نمی‌ماند. کسانی که از چنین منبع نوری بهره‌مندند نه در دنیا و نه در آخرت احساس تنهایی و وحشت نمی‌کنند. از حضرت زین العابدین علیه السلام نقل شده است:

«لَوَمَاتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَّا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ أَنْ يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِيَ»^۲؛

اگر تمام افرادی که بین مشرق و مغرب عالم هستند، بمیزند، چون قرآن با من است هراس و وحشتی به دل راه نخواهم داد.

۱. صحیفه سجادیه، دعای ۴۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۰۲، شیخ کلینی.

۴) تعالی معنوی

الف) زمینه استجاب دعا

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«اغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ اَرْبَعٍ؛ عِنْدَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ عِنْدَ الْاَذَانِ وَ عِنْدَ نُزُولِ الْعَيْثِ وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّغِيرِ لِلشَّهَادَةِ»^۱؛

دعا کردن را در چهار جا غنیمت شمارید: هنگام خواندن قرآن، هنگام اذان، هنگام فرو ریختن باران، هنگام برخورد دو گروه برای شهادت.

ب) حضور فرشتگان و راندن شیاطین

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

«الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذَكَّرُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْتُرُ بَرَكَتُهُ، وَ تَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ، وَ تَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ، وَ يَضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَضِيءُ الْكَوْكَبُ الدَّرِّيُّ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۲؛

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خدای عزوجل فراوان یاد گردد، برکتش افزایش می‌یابد، و فرشتگان در آن حضور پیدا می‌کنند، و شیاطین از آن می‌گریزند، و آن خانه به اهل آسمان روشنی می‌دهد همان‌گونه که ستارگان آسمان به اهل زمین روشنی می‌دهند.

۱. همان، ص ۴۷۷.

۲. همان، ص ۴۹۸.

ج) برخورداری از پاداش فرشتگان و پیامبران

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

هرکس برای رضای خدا و کسب آگاهی عمیق در دین، قرآن بخواند ثواب ملائکه و انبیا و رسولان را خواهد داشت.^۱

د) زدودن گناه و مصونیت از عذاب اخروی

سزاوار است انسان تا مقداری از قرآن نخوانده به بستر خواب نرود. این عمل علاوه بر جلب حسنه مضاعف، موجب از بین رفتن گناهان انسان نیز می‌شود. از حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

«مَا يَمْنَعُ التَّاجِرَ مِنْكُمْ الْمَشْغُولَ فِي سُوقِهِ إِذَا رَجَعَ إِلَى مَنْزِلِهِ أَنْ لَا يَنَامَ حَتَّى يَقْرَأَ سُورَةً مِنَ الْقُرْآنِ فَتُكْتَبَ لَهُ مَكَانَ كُلِّ آيَةٍ يَقْرُؤُهَا عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَيُمْحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؟»^۲

چه چیزی مانع تاجر مشغول در بازار می‌شود که وقتی به منزل بازگشت، قبل از خواب سوره‌ای از قرآن بخواند تا در برابر هر آیه‌ای که قرائت می‌کند، ده حسنه برایش نوشته شود و ده سیئه از او محو گردد؟

از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است:

«لَا يُعَذِّبُ اللهُ قَلْبًا وَعَى الْقُرْآنِ»^۳

خدای متعال قلبی را که ظرف قرآن باشد، عذاب نمی‌کند.^۴

۱. ثواب الأعمال، ص ۲۹۲، شیخ صدوق، .

۲. همان، ص ۶۱۱.

۳. الأمالی، ص ۷، شیخ طوسی.

۴. یکی از موارد لازم برای فهم دقیق‌تر این دو روایت، واکاوی معنای دو واژه «سَيِّئَةٌ» و «وعاء» است.

همچنین امیرالمومنین علیه السلام کودکانی را که قرآن فرا می‌گیرند از جمله کسانی برشمرده است که به احترام ایشان مردم هلاک نمی‌شوند.^۱

۵) افزایش درجات معنوی در آخرت

انس با قرآن، نه تنها در دنیا، بلکه در آخرت نیز سبب دستیابی به مراتب بالاتر در بهشت می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر جوان مؤمنی قرآن بخواند قرآن با گوشت و خونس می‌آمیزد، و خدای عزوجل او را با فرشتگان پیغام‌برنده گرامی نیک رفتار همراه کند و قرآن برای او در قیامت مانعی از آتش می‌باشد و می‌گوید: «پروردگارا! هر کارگری به پاداش کار خود رسیده جز کارگر من، پس گرامی‌ترین عطاهای خود را به او برسان!». حضرت فرمود: پس خدای عزیز جبار دو جامه از جامه‌های بهشتی به او بیوشاند و بر سرش تاج کرامت گذاشته می‌شود، سپس به قرآن گفته می‌شود: «آیا ما تو را درباره این شخص خشنود کردیم؟»، قرآن گوید: «پروردگارا! من برتر از این درباره او میل داشتم». پس (نامه) امان (از دوزخ) به دست راستش داده می‌شود، و جاوید ماندن در بهشت در دست چپش، سپس وارد بهشت می‌گردد و به او گفته می‌شود: «بخوان (قرآن را) و یک درجه بالا برو». سپس به قرآن گفته می‌شود: «آیا آنچه را خواستی به او رساندیم و تو را خشنود کردیم؟» می‌گوید: «آری».^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷، شیخ کلینی.

۲. همان، صص: ۶۰۳-۶۰۴.

پرسش‌ها

۱. چارچوب کلی این درس را به صورت فهرست‌وار بیان کنید و ارتباط اجزای آن را توضیح دهید.
۲. چهار ویژگی از قرآن را با ذکر دلیل بیان کنید و آن را توضیح دهید.
۳. قرآن در چه شرایطی موجب درمان امراض روحی می‌شود؟
۴. چهار اثر برای قرائت قرآن بیان کنید و برای هر یک آیه یا روایتی بنویسید.
۵. نظر خود را در مورد میزان اهمیت تلاوت قرآن در یک صفحه شرح دهید.
۶. با استفاده از مفهوم یکی از روایات درباره تازگی و طراوت قرآن، جایگاه آن را تبیین کنید.

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس هشتم

به نظر شما، آیا قرائت قرآن به هر نحوی می‌تواند هدف از نزول آن را محقق سازد؟! در قرآن کریم آمده است: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ﴾؛ کسانی که کتاب (قرآن) را به ایشان داده‌ایم، آن را شایسته و کامل تلاوت می‌کنند. مسلماً تلاوت آیات قرآن آن چنان که شایسته این کتاب الهی باشد، مستلزم رعایت آدابی - ظاهری و باطنی - است؛ تا بتوان از ثمرات و برکات آن بهره‌مند شد. در این درس به برخی از مهم‌ترین آداب تلاوت قرآن اشاره می‌کنیم.



۳. آداب تلاوت قرآن کریم

۱) مسواک زدن قبل از تلاوت

سزاوار است کلمات پاک و نورانی خدای متعال را از دهانی پاکیزه ادا کنیم. پاکیزه کردن راه تلاوت، با مسواک زدن است که این کار ادب ظاهری تلاوت سخن خدا است. نیز عمل

به بهداشت ظاهری می‌تواند هموارکننده مسیر معنویت و انس با کتاب آسمانی باشد. از پیامبر ﷺ روایت شده است:

«تَطِّفُوا طَرِيقَ الْقُرْآنِ. قِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا طَرِيقُ الْقُرْآنِ؟ قَالَ: أَفْوَاهُكُمْ. قِيلَ: بِمَاذَا؟ قَالَ: بِالسَّوَاكِ»؛

راه قرآن را پاکیزه سازید. پرسیدند: ای رسول خدا راه قرآن چیست؟ فرمودند: دهان‌های شما. پرسیدند: به چه پاکیزه کنیم؟ فرمودند: به مسواک زدن.

۲) وضو داشتن

از آداب تأکید شده، «طهارت» یا همان وضو گرفتن پیش از تلاوت قرآن است. انسان هنگام خواندن قرآن در حقیقت گوش جان به کلام الهی می‌سپارد. همان‌گونه که نماز نیازمند طهارت است، جاری ساختن کلام الله بر زبان نیز چنین طهارتی را می‌طلبد.

۳) خواندن دعاهای آغاز تلاوت

خواندن دعاهای مأثور از پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام پیش از تلاوت قرآن، انگیزه تدبر، تفکر و عبرت‌گیری را در قاری تقویت کرده و زمینه‌های بروز غفلت هنگام قرائت قرآن را از بین می‌برد. امام صادق علیهما السلام هنگام تلاوت قرآن، آن را در دستان مبارک خود می‌گرفتند و این‌گونه دعا می‌کردند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا كِتَابُكَ الْمُنَزَّلُ مِنْ عِنْدِكَ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ ﷺ وَكَلَامُكَ النَّاطِقُ عَلَى لِسَانِ نَبِيِّكَ؛ جَعَلْتَهُ هَادِيًا مِنْكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَحَبْلًا مُتَّصِلًا فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي نَسَرْتُ عَهْدَكَ وَكِتَابَكَ؛ اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ عِبَادَةً، وَقِرَاءَتِي فِيهِ فِكْرًا، وَفِكْرِي فِيهِ اعْتِبَارًا، وَاجْعَلْنِي

مَنْ اتَّعَظَ بِبَيَانِ مَوَاعِظِكَ فِيهِ وَاجْتَنَبَ مَعَاصِيكَ، وَلا تَطْبَعِ عِنْدَ قِرَاءَتِي عَلَيَّ قَلْبِي وَلَا عَلَيَّ سَمْعِي، وَلا تَجْعَلْ عَلَيَّ بَصْرِي غِشَاوَةً، وَلا تَجْعَلْ قِرَاءَتِي قِرَاءَةً لَا تَدُبُّ فِيهَا، بَلِ اجْعَلْنِي أَتَدَبُّرَ آيَاتِهِ وَأَحْكَامَهُ أَخِذًا بِسُرَائِعِ دِينِكَ، وَلا تَجْعَلْ نَظْرِي فِيهِ غَفْلَةً وَلَا قِرَاءَتِي هَذَرًا؛ إِنَّكَ أَنْتَ الرَّؤُوفُ الرَّحِيمُ^۱!

خدایا! گواهی می‌دهم که این کتاب فروفرستاده از سوی تو است بر پیامبرت محمد بن عبد الله ﷺ و کلام ناطق تو بر زبان پیامبر است، که آن را راهنمایی از خود برای آفریدگانت قرار دادی و ریسمانی که میان تو و بندگانت پیوسته است. خدایا! من عهدنامه تو و کتاب تو را باز کردم. خدایا! نگاه کردن مرا در آن عبادت، خواندنم را اندیشیدن و اندیشیدنم را مایه عبرت گرفتن ساز و مرا از کسانی قرار ده که از اندرزه‌های تو در آن پند گیرم و از نافرمانی تو دوری‌گزینم و هنگام خواندن آن برگوش من مهر من و بر چشمانم پرده نیفکن و خواندنم را خواندنی بدون تدبیر و اندیشیدن نساز؛ بلکه چنان کن که در آیات و احکام آن بیندیشم و شرایع دین تو را بپذیرم و نگرستن مرا در آن، غفلت و خواندنم را بیهوده‌خوانی نکن، که تو مهربان و بخشنده‌ای.

۴) استعاذه

شیطان برای گمراهی انسان از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزد و اگر نتواند آدمی را از اصل عمل خیر باز دارد سعی می‌کند تا با القاء و سوسه، عمل انسان را در حد یک رفتار ظاهری نگاه دارد. برای اینکه فکر و قلب انسان در هنگام تلاوت قرآن از تصرفات شیطانی مصون بماند، خدای متعال در قرآن به رسولش سفارش کرده که پیش از آغاز قرائت، از شر شیطان به او پناه ببرد:

۱. مکارم الاخلاق، ص ۳۴۳، شیخ طبرسی.

﴿فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ﴾^۱!

هرگاه قصد خواندن قرآن نمودی از شیطان رانده شده به خدا پناه ببر!

۵) نگاه کردن به مصحف

اگر چه حفظ قرآن عبادتی پسندیده و موجب بهره‌مندی از پاداش الهی است؛ اما اگر قرائت قرآن همراه با نگرستن در مصحف شریف باشد، اجر و پاداشی مضاعف خواهد داشت. از مضامین روایات چنین استفاده می‌شود که نگرستن در آیات کتاب الهی، عبادت است و تاثیر متفاوتی نسبت به خواندن از حفظ دارد. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«التَّظَرُّ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ: التَّظَرُّ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ وَفِي الْمُصْحَفِ وَفِي الْبَحْرِ»^۲!

نگاه کردن به سه چیز عبادت است: نگرستن به صورت پدر و مادر و به قرآن و به دریا.

اسحاق بن عمار می‌گوید: به حضرت صادق عَلَيْهِ السَّلَام گفتم: فدای شما شوم! من قرآن را از بر دارم، آیا خواندن از حفظ نیکوتر است یا نظر کردن به مصحف؟ آن حضرت فرمودند:

«بَلِ اقْرَأْهُ وَانظُرْ فِي الْمُصْحَفِ فَهُوَ أَفْضَلُ؛ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ التَّظَرُّ فِي الْمُصْحَفِ عِبَادَةٌ؟»^۳

قرآن را در حالی بخوان که در مصحف می‌نگری، که آن بهتر است. آیا نمی‌دانی نگاه کردن در قرآن عبادت است؟

۱. نحل: ۹۸.

۲. صحیفة الامام الرضا عَلَيْهِ السَّلَام، ص ۹۰.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴، شیخ کلینی.

همچنین آن حضرت از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل نموده‌اند:

«لَيْسَ شَيْءٌ أَشَدَّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي الْمُصْحَفِ نَظْرًا، وَ الْمُصْحَفُ فِي الْبَيْتِ يَطْرُدُ الشَّيْطَانَ!»^۱

چیزی بر شیطان سخت‌تر از این نیست که قرآن با نظر به مصحف خوانده شود، و قرآنی که در خانه باشد، شیطان را دور نمی‌کند.^۲

روشن است که منظور آن حضرت، صرفاً ننگه داشتن قرآن در منزل بدون مراجعه و نگرستن در آیات آن نیست؛ زیرا بسیارند خانه‌هایی که در آن‌ها قرآن هست ولی اهل آن خانه به سبب پیروی از شیطان، خانه خویش را پایگاه شیاطین کرده‌اند!

۶ صوت نیکو

گاهی کالاهای نامرغوب با بسته‌بندی زیبا و شکیل مشتری زیادی پیدا می‌کند. گاهی هم بهترین کالاها به دلیل بسته‌بندی نامناسب، مشتریان خود را از دست می‌دهند. عالی‌ترین سند آسمانی برای زمینیان نیز اگر در قالب خوشایندی عرضه شود، رغبت بیشتری می‌انگیزاند؛ ولی اگر در قالب ناخوشایندی عرضه شود، گرایش به آن کم می‌شود. در روایات صدای نیکو به‌عنوان «زینت قرآن» یاد شده است. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«لِكُلِّ شَيْءٍ حَلِيَّةٌ، وَ حَلِيَّةُ الْقُرْآنِ الصَّوْتُ الْحَسَنُ»^۳

هر چیزی را آرایشی است و آرایش قرآن آوای نیکو است.

و نیز فرمودند:

۱. عدة الداعی، ص ۲۹۰، شیخ ابن فهد حلی.

۲. و نیز از آن حضرت نقل است که «کسی که قرآن را از روی آن بخواند، عمر چشمش زیاد می‌گردد و برای پدر و مادرش تخفیف داده می‌شود؛ اگر چه کافر باشند.» (همان)

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۵، شیخ کلینی.

«حَسِّنُوا الْقُرْآنَ بِأَصْوَاتِكُمْ؛ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْحَسَنَ يَزِيدُ الْقُرْآنَ حُسْنًا»:

قرآن را با صوت‌های خود نیکو کنید که صوت زیبا بر زیبایی قرآن می‌افزاید.

امام صادق علیه السلام درباره آیه «وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا»^۲ فرمودند:

«هُوَ أَنْ تَتَمَكَّثَ فِيهِ، وَتَحَسَّنَ بِهِ صَوْتَكَ»^۳:

یعنی در خواندن آن درنگ کنی و صوتت را نیکو کنی.

با مروری بر سیره معصومان علیهم السلام می‌بینیم آن بزرگواران بر خواندن کلام خدا با نوای خوش اهتمام داشتند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ علیه السلام أَحْسَنَ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ، وَكَانَ السَّقَاوُونَ يُرُونَ فَيَقْفُونَ بِبَابِهِ يَسْمَعُونَ قِرَاءَتَهُ»^۴:

علی بن الحسین علیه السلام خوش صداترین افراد در خواندن قرآن بود. و سقائیان، همواره هنگام عبور بر در خانه‌اش می‌ایستادند و به قرائت او گوش می‌دادند.

گزارش نوای دلنشین سید الساجدین علیه السلام در کلام حضرت موسی بن جعفر علیه السلام نیز بیان شده است:

به هنگام قرائت قرآن توسط علی بن الحسین علیه السلام چه بسا فردی از آن جا عبور می‌کرد و از صدای خوش او بی‌هوش می‌گشت. و اگر امام از حُسن واقعی آن چیزی را آشکار می‌نمود، مردم تاب آن را نداشتند.^۵

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۶۹، شیخ صدوق.

۲. مزمل: ۴ (قرآن را با دقت و تأمل بخوان!).

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶، شیخ کلینی.

۴. همان.

۵. همان، ص ۶۱۵.

در هنگام قرائت قرآن کریم باید در بلندی صدا اعتدال را رعایت کرد. ابوبصیر نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام عرض کردم هرگاه قرآن را با صدای بلند تلاوت می‌کنم، شیطان چنین وسوسه‌ام می‌کند که با این کار به خانواده‌ات و مردم [که صدایت را می‌شنوند]، خودنمایی و ریا می‌کنی. امام باقر علیه السلام فرمودند: ای ابامحمد! قرآن را نه با صدای خیلی بلند و نه خیلی آهسته بخوان؛ بلکه با صدایی متوسط بخوان تا خانواده‌ات بشنوند، و قرآن را با آوازی خوشایند بخوان؛ زیرا خداوند، زیبا و نیکو خواندن قرآن را دوست دارد.^۱

۷) تفکر و تدبیر

مهم‌ترین غرض از نزول قرآن این است که در آیات و مواضع آن؛ تدبیر^۲، اندیشه^۳ و تعقل^۴ شود تا در نتیجه این تدبیر، تذکر و پندپذیری، انسان‌ها راه هدایت و صلاح را از مسیر گمراهی و شقاوت بازشناسند. از این رو لازم است قرائت آن همراه با تأنی و بی‌شتابزدگی باشد. خدای متعال از کسانی که در قرآن تدبیر و اندیشه‌ای نمی‌کنند، سخت انتقاد کرده و فرموده است:

﴿ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴾^۵

آیا آن‌ها در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است!؟

در روایات اهل بیت علیهم السلام نیز به تفصیل به این موضوع پرداخته شده است. در ذیل به برخی از این روایات اشاره می‌کنیم:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۶، شیخ کلینی.

۲. صاد: ۲۹.

۳. نحل: ۴۴.

۴. یوسف: ۲.

۵. محمد: ۲۴.

از امیرالمؤمنین علیه السلام در بیان آیه: «وَرَتَّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلاً»^۱ نقل شده است:

«قرآن را شمرده و روشن بخوان، نه چندان تند بخوان مانند شعر و نه چندان پراکنده همچون دانه‌های شن؛ بلکه با خواندن قرآن دل‌های سخت شده خود را بکوئید. هنگام خواندن قرآن، نباید همه توجه‌تان به این باشد که سوره را تمام کنید.»^۲

و نیز از ایشان نقل شده است:

«أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِلْمٍ لَيْسَ فِيهِ تَفَهُُّمٌ؛ أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ؛ أَلَا لَا خَيْرَ فِي عِبَادَةٍ لَيْسَ فِيهَا تَفَقُّهُ»^۳:

آگاه باشید! در دانشی که فهم در آن نباشد خیری نیست؛ در قرائتی که تدبر در آن نباشد خیری نیست؛ و در عبادتی که در آن فهم عمیق نباشد خیری نیست.

۸) حزن و رقت قلب

امیر مؤمنان علیه السلام در خطبه همام در توصیف حال پرهیزکاران چنین می‌فرماید:

«در هنگام شب روی پای خود می‌ایستند و جزء جزء قرآن را به صورت ترتیل و با تأمل تلاوت می‌نمایند. با اندیشه کردن در قرآن محزون می‌شوند و به وسیله آن دواى درد خویش را به دست می‌آورند و اگر به آیه‌ای برخورد کنند که تشویق و نویدی در آن باشد از روی طمع به آن تکیه می‌کنند و آرامش می‌یابند و جانهایشان با اشتیاق به آن توجه می‌نماید و چنان فکر می‌کنند که آنچه به آن تشویق و نوید داده شده‌اند هم اینک در برابرشان

۱. مزمل: ۴.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۴، شیخ کلینی.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۶.

است. و اگر به آیه‌ای برخورد کنند که در آن بیم و خوف است، آن را با گوش دل می‌شنوند و چنان می‌اندیشند که صدای شعله‌های آتش دوزخ را می‌شنوند»^۱.

اولیای الهی، قرآن را با رعایت آداب می‌خواندند، نیز به معنا و مفهوم آن توجه می‌کردند به گونه‌ای که حالات آن‌ها با توجه به مضمون آیات تغییر می‌کرد.

حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام هنگام تلاوت قرآن هرگاه به آیه‌ای برمی‌خوردند که در آن از بهشت یا جهنم سخن به میان آمده بود، می‌گریستند و بهشت را از خدا درخواست کرده و از آتش دوزخ به خدا پناه می‌بردند.^۲

۹) عمل به حدود قرآن

آثار معنوی قرائت قرآن تنها زمانی محقق می‌شود که انسان در خلوت و جلوت، درون و برون، رفتارهایی متضاد با آن نداشته باشد. چه بسا فردی قرآن بخواند ولی در اثر رفتارهای ناسازگار با قرآن، فرسنگ‌ها از حقیقت قرآن دور افتاده باشد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«قاریان قرآن بر سه گونه‌اند: کسی که قرآن را برای خود کالایی قرار داده که به وسیله آن شاهان را جذب کند و بر مردم گردن‌فرازی نماید؛ دیگری که قرآن را می‌خواند و حروف آن را حفظ ولی حدود آن را ضایع می‌کند. خداوند امثال این دسته از حاملان قرآن را زیاد نکند؛ و دیگری، کسی است که قرآن می‌خواند و داروی قرآن را بر درد قلب خویش نهد، پس بیداری شب و تشنگی روز را با قرآن به سرکند و به واسطه قرآن به نماز قیام کند و پهلوی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۱۸۲، شیخ صدوق.

از بستر جدا سازد. خداوند به واسطه ایشان بلا را دفع می‌کند و حکمرانی را از دشمنان می‌گیرد و به برکت ایشان باران از آسمان می‌فرستد. به خدا سوگند که این گروه در میان قاریان، از کبریت احمر با ارزش‌تر و عزیزترند»^۱.

بنابراین تأثیر قرائت قرآن برای تحقق آثار دنیوی و اخروی، در حد اقتضا و زمینه‌سازی است و تنها زمانی تام می‌گردد که رفتار درونی و بیرونی فرد در چارچوب‌های آن قرار گیرد. همچنین اعضا و جوارح انسان باید علاوه بر طهارت ظاهری از طهارت باطنی (پاکیزگی از گناه و غفلت و وارستگی از دلبستگی‌های شیطانی)، برخوردار باشد تا شایستگی انس با ترنم روح بخش و انسان‌ساز وحی و بهره‌مندی از تأثیرات اخروی آن را پیدا کند.

۱۰) استماع و سکوت با توجه

هنگام تلاوت قرآن، گوش دادن و ساکت بودن شرط ادب است:

﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۲:

هنگامی که قرآن خوانده می‌شود به آن گوش فرا دهید و خاموش باشید؛ امید است مشمول رحمت شوید.

بر پایه این آیه شریف و بیانات معصومان علیهم‌السلام، هنگام قرائت قرآن دو چیز لازم است: الف) «استماع»: استماع غیر از سمع است؛ سمع به معنای شنیدن و استماع به معنای گوش کردن است. در واقع شنیدن به دو صورت رخ می‌دهد: ارادی و غیرارادی. منظور از شنیدن غیرارادی (سمع) شنیدنی است که ناخواسته و بر حسب اتفاق رخ دهد. نظیر بسیاری از صداهایی که روزانه پیرامون ما به گوش می‌رسد و غالباً به آن‌ها توجهی نداریم؛ اما «استماع» به معنای شنیدنی همراه با توجه است.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۲۷، شیخ کلینی.

۲. اعراف: ۲۰۴.

ب) «انصات»: انصات نیز به سکوتی همراه با توجه گفته می‌شود. بنابراین سکوتی از سر غفلت که در آن به مضامین آیات قرآن توجه نشود، مصداق انصات نیست؛ بلکه مصداق بی‌ادبی در محضر خدای متعال است.

امام زین العابدین علیه السلام در زمینه ارزش استماع کلام خدا می‌فرمایند:

«مَنْ اسْتَمَعَ حَرْفًا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ غَيْرِ قِرَائِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حَسَنَةً وَ
مَحَا عَنْهُ سَيِّئَةً وَرَفَعَ لَهُ دَرَجَةً»؛

کسی که حرفی از کتاب خدا را بشنود بدون اینکه خود (در آن حال) قرائت کند، خداوند برایش حسنه‌ای می‌نویسد و گناهی از او پاک می‌کند و مقام او را درجه‌ای بالا می‌برد.

گوش فرادادن به آیات نه تنها موجب جلب رحمت الهی و بخشودگی گناه انسان می‌شود؛ افزون بر آن اگر انسان در محتوای آنچه می‌شنود، تفکر و ژرف‌اندیشی نماید، در واقع زمینه عمل به مضامین آن را در خود فراهم ساخته است و به تدریج تحولی عمیق در جان او رخ می‌دهد. خداوند در توصیف مؤمنان حقیقی چنین می‌فرماید:

«وَإِذَا تُلِيتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ»؛

هنگامی که آیات خدا بر آن‌ها تلاوت شود [این آیات] بر ایمانشان می‌افزاید و فقط بر پروردگارشان توکل می‌کنند.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۴۸، شیخ کلینی.

۲. انفال: ۲.

۱۱) حد تلاوت قرآن

موضوع دیگری که در آداب تلاوت قرآن کریم مطرح است حد تلاوت است؛ و به تعبیر دیگر این که چه اندازه لازم است قرآن را تلاوت کنیم. یک دستور کلی در این باره این است که هر اندازه که برای مان میسر باشد، قرائت قرآن مطلوب است؛ چنانکه در این باره قرآن کریم می فرماید:

﴿فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ... فَاقْرَأْ مَا تيسَّرَ مِنْهُ﴾^۱:

آنچه برای شما میسر است قرآن بخوانید ... پس به اندازه‌ای که برای شما ممکن است از آن تلاوت کنید.

در برخی روایات معصومین علیهم‌السلام نیز برای تلاوت قرآن، حدودی تعیین شده است. در روایتی از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَنْ قَرَأَ عَشْرَ آيَاتٍ فِي لَيْلَةٍ لَمْ يُكْتَبِ مِنَ الْغَافِلِينَ، وَمَنْ قَرَأَ خَمْسِينَ آيَةً كُتِبَ مِنَ الدَّاكِرِينَ»^۲:

هر کس در هر شب ده آیه قرآن بخواند، جزء غافلان [از یاد خداوند] نوشته نمی شود، و هر کس پنجاه آیه بخواند از ذاکران [خداوند] نوشته می شود.

همچنین از امام رضا علیه‌السلام روایت شده است:

«يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ إِذَا أَصْبَحَ أَنْ يَقْرَأَ بَعْدَ التَّعْقِيبِ خَمْسِينَ آيَةً»^۳:

شایسته است که انسان هر روز بعد از تعقیبات نماز صبح (حداقل) پنجاه آیه از قرآن را قرائت نماید.

۱. مزمل: ۲۰.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۲، شیخ کلینی.

۳. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۳۸، شیخ طوسی.

لازم به ذکر است در زمان‌های خاص مانند ماه مبارک رمضان و مکان‌های خاص مانند مکه و مشاهد مشرفه بر ختم قرآن کریم نیز تأکید شده است.

۱۲) هدیه ثواب قرائت قرآن به معصومین علیهم‌السلام:

قرآن خواندن یک عمل مستحب است و هر عمل مستحبی به خودی خود ثواب دارد، اما وقتی که به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام هدیه می‌شود، خداوند به احترام و عظمت آنان که در نزد او دارند، پاداش ویژه‌ای به شخص عنایت می‌کند؛ همان طوری که اگر کسی در راه خدا قرضی بدهد چند برابر را از خدا می‌گیرد. از طرفی ائمه معصوم علیهم‌السلام حامل کتب آسمانی و قرآنند و مجرای فیض الهی می‌باشند و ریزش رحمت و فزونی ثواب به سبب برکات وجودی آنان می‌باشد.

امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام می‌فرماید:

«إِذَا كَانَتْ لَكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَةٌ حَاجَةٌ فَأَبْدَأْ بِمَسْأَلَةِ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ سَلْ حَاجَتَكَ فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ حَاجَتَيْنِ فَيَقْضِي إِحْدَاهُمَا وَيَمْتَنِعَ الْأُخْرَى»^۲:

هرگاه از خدای سبحان درخواستی داری، ابتدا بر پیامبرش درود بفرست، سپس حاجت خود را بخواه، زیرا خدا بزرگوارتر از آن است که از دو حاجت درخواست شده، یکی را برآورد و دیگری را باز دارد.

در نتیجه هدیه صلوات و ختم قرآن به ارواح پاک آنان موجب فزونی رحمت و افزایش فیض الهی خواهد داشت. علامه مجلسی رحمته‌الله‌علیه در بحار الأنوار آورده است: شخصی به نام علی بن مغیره خدمت امام موسی بن جعفر علیه‌السلام عرض می‌کند: در ماه رمضان چند بار قرآن را ختم

۱. نقل از کتاب تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی، ج ۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۳۶۱.

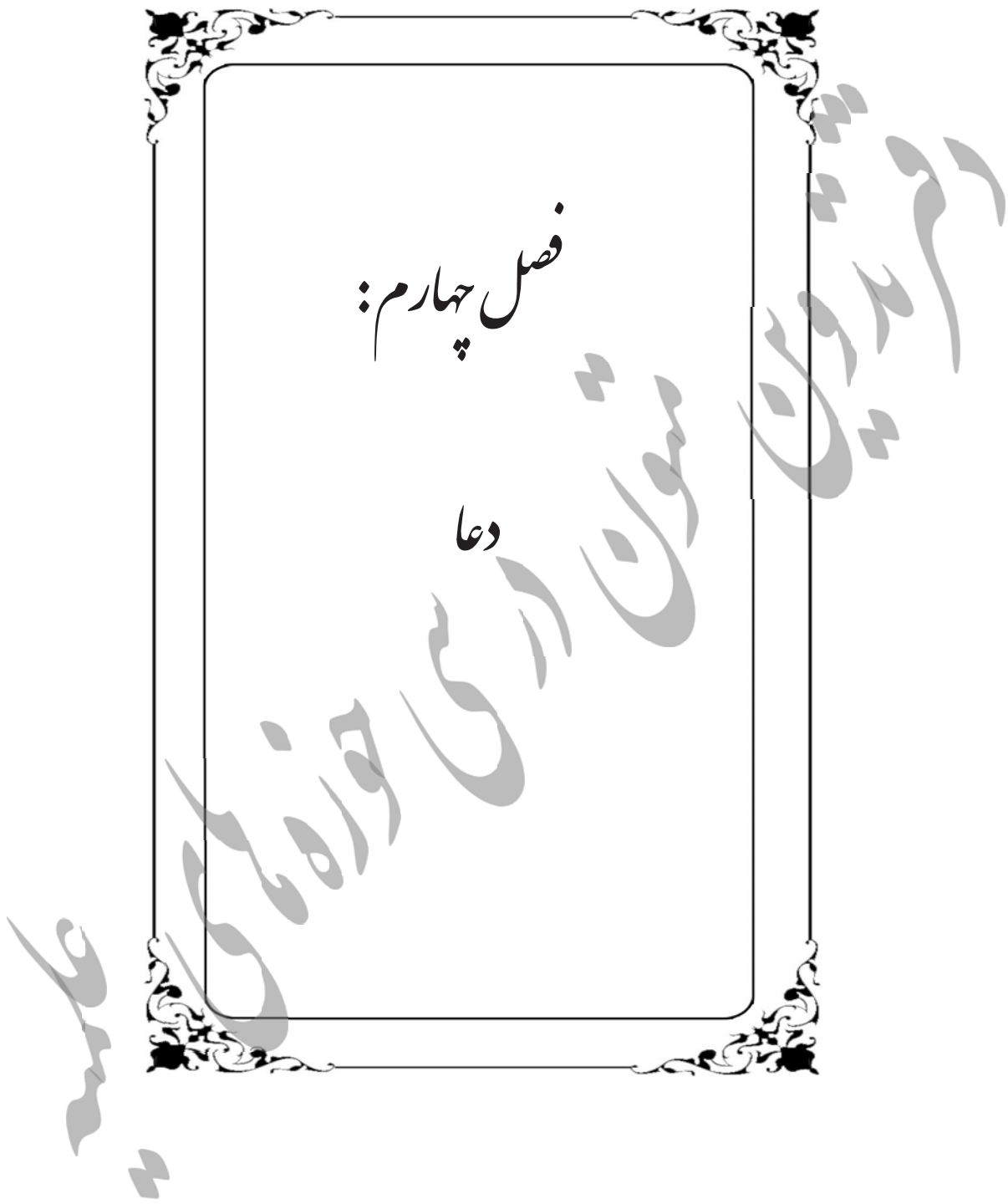
می‌کنم، روز عید فطر که فرا می‌رسد یکی از آنها را به پیامبر ﷺ، یکی را به علی ﷺ، یکی را به فاطمه ﷺ و بقیه را به سایر امامان ﷺ تا برسد به شما، اهدا می‌کنم. در برابر این عمل چه پاداشی برای من است؟ امام هفتم ﷺ فرمود: پاداش تو آن است که در روز قیامت با آن بزرگواران خواهی بود. عرض کردم: الله اکبر! آیا چنین پاداشی برای من است؟ حضرت سه مرتبه فرمود: آری!.

پرسش‌ها

۱. مباحث اصلی درس را فهرست‌گونه بیان کنید.
۲. طهارت ظاهر را به عنوان یکی از آداب قرائت قرآن توضیح دهید.
۳. استعاذه و خواندن دعاهای پیش از قرائت قرآن هر کدام چه تأثیری در بهره‌مندی از آثار قرآن دارند؟
۴. ترتیل، ناظر به رعایت کدام یک از آداب قرائت قرآن است؟
۵. ضرورت تفکر و تدبر در قرآن را توضیح دهید.
۶. نمونه‌ای از اهتمام معصومان ﷺ به تلاوت نیکوی قرآن را بیان کنید.
۷. چرا بهتر است پیش از تلاوت قرآن مسواک بزنیم؟

فصل چهارم:

دعا



دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس نهم

دعا، ارتباط مستقیم بنده با خدا است. در نظام اخلاق اسلامی دعا اهمیت ویژه‌ای دارد و بسیاری از معارف دین با زبان «درخواست از خدا» بیان و القا شده است. برای دستیابی به این معارف، انس با دعا راهگشاست. در درس‌های پیش با آداب نماز و روزه آشنا شدیم. در ادامه با یکی دیگر از عبادات یعنی دعا آشنا می‌شویم و ضمن تبیین جایگاه، اهمیت و کارکردهای دعا، به بررسی آداب آن می‌پردازیم.



۱. حقیقت و جایگاه دعا

دعا در نظام تربیتی اسلام جایگاه والایی دارد و بیانگر نیازمندی ذاتی و هویت فقری انسان است. خالق هستی از سویی بی‌نیاز مطلق و از سوی دیگر فیاض و بخشنده مطلق است، انسان نیز نیازمند مطلق و تشنه رحمت و لطف الهی است. دریافت رحمت و لطف بی‌کران الهی در بی‌کرانه‌ترین شکل آن، تنها زمانی میسر است که انسان در خود احساس نیاز مطلق کند و برای جلب رحمت الهی ظرف وجود خود را به طور بی‌نهایت در معرض باران لطف الهی قرار دهد.

حقیقت دعا زمانی محقق می‌گردد که انسان از یافته‌ها و داشته‌های خود ناامید باشد و ژرفای نیازها و کمبودهای خود را ببیند. توجه به «هویت فقری و نیازمندی ذاتی» در کنار «هویت طالب کمال بی‌نهایت» انسان، زمینه‌ساز شکل‌گیری عمیق‌ترین و دامنه‌دارترین نیاز در طول زندگی می‌شود. چنین دریافت و درکی از هویت حقیقی، فرد را بر آن می‌دارد که در همه حال به شدیدترین وجه، دست نیاز به سوی خدای متعال دراز کرده و همه انواع کمالات را از منشأ همه خیرات و کمالات درخواست کند.

هر اندازه که داشته‌های انسان در نظرش بیشتر جلوه کند، بیشتر دچار عارضه غرور و احساس بی‌نیازی و خوی سرکشی می‌شود! احساس برگزیدگی و تافتنه جدابافته بودن خلاف هویت انسان نیازمند است.

عمیق‌تر شدن معرفت نفس، درک عمیق‌تر نیازها را به دنبال دارد و درک عمیق‌تر نیازها درخواست و خواهش بیشتر را در پی دارد. به این ترتیب انسان در همه حال دست به دعا خواهد بود. از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

«الدُّعَاءُ سِلَاحُ الْمُؤْمِنِ وَ عَمُودُ الدِّينِ وَ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^۱:

دعا، سلاح مؤمن، ستون دین و نور آسمان‌ها و زمین است.

نیز از آن حضرت نقل است:

«الدُّعَاءُ مَخُّ الْعِبَادَةِ، وَلَا يَهْلِكُ مَعَ الدُّعَاءِ أَحَدٌ»^۲:

دعا، مغز و عصاره عبادت است، و هیچ‌کس با دعا کردن هلاک نمی‌شود.

هر اندازه که معرفت شخص نسبت به کمال بی‌نهایت، بیشتر و نسبت به هویت نیازمند خویش عمیق‌تر باشد، بیش از دیگران به دعا روی می‌آورد؛ از این جهت امیرمؤمنان

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۸، شیخ کلینی.

۲. الدعوات، ص ۱۸، شیخ راوندی.

علی علیه السلام، عنوان «دَعَاء» (بسیار دعا کننده) داشته است.^۱

امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیت به فرزندش امام حسن علیه السلام فرموده است:

هر وقت خدا را بخوانی ندایت را می شنود، و هرگاه با او راز دل گویی نجوایت را می داند. پس حاجت خود را به او می گویی، و راز دلت را در پیشگاهش آشکار می سازی، و از اندوه هایت به او شکایت می کنی، و از او دفع گرفتاری هایت را طلب می نمایی، و بر کارهایت کمک و یاری می جویی، و از خزانه های رحمتش چیزی را می خواهی که از غیر او ساخته نیست؛ از قبیل طول عمر، سلامتی بدن و توسعه روزی. و بعد پروردگارت کلید گنج های خود را در دو دستت نهاده به تو اجازه درخواست از خود را داده تا هرگاه اراده کردی درهای نعمت او را به وسیله دعا بگشایی و بارش باران رحمتش را طلب نمایی.^۲

خدای متعال کسانی را که از دعا روگردانند، مستکبر قلمداد کرده و آنان را به خاطر این رفتار آمیخته با جهل و تکبر، توبیخ کرده است؛ چرا که این گروه با دست خود درهای رحمت الهی را به روی خود بسته اند و در حصار تنگ و تاریک تکبر و خودبینی گرفتارند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

دعاکن! و نگو که مسئله تمام شد، چرا که دعا همان عبادت است. خداوند عزوجل می فرماید: «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»^۳.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۷، شیخ کلینی.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۳. غافر: ۶۰. مرا بخوانید، اجابت خواهیم کرد شما را؛ زیرا کسانی که از عبادت من متکبرانه سر برمی گردانند، با ذلت وارد جهنم می شوند.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۶۷، شیخ کلینی.

۲. آثار دعا

برخلاف تصور برخی، دعا به موارد نیازهای مادی اختصاص ندارد؛ بلکه همیشگی و در برگیرنده همه ابعاد مادی و معنوی و سطوح زندگی انسان است و آثار فردی و اجتماعی بسیاری دارد.

(۱) عافیت

بسیاری از ادعیه مأثوره با هدف طلب عافیت آموزش داده شده است. برخی از این دعاها کاربرد پیشگیری از ابتلائات دارد و بندگان با آن از دچار شدن به گرفتاری‌ها و آفات و امراض جسمی در امان می‌مانند. از امام صادق علیه السلام نقل است:

«مَنْ تَخَوَّفَ بَلَاءً يُصِيبُهُ فَتَقَدَّمَ فِيهِ بِالْدُّعَاءِ لَمْ يُرِهِ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ الْبَلَاءَ أَبَدًا»؛^۱

هر که نگران باشد که بلایی به او برسد و پیش از رسیدن بلا دعا کند، خداوند عزوجل هرگز آن بلا را به او نرساند.

از امام رضا علیه السلام نیز نقل است که امام سجاد علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ الدُّعَاءَ وَالْبَلَاءَ لَيَتَرَفَّقَانِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ إِنَّ الدُّعَاءَ لَيُرَدُّ الْبَلَاءَ وَقَدْ أُبْرِمَ إِبْرَامًا»؛^۲

دعا و بلا تا روز قیامت با یکدیگر به خوبی همسازی دارند. دعا، بلایی را که قطعیت یافته، بازمی‌گرداند.

همچنین فرمودند:

۱. همان، ص ۴۷۲.

۲. همان.

«الدُّعَاءُ يَدْفَعُ الْبَلَاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ يَنْزِلْ»:

دعا، بلائی نازل شده و نازل نشده را دفع می‌کند.

گروه دیگری از دعاها با هدف برطرف شدن گرفتاری‌ها و شفای بیماری‌های جسمی و رهایی از دردها یا بازیابی سلامت بیان شده است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

«ادْفَعُوا أَمْوَاجَ الْبَلَاءِ بِالدُّعَاءِ . مَا الْمُبْتَلَى الَّذِي قَدْ اشْتَدَّ بِهِ الْبَلَاءُ بِأَحْوَجِ إِلَى

الدُّعَاءِ مِنَ الْمُعَافَى الَّذِي لَا يَأْمَنُ الْبَلَاءَ»^۲:

موج‌های بلا را با دعا دور کنید؛ فرد ایمن از بلا به دعا محتاج‌تر است از کسی

که دچار گرفتاری شدید شده است.

۲) بهره‌مندی از معارف الهی

گستره وسیعی از معارف اسلامی در دعاها بیان شده است. ادعیه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام گنجینه‌های گرانبهایی است که هم آموزه‌های ژرف خداشناسی و هم گزاره‌های هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه بدیعی را در بر دارد. زیارت‌های اهل بیت علیهم السلام نیز حجم وسیعی از آموزه‌ها در ارتباط با معرفت اهل بیت علیهم السلام را در اختیار ما قرار داده است.

به عنوان نمونه یکی از مهم‌ترین مشکلات مؤمنان، نداشتن دعا و از دست دادن حس تضلع در هنگام مناجات با خداست. شناخت عوامل مؤثر بر این حالت می‌تواند آثار ویرانگر و مایوس‌کننده آن را بردارد. فراهایی از دعای ابوحمزه ثمالی به تحلیل دقیق این موضوع پرداخته است. این دعا ابتدا عزم جدی مؤمن برای مناجات با خدا و سپس اقدام به آن را تصویر کرده، آنگاه به ناتوانی بنده در برقراری ارتباط شورانگیز با پروردگار اشاره می‌کند و در نهایت به تحلیل علل این حالت درونی می‌پردازد.

۱. همان.

۲. الدعوات، ص ۲۱، شیخ راوندی.

بدون تردید قرائت ادعیه مؤثره و دعا و مناجات با خداوند متعال افزون بر ایجاد ارتباط صحیح و عمیق بنده با معبود خویش، مراتب معرفت و ایمان بندگان را نیز ارتقا می بخشد.

۳) اطمینان قلب

دعا، که نجوا کردن با برترین وجود و حلقه اتصال بنده کوچک به لطف و کرم بی نهایت است، کارکردهای روانی و عاطفی مهمی نیز برای دعاکننده در بردارد.

از مهم ترین آثار دعا، فراهم شدن زمینه برای ابراز دردها و مشکلات و بیان آلام و رنج های درونی است. بیان دردها و رنج ها زمینه ساز تخلیه عمیق روانی و تسکین آن می شود؛ آن هم در پیشگاه محرم اسراری است که ابراز درد نزد او نه تنها موجب حقارت نمی شود بلکه بر عزت و احترام انسان نیز می افزاید.

ارتباط با خدای توانای بی زوال، امید و نشاط را نیز در دل انسان مؤمن همواره نگاه می دارد و قدرت معنوی بی نظیری به او عطا می کند.

۴) تطهیر درون

یکی دیگر از آثار دعا، تطهیر درون و پالایش آن از پیامدهای منفی گناه است. در روایات آمده است که گاهی خدای متعال دعای بنده را در قالبی غیر از آنچه درخواست کرده اجابت می کند، مثلاً به برکت دعا، درون او را از آلودگی های ناشی از معصیت پاک می گرداند.

۵) تقرب به خداوند

از دیگر آثار دعا افزایش زاد و توشه آخرت و تقرب بنده نسبت به حق و عروج وی در بهشت است. روی آوردن بنده به خدای متعال و برقراری ارتباط با او زمینه ساز دریافت توشه آخرت از جانب خداوند می گردد؛ هرچند خواسته بندگان به صورت مستقیم اجابت نشود.

پرسش‌ها

۱. جایگاه دعا را در نظام اخلاق اسلامی بیان کنید.
۲. چرا در زندگی به دعای مستمر نیاز داریم؟ توضیح دهید.
۳. رابطه معرفت و دعا را تبیین کنید.
۴. چارچوب کلی آثار دعا را ترسیم و ارتباط اجزای آن را توضیح دهید.
۵. آثار عاطفی و روانی دعا را توضیح دهید.
۶. با مراجعه به «مناجات الشاکین» در مفاتیح الجنان، مهم‌ترین نکات معرفتی و انسان‌شناختی آن را فهرست‌وار بیان کنید.
۷. با مراجعه به دعای «ابوحمره ثمالی»، عوامل بی‌حالی در عبادت و دعا را ذکر کنید.

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس دهم

تردیدی نیست که اثرگذاری دعا مطلق نیست؛ بلکه پیرو شرایط و قواعد خاصی است. ارتباط بنده با پروردگار آداب خاصی دارد. گرچه در برخی موارد لطف مطلق الهی، موجب استجاب دعاست؛ غالباً رعایت آداب، در استجاب دعا نقش دارد. برخی از این آداب، درونی و برخی ظاهری است. در این درس آداب ظاهری دعا را بیان خواهیم کرد.



۳. آداب ظاهری دعا

۱) شروع دعا با حمد و ثنای الهی

شروع دعا با حمد و ثنای الهی از جهات گوناگونی در استجاب دعا اثرگذار است. از یک سو برخی از اوصاف الهی با گونه خاصی از درخواست‌ها ارتباطی ویژه دارد. از سوی دیگر، نفس حمد و ثنای پروردگار زمینه‌ساز جلب رحمت الهی و توجه ویژه خدای متعال می‌شود، چرا که پروردگار مهربان، کریم‌تر از آن است که کسی به حمد و ثنایش بپردازد و با این حال از پذیرش خواسته او روگردان شود.

همراه نمودن دعا با حمد و ثنای خدا، زمینه‌ساز توجه انسان به صفات کریمه و جمال پروردگار شده و همین امر نوعی احساس حضور و خضوع و خشوع قلبی را فراهم می‌کند. این امر سبب باز شدن درهای رحمت الهی به روی انسان و خارج شدن دعا از حالت تصنعی و تبدیل شدن آن به دعای حقیقی و مستجاب شدن دعا می‌شود.
از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

توجه داشته باشید! هرگاه یکی از شما خواست چیزی از نیازهای دنیایی و آخرتی را از پروردگارش درخواست کند، پیش از آن به ستایش خداوند عزوجل و درود فرستادن بر پیامبرش بپردازد و بعد نیازهای خود را درخواست کند.^۱

۲) صلوات

از دیگر آداب دعا، صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل محمد علیهم السلام قبل و بعد از دعا می‌باشد؛ مراد از این نکته یادکردن خاندان اهل بیت علیهم السلام در لابه لای دعاها و در نهایت، ختم دعا با صلوات بر آنهاست. امام صادق علیه السلام فرمودند:

هر که را حاجتی به خدای عزوجل باشد، باید با صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام آن را آغاز کند و سپس حاجت خود را بخواهد و باز هم در پایان، صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام بفرستد، زیرا خداوند عزوجل کریم تر از آن است که دو طرف را بپذیرد و میانه را وانهد؛ زیرا صلوات بر محمد صلی الله علیه و آله و آل او علیهم السلام از او محبوب نباشد.^۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۸۴، شیخ کلینی.

۲. همان، ص ۴۹۴.

۳) استغفار

بی تردید ارتکاب گناه آثار منفی فراوانی بر روح و روان انسان دارد. گناه موجب شکاف بین بنده و خدای متعال و منفور شدن در پیشگاه او می‌شود؛ علاوه بر آن بوی تعفنی که بر اثر ارتکاب گناه از حقیقت وجود آدمی برمی‌خیزد، سبب فاصله‌گرفتن فرشتگان - واسطه‌های فیض و امداد الهی - می‌شود.

عواملی از این دست موجب می‌شود که ارتباط معنوی میان بنده و خدا برقرار نشود و دعا به سوی مبدأ متعال صعود نکند؛ بنابراین برای شکل‌گیری ارتباط معنوی بین بنده و خدای متعال و فرشتگان، شرط اول، تطهیر درون از آلودگی‌هاست. این امر نیز تنها در صورت استغفار و توبه^۱ راستین میسر خواهد بود؛ به همین دلیل می‌توان به راز تأکید بر استغفار، پیش از دعا کردن پی برد. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«إِنَّمَا هِيَ الْمِدْحَةُ، ثُمَّ الثَّنَاءُ، ثُمَّ الْإِقْرَارُ بِالذَّنْبِ، ثُمَّ الْمَسْأَلَةُ. إِنَّهُ وَاللَّهِ مَا خَرَجَ عَبْدٌ مِنْ ذَنْبٍ إِلَّا بِالْإِقْرَارِ»^۲

ابتدا همان ستایش و بعد ثناء، سپس اعتراف به گناه و آنگاه درخواست است. به خدا سوگند چنین است که هیچ بنده‌ای جز با اعتراف، از گناهی بیرون نمی‌رود.

۴) پنهان کردن از دیگران

دعای پنهانی به یقین به اخلاص نزدیک‌تر است و موجب توجه بیشتر به خداوند متعال و انس و ارتباط معنوی قوی‌تر بنده با حضرت حق جل و علا می‌شود. همچنین دعای آشکار ممکن است آفاتی داشته باشد؛ از جمله:

۱. همان، ص ۴۸۴.

- احساس کوچکی و حقارت پیش دیگران به خاطر آشکار شدن نوع خواسته انسان؛ چراکه خواسته انسان‌ها غالباً ریشه در ضعف‌ها و کاستی‌های درونی و بیرونی آن‌ها دارد.
 - آفت ریا؛ خصوصاً در صورتی که خواسته انسان از امور معنوی و بیانگر ابعاد متعالی باشد.
 - احساس کوچکی در صورت مستجاب نشدن یا دیر مستجاب شدن دعا.
- بدین جهت در آیات و روایات توصیه شده که حاجات خود را به صورت آهسته و پنهانی بخواهید.

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾^۱

پروردگار خود را به زاری و به صورت پنهانی بخوانید.

از امام رضا علیه السلام نقل شده است:

«دَعْوَةُ الْعَبْدِ سِرًّا دَعْوَةٌ وَاحِدَةٌ تَعْدِلُ سَبْعِينَ دَعْوَةً عَلَانِيَةً»؛^۲

یک بار درخواست پنهانی بنده، با هفتاد درخواست آشکارا برابری دارد.

۵) دعا در حق دیگران

از مهم‌ترین آداب دعا که تأثیر بسیار در استجابت دارد، دعا در حق دیگران است. با این عمل هم دعا در حق آن‌ها مستجاب می‌شود و هم به استجابت دعای او می‌انجامد. از امام صادق علیه السلام نقل شده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«إِذَا دَعَا أَحَدُكُمْ فَلْيَعْمُرْ؛ فَإِنَّهُ أَوْجِبُ لِلدَّعَاءِ»؛^۳

هرگاه یکی از شما خواست دعا کند، دعایش را عمومیت دهد، چراکه این

برای دعا سزاوارتر است.

۱. اعراف: ۵۵.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۶، شیخ کلینی.

۳. همان، ص ۴۸۷.

امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمودند:

«مَنْ دَعَا لِإِخْوَانِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ مَلَكًا يَدْعُو لَهُ»^۱:

کسی که در حق مؤمنان و مسلمانان دعا کند، خداوند در ازای هر مؤمنی فرشته‌ای می‌گمارد تا در حق او دعا نماید.

دعا در حق دیگران موجب ایجاد روحیه الفت و مودت میان مؤمنان و فراموش شدن کینه‌ها و عقده‌های پنهان می‌گردد و قلبی سرشار از محبت پدید می‌آورد. در میان انواع رفتارهای اجتماعی کمتر رفتاری به اندازه دعا زمینه جلب محبت را فراهم می‌کند. هرگاه شخص بداند برادر مؤمنش در خلوت‌های خود و در موقعیتی که تمام هم و غمش متوجه نیازها و دغدغه‌های خویش بوده او را نیز دعا کرده است، نوعی همبستگی توأم با عاطفه شدید نسبت به او احساس می‌کند.

۶) تصریح به خواسته

از دیگر آداب، تصریح به تقاضا و خواسته خود است. اگر چه خدای متعال از اسرار درونی انسان و نوع خواسته وی آگاه است، ولی لازم است انسان به صورت واضح و روشن خواسته خود را تصریح کند و اینکه خدا از نیاز انسان آگاه است دلیل موجهی بر ترک دعا نیست. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَعْلَمُ مَا يَرِيدُ الْعَبْدُ إِذَا دَعَاهُ وَكَفَيْتَهُ حُجْبًا أَنْ تُبْتَّ إِلَيْهِ الْحَوَائِجُ»^۲:

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۶۱، شیخ صدوق.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۶، شیخ کلینی.

خداوند تبارک و تعالی چیزی را که بنده در هنگام دعایش می‌خواهد، می‌داند ولی دوست دارد نیازهایش را به او ابراز کند.

۷) مداومت بر دعا

مداومت بر دعا از مهم‌ترین عوامل استجاب آن است؛ از این رو بنده نباید از راز و نیاز خسته و از ادامه آن منصرف شود؛ چرا که دیر مستجاب شدن دعا، ریشه در عوامل فراوانی دارد که از آن میان به محبوبیت بنده در پیشگاه خدا و مستجاب نشدن درخواست وی جهت تداوم شنیدن صدای دعا کننده از جانب خدای متعال، می‌توان اشاره کرد. اگر دعای بندگان همیشه و بلافاصله اجابت می‌شد، همگان به طمع مزایای دعا، اهل دعا می‌شدند و مؤمن راستین از مدعی دروغین شناخته نمی‌شد. مداومت بر دعا نشان از صدق ایمان و بندگی دارد.

البته در مواردی نیز وجود موانعی از قبیل آلودگی درونی بنده موجب تأخیر در استجاب دعا می‌شود؛ در چنین مواردی نیز تداوم دعا در مرتبه اول، موجب تطهیر درونی وی و سپس موجب استجاب دعا خواهد بود. از امام صادق ع نقل شده است:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلِ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجِلْ»^۱؛

آن هنگام که بنده دعا می‌کند تا زمانی که شتاب نکند خداوند تبارک و تعالی پیوسته در نیازش حاضر است.

نیز از آن حضرت نقل شده است:

«إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا عَجَلَ فَقَامَ لِحَاجَتِهِ يَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَا يَعْلَمُ عَبْدِي أَنِّي

أَنَا اللَّهُ الَّذِي أَقْضِي الْحَوَائِجَ؟»^۲؛

۱. همان، ص ۴۷۴.

۲. همان.

هرگاه بنده شتاب کند و در برآورده کردن نیازش به تکاپو بیفتد، خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: آیا بنده‌ام نمی‌داند من همان خدایی هستم که نیازها را برآورده می‌کنم؟

بنابراین، تداوم در دعا و طلب حاجت از مهم‌ترین آداب دعا و شرط مستجاب شدن آن است.

از امام باقر علیه السلام نقل شده است:

«وَاللَّهِ لَا يُلِيحُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي حَاجَتِهِ إِلَّا قَضَاهَا لَهُ»؛^۱

به خدا سوگند هیچ بنده مؤمنی در برآورده شدن نیازش در برابر خدا پافشاری نمی‌کند مگر آنکه خداوند متعال نیازش را برایش برآورده می‌کند. همچنین از امام صادق علیه السلام نقل است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا طَلَبَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَاجَةً فَأَلَحَّ فِي الدُّعَاءِ؛ اسْتَجِيبَ لَهُ أَوْ لَمْ يَسْتَجِبْ لَهُ»؛^۲

خداوند بنده‌ای را که از خدای عزوجل نیازی درخواست کند و بعد در دعایش پافشاری کند، مورد رحمت قرار می‌دهد؛ خواه دعای او اجابت شود و خواه مورد اجابت قرار نگیرد.

پس بنده‌ای که در دعا پافشاری داشته باشد در هر حال مشمول رحمت حق است.

۸) دعای جمعی

از دیگر عوامل استجاب دعا، دعای دسته جمعی می‌باشد. امام صادق علیه السلام فرمودند:

۱. همان، ص ۴۷۵.

۲. همان.

هیچ چهل نفری نیست که اجتماع کنند و خدای عزوجل را در چیزی بخوانند، جز اینکه خداوند دعای آن‌ها را مستجاب کند. پس اگر چهل نفر نباشند و چهار نفر باشند، نزد هم جمع شوند و ده بار خدا را بخوانند خداوند دعایشان را اجابت کند، و اگر چهار نفر نباشند و یک نفر چهل مرتبه خدا را بخواند پس خدای عزیز جبار برای او اجابت کند.^۱

شاید بدین سبب که در میان دعاکنندگان، برخی نزد خدا از منزلت و مقامی برخوردارند که خدای متعال به خاطر آنان دعای بقیه را نیز مستجاب می‌کند.

۹) همراهی با عمل

برخی از افراد به دلیل تصور نادرستی که از حقیقت دعا و نقش آن در حل مشکلات دارند، گمان کرده‌اند که دعا در عرض عمل و جایگزین آن است. در حالی که دعا جایگزین تلاش یا استفاده از اسباب نیست، بلکه در طول آن‌ها مکمل آنهاست و به سهم خود در رسیدن انسان به هدفش مؤثر است. امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید:

«الدَّاعِي بِلا عَمَلٍ كَالزَّامِي بِلا وَتْرٍ»؛

کسی که بدون عمل دعا می‌کند مانند تیراندازی است که کمانش زه ندارد.

به همین دلیل در کنار هر عملی مجموعه‌ای از دعاها ذکر و تأکید شده است که انسان به تلاش خود اکتفا نکند و برای تضمین موفقیت خود، از خدای متعال نیز یاری بخواهد. پافشاری آموزه‌های دینی بر شروع هر کاری با یاد و نام خدا، در حقیقت سفارش به یاری جستن از خداوند متعال و در واقع بیانگر راهکار مکمل جهت توفیق در عمل است. بنابراین، شرط استجاب دعا، همراه بودن آن با کار و بهره‌گیری از ظرفیت هر دو عامل، جهت دستیابی به موفقیت است.

۱. همان، ص ۴۸۷.

۲. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۱۶، شیخ صدوق.

۱۰ ادای حقوق الهی

گاهی مستجاب نشدن دعا، ریشه در نقض عهد الهی و معصیت پروردگار دارد. از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آیه **﴿ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾** پرسیدند: چرا دعا می‌کنیم ولی دعایمان اجابت نمی‌شود؟ حضرت فرمودند:

زیرا دل‌های شما خیانت کرده است: شما خدا را شناختید، اما حق او را چنان که بر شما واجب کرده ادا نکردید؛ بنابراین، شناخت شما به کارتان نیامد... وقتی درها و راه‌های دعا را بسته‌اید چه دعایی از شما مستجاب می‌شود؟^۲

پرسش‌ها

۱. چهار مورد از آداب ظاهری دعا را نام ببرید.
۲. پنهانی دعا کردن چه فوایدی می‌تواند داشته باشد؟ توضیح دهید.
۳. به چه دلیل دعای جمعی به استجاب نزدیکتر است؟
۴. در مورد نقش استغفار در استجاب دعا توضیح دهید؟

۱. غافر: ۶۰.

۲. اعلام الدین، ص ۲۶۹، محدث دیلمی.

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس یازدهم

دعای جمعی، تصریح به خواسته‌ها، صلوات و استغفار از جمله آداب دعا است که التزام به آن‌ها در استجاب دعا اهمیت زیادی دارد، اما در کنار این آداب ظاهری، امور دیگری نیز آداب دعا کردن به درگاه خالق هستی است؛ اموری که انسان را بر قدرت، حکمت و رحمت الهی توجه می‌دهد و حال نیکوی دعای بنده محتاج به درگاه کریم بی‌نیاز را رقم می‌زند. این درس به آداب درونی دعا اختصاص یافته است.



۴. آداب درونی دعا

۱) معرفت نسبت به خدای متعال

دعا، برقراری ارتباط با خدا و درخواست از اوست. ارتباط و درخواست نیز فرع بر معرفت و شناخت است. چه بسا افرادی به خاطر ضعف معرفت به گونه‌ای به بیان حاجت خود می‌پردازند که موجب وهن مقام پروردگار می‌شود یا از موضعی طلب‌کارانه خدا را فرامی‌خوانند. امام صادق علیه السلام در پاسخ به گروهی که از آن حضرت پرسیدند چرا ما دعا می‌کنیم اما مستجاب

نمی‌شود؟ فرمودند:

«لَا تَكُفُّمُ تَدْعُونَ مَنْ لَا تَعْرِفُونَهُ»^۱؛

چون کسی را می‌خوانید که او را نمی‌شناسید.

یکی از نمودهای معرفت نداشتن، گمان به (نعوذ بالله) عجز خدا از برآورده ساختن حاجت است. از امام صادق علیه السلام نقل است که درباره آیه ﴿فَلَيْسَتَ جَبُولِي وَيَوْمُنُوَالِي﴾^۲ فرمودند:

«يَعْلَمُونَ أَنِّي أَقْدِرُ عَلَى أَنْ أُعْطِيَهُمْ مَا يَسْأَلُونِي»^۳؛

بدانند که من می‌توانم آنچه را از من می‌خواهند به آنان بدهم.

۲) حسن ظن به اجابت

از مهم‌ترین موانع استجاب دعا، بدگمانی به خدای متعال است. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«إِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ وَظَنَّ حَاجَتَكَ بِالْبَابِ»^۴؛

هرگاه دعا می‌کنی، با دلت [به درگاه خدا] رو کن! و گمان داشته باش نیازت

پشت در است [و حتماً برآورده می‌شود].

بدگمانی به خدا، ریشه در ضعف معرفت نسبت به خدای متعال و درک محدود از مقام متعالی او دارد. گویا برخی چنین می‌پندارند که خدای متعال در برآوردن حاجات آنها (نستجیر بالله) بخل می‌ورزد یا ناتوان است.

۱. التوحید، ص ۲۸۹، شیخ صدوق.

۲. بقره: ۱۸۶؛ «پس باید دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند.»

۳. کتاب التفسیر، ج ۱، ص ۸۳، شیخ عیاشی.

۴. الکافی، ج ۲ ص ۴۷۳، شیخ کلینی.

در برخی موارد نیز شخص دعاکننده در فاعلیت فاعل و لطف بی‌کران حق شک ندارد ولی مشکل را در قابلیت خود و وجود مانع درونی ناشی از گناه و بی‌توجهی به خدای متعال می‌داند؛ اگر چه این نوع سوءظن تا حدی توجیه‌پذیر است و در حقیقت سوءظن به قابلیت خود برای جلب رحمت الهی است، اما باز هم ریشه در ضعف معرفت نسبت به خدای متعال دارد؛ زیرا خدای متعال، مهربان‌تر و آمرزنده‌تر از آن است که بنده‌ای به او روی آورد، ولی او را دست‌خالی بازگرداند.

هر اندازه که بنده به خدا خوش‌گمان‌تر باشد، به همان اندازه احتمال استجاب دعا او نیز بیشتر خواهد شد.

۳) احساس اضطرار

در بخش حقیقت دعا اشاره کردیم که در بین عبادت‌ها هیچ کدام به اندازه دعا، بیان‌کننده حقیقت عبودیت و وابستگی درونی بنده نسبت به خدای متعال نیست. بنده، زمانی به صورت واقعی و حقیقی رو به خدا می‌آورد که هم احساس نیاز و وابستگی جدی به وی دست دهد و هم طرف این وابستگی خدای متعال باشد. بنابراین اگر یکی از این دو رکن متزلزل شود، حقیقت دعا محقق نشده است.

اگر دعا از نیاز حقیقی و از عمق وجود انسان نشأت نگیرد دعا نیست؛ بلکه بیشتر، لقلقه زبان و تعارف است. در حالت دوم نیز اگر چه بنده احساس اضطرار می‌کند؛ ولی چون در تشخیص راه برون‌رفت از اضطرار، به خطا رفته و برای حل مشکل، خود را به غیر خدا محتاج می‌داند، دعای وی پوچ و بی‌اثر خواهد شد. کسی که به ظاهر از خدای متعال طلب حاجت کند ولی در عمق ضمیر خود به دیگری امید بسته است. با زبان حال خود با همان شخص مناجات می‌کند نه با خدای متعال؛ به همین دلیل در حقیقت دعایی صورت نگرفته تا استجابتی در پی داشته باشد.

۴) حضور قلب

از دیگر آداب دعا برخوردار بودن از حضور قلب است. در مورد حقیقت حضور قلب و فراز و فرود آن در بخش آداب نماز به تفصیل توضیح دادیم؛ در این جا تنها بر این نکته تأکید می‌کنیم که ضرورت حضور قلب در دعا کمتر از نماز نیست؛ چرا که حقیقت دعا در گرو همان احساس نیاز و تقاضای درونی است.

با فراهم کردن عواملی می‌توان این احساس حضور را در خود تقویت کرد. تفکر درباره نوع تقاضا و مطلوب خود، تأمل در گستره لطف و رحمت الهی، توجه به اسماء و صفات الهی، دوری از فضاهای پر ازدحام و شلوغ و روی آوردن به خلوت پیش از پرداختن به دعا از جمله این عوامل است. از امام صادق ع نقل شده است:

«إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَسْتَجِيبُ دُعَاءَ بَظْهِرِ قَلْبٍ سَاهٍ؛ فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ
تُمْ اسْتَيْقِنَ بِالْإِجَابَةِ!»^۱

خداوند عزوجل، دعایی را که از قلبی غافل برخاسته باشد مستجاب نمی‌کند؛ پس هرگاه دعا می‌کنی با قلبت [به درگاه الهی] روکن، سپس به اجابت خداوند یقین داشته باش.

۵) خشوع و خضوع

دعای واقعی نمی‌تواند بدون خشوع و خضوع باشد، چرا که دعا جوشش احساسات، درک ضعف‌ها و کمبودها و نیز ابراز این نیازها در برابر خداست. شهود این فقر و نیاز موجب شکستگی و تضرع در مواجهه با خدا و زمینه‌ساز خشوع و خضوع می‌شود. از امام باقر ع درباره این سخن خداوند عزوجل «فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ»^۲ این گونه نقل شده است:

۱. همان.

۲. مؤمنون: ۷۶؛ «آنان نه برای پروردگارشان خضوع کردند و نه به درگاهش تضرع می‌کنند.»

«الِاسْتِكَانَةُ هُوَ الْخُضُوعُ، وَالتَّضَرُّعُ هُوَ رَفْعُ الْيَدَيْنِ وَالتَّضَرُّعُ بِهِمَا»^۱؛

استکانت همان خضوع است و تضرع همان بالا بردن دست‌ها و اظهار تضرع به آنهاست.

۶) توجه به مصلحت و علم الهی

از دیگر شرایط دعا توجه به وجود مصالح پوشیده بر بندگان است. چه بسا انسان برسیدن به خواسته‌هایی پافشاری کند که در حقیقت به صلاح او نیست. از حضرت علی علیه السلام روایت است که خدای متعال می‌فرماید:

«يَا عِبَادِي! أَطِيعُونِي فِيمَا أَمَرْتُكُمْ وَلَا تَعْلَمُونَنِي بِمَا يُصْلِحُكُمْ؛ فَإِنِّي أَعْلَمُ بِهِ وَ أَنَا لَا أَبْحُلُ عَلَيْكُمْ بِمَصَالِحِكُمْ»^۲؛

ای بندگان من! در آنچه به شما امر کرده‌ام، مرا اطاعت کنید و مصلحت‌ها را به من نیاموزید، (و نگویید: اگر خدا این کار را می‌کرد بهتر بود)؛ زیرا من به مصالح شما، از خود شما داناترم و در عطای چیزی که مصلحت شما در آن باشد، بخل نمی‌ورزم.

خداوند در قرآن می‌فرماید:

«وَيَدْعُ الْإِنْسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا»^۳؛

مقصود از اینکه «انسان عجل است» این است که وقتی چیزی طلب می‌کند، شکیبایی نمی‌کند؛ در جهات صلاح و زیان خود نمی‌اندیشد تا در آنچه طلب می‌کند راه خیر برایش

۱. الکافی، ج ۲، ص ۴۸۱، شیخ کلینی.

۲. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۵۲، محدث دیلمی.

۳. اسراء: ۱۱؛ «انسان (بر اثر شتابزدگی)، بدی‌ها را طلب می‌کند آن گونه که نیکی‌ها را می‌طلبد و انسان همیشه عجل بوده است.»

مشخص گردد و از آن راه برای رسیدن به خواسته‌اش اقدام کند؛ بلکه به محض اینکه چیزی را برایش تعریف کردند و او آن را مطابق میلش دید با شتابزدگی به سویش می‌رود و در نتیجه گاهی آن چیز، شری از آب در می‌آید که مایه خسارت و زحمتش می‌شود و البته گاهی هم خیری بوده که از آن نفع می‌برد.^۱

۷) توجه به نعمت‌ها

یکی از مواردی که در استجاب دعا تأثیرگذار است، توجه به داشته‌ها و نعمت‌ها و شکرگزاری از آنهاست. اینکه انسان همواره نیمه خالی لیوان را ببیند و توجه به نعمت‌های فراوان خدا ننماید و زبان حال همیشگی او گله و شکایت باشد دور از ادب بندگی است. شکر منعم نه فقط با زبان که با دل و جان باید صورت پذیرد؛ چنین حالت شکرگزاری، خضوع و خشوع بنده را در برابر خداوند بیشتر می‌کند و موجب جلب رحمت و افزایش نعمت می‌شود؛ «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ»^۲.

۱. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳، ص ۴۹، علامه طباطبایی.

۲. ابراهیم: ۷؛ «اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهیم افزود.».

پرسش‌ها

۱. چهار مورد از آداب درونی دعا را نام ببرید.
۲. ضرورت معرفت به خدای متعال برای استجاب دعا را بیان کنید.
۳. چرا با وجود علم خداوند به نیازهای انسان، باز به دعا کردن توصیه شده است؟
۴. تطهیر باطنی چگونه موجب استجاب دعا می‌شود؟
۵. مراد از حضور قلب در هنگام دعا چیست؟ ضمن یک دلیل بیان کنید؟
۶. چگونه می‌توان حضور قلب در دعا را در خود تقویت کرد؟
۷. حسن ظن به خدای متعال چه تأثیری در استجاب دعا دارد؟
۸. ضرورت صلوات و استغفار در دعا را با استفاده از روایات توضیح دهید.

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

فصل پنجم:

مسجد



عکس

موسسه فرهنگی و آموزشی
موسسه فرهنگی و آموزشی

دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس دوازدهم

یکی از عوامل مؤثر در تهذیب نفس و کمال عبادات، زمان و مکان عبادت است. اگر چه دعا کردن و ارتباط با خداوند زمان و مکان خاصی نمی‌طلبد؛ ولی بهتر آن است در جایی باشد که بهتر بتوان با خداوند نجوا کرد و به دور از زرق و برق دنیا دل را جلا داد. زیارت خداوند کریم در خانه او، مانند مهمانی رفتن نزد او است و استقبال خداوند از مهمان خانه خود بسی گرم‌تر از استقبال ما از مهمان است. در ادامه آداب بندگی، به معرفی جایگاه مسجد و آثار حضور در مسجد می‌پردازیم.



۱. جایگاه مسجد

بی‌شک مهم‌ترین پایگاه توسعه ایمان، معرفت و معنویت مسجد است. در مسجد برخلاف بسیاری از جاهای دیگر، ارتباطاتی حول محور خدا، ایمان‌گرایی و توحیدمحوری شکل می‌گیرد. مهم‌ترین ویژگی مسجد داشتن صبغه الهی و توجه دادن بندگان به حق است.

در مسجد میان ظاهر و باطن عالم پیوند برقرار می‌شود و انسان مؤمن برای انتقال از عالم ماده به عالم معنا و دستیابی به پشت پرده هستی آماده می‌گردد. مسجد پلی است بین شهود و غیب، زمین و آسمان و فرش و عرش.

البته مسجد علاوه بر اینکه کانون تعلیم و تربیت دینی و گرایش توحیدی (عبادت و روحانیت و معنویت و ایمان) است، کانون تقویت جبهه اجتماعی حق، کانون مبارزه و تربیت انسان‌های مبارز و کانون فراگیرترین ارتباطات اجتماعی امت اسلامی است.

چرخه حضور مؤمنان در مسجد، روزانه و در هر روز چند نوبت است. در ادامه جایگاه و اهمیت مسجد را توضیح می‌دهیم:

۱) اهل مسجد؛ زائران بیت‌الله

مساجد، خانه‌های خدا در روی زمین‌اند و به جهت انتساب به حضرت حق محبوب‌ترین زمین‌ها هستند. در روایات اهل بیت علیهم‌السلام کسانی که برای عبادت خدای متعال در مسجد رفت و آمد می‌کنند «زائرین خانه خدا» نام گرفته‌اند که زیارت‌شونده آن‌ها را گرامی می‌دارد. از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بازگو شده است:

خداوند فرموده است: بدانید! خانه‌های من در روی زمین مسجدها هستند که برای اهل آسمان می‌درخشند، همان‌گونه که ستارگان برای اهل زمین می‌درخشند. آگاه باشید! خوشا به حال کسی که مسجدها خانه‌های او هستند. آگاه باشید! خوشا به حال کسی که در خانه‌اش وضو بگیرد، سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند. بدانید که احترام زیارت‌کننده بر عهده زیارت‌شونده [خدای متعال] است.^۱

۱. ثواب الاعمال، ص ۲۸، شیخ صدوق.

۲) انس با مسجد؛ معیار محبت خداوند

انس با مسجد در کلمات اولیای دین به عنوان «یکی از معیارهای دوستی و محبت خدای متعال» معرفی شده است. خدای بزرگ به پیامبر خود ﷺ در سفر معراج چنین خطاب می‌کند:

ای احمد! چنین نیست که هر که مدعی دوستی با من باشد در این ادعا صادق باشد مگر اینکه خوراک و پوشاک او به قدر کفاف باشد و در حالت سجود به خواب رود و قیام [و شب‌زنده‌داری] او برای عبادت، طولانی باشد و ملازم با سکوت بوده و بر من توکل نماید و گریه او بسیار و خنده او کم باشد و با هوای نفس مخالفت ورزد و مسجد را خانه خویش قرار دهد.^۱

همان‌گونه که انسان، در منزل خود، انس و دل‌بستگی و آسایش دارد و رفت‌وآمد او پی‌درپی است، باید برای عبادت در مسجد و محبت‌ورزی به خدای متعال، ارتباط مستمری با مسجد داشته باشد. در این صورت گویا که مسجد را خانه خویش قرار داده است. شاید به همین جهت است که بیتوته در مساجد یکی از عبادت‌های بزرگ به شمار می‌رود.

۳) ارزش آبادکنندگان مساجد

کسانی که به آبادانی مساجد می‌پردازند، هم در کتاب شریف الهی و هم در کلمات عترت پیامبر ﷺ ستایش شده‌اند. در قرآن کریم، خدای متعال دخالت مشرکان در آباد کردن مساجد را از مسجد دور دانسته و این خصلت را متعلق به گروه خاصی از مؤمنان دانسته است:

«مشرکان حق ندارند مساجد خدا را آباد کنند در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند! آن‌ها اعمالشان نابود (و بی‌ارزش) شده و در آتش دوزخ، جاودانه خواهند ماند! * مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان

۱. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۲۰۵، محدث دیلمی.

به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد، و جز از خدا

نترسد؛ امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند»^۱.

شایسته توجه اینکه ساختن مسجد و سایر خدمات برای استفاده شایسته مردم، نزد خدای متعال پسندیده و بلکه لازم و بایسته است، اما عمارت و آبادانی مساجد تنها به همین معنای عرفی محدود نمی‌شود؛ بلکه همان‌گونه که ائمه معصومین علیهم‌السلام فرموده‌اند، فراوانی رفت‌وآمد به مسجد برای عبادت و برپاداشتن جماعت همراه با ترک امور لغو، از مصادیق احیا و آبادانی این مکان مقدس است. در بخشی از پندها و نصایح رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به جناب ابوذر آمده است:

ای اباذر! کسی که دعوت‌کنندگان خدا (پیغمبران و امامان) را اجابت کند و عمران و آبادی مساجد را نیکوگرداند پاداشی که از خدا به وی می‌رسد بهشت خواهد بود. ابوذر گفت: ای رسول خدا! -پدر و مادرم فدای تو باد- مساجد خدا چگونه آباد می‌شوند؟ حضرت فرمودند: (آبادانی مسجد به این است که) صداها در آن بلند نباشد؛ در آنجا سخنان و کارهای بیهوده انجام نشود؛ در آن خرید و فروش انجام نگیرد. مادامی که در مسجد هستی لغو را واگذار. پس اگر چنین نکردی و به آنچه گفتم عمل ننمودی، روز قیامت جز خودت را سرزنش ننمایی!^۲

۲. آثار حضور در مسجد

آثار عبادت در مسجد را در سه بخش؛ آثار اخروی، آثار دنیوی و آثار اجتماعی دنبال می‌کنیم:

۱. توبه: ۱۷ و ۱۸.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷، شیخ طبرسی.

الف) آثار اخروی

۱) بخشایش گناه و بالا رفتن درجات معنوی

شخصی که به مسجد می‌رود، در حقیقت به زیارت خدای متعال رهسپار می‌شود و خدای عزوجل به او وعده تکریم داده است. اولین کرامتی که حق تعالی به او عطا می‌کند، بخشایش گناهان او و بالا رفتن مقام و موقعیت او در بهشت است. نبی گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ضمن بیان پندها به جناب ابوذر فرموده‌اند:

ای اباذر! تا در مسجد نشسته‌ای خداوند به هر نفسی درجه‌ای در بهشت به تو عنایت می‌کند و ملائکه بر تو درود می‌فرستند و به هر نفسی ده حسنه برایت نوشته می‌شود و ده گناه از نامها محو می‌گردد.^۱

علاوه بر پاداش فراوان حضور در مسجد، اذان گفتن نیز که سرودن شعائر عظیم الهی و گواهی دادن به پاک‌ترین کلماتی است که زینت بخش سردرهای بهشت الهی است، اجر و ثواب بسیاری دارد. دعا، نماز جماعت، نماز تحیت و عبادات دیگر نیز در مسجد توصیه شده است.^۲

۲) محبوبیت الهی

انس مؤمنان با خانه خدا، آنان را محبوب خدا می‌گرداند. از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِحَبْرَيْلَ: يَا حَبْرَيْلُ! أَيُّ الْبِقَاعِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟
قَالَ: الْمَسَاجِدُ، وَأَحَبُّ أَهْلِهَا إِلَى اللَّهِ أَوْهُمْ دُخُولًا وَأَخْرَجًا مِنْهَا»^۳

۱. همان.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۰۷، شیخ کلینی.

۳. همان، ص ۴۸۹.

رسول خدا ﷺ به جبرئیل فرمودند: ای جبرئیل! کدام مکان نزد خدا محبوب‌تر است؟ جبرئیل عرضه داشت: بهترین جاها مساجد است، و محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسی است که پیش از همه به مسجد وارد شود و پس از همه از آن بیرون آید.

۳) گواهی مسجد در قیامت

از امام صادق ع نقل شده است:

در جاهای مختلف مساجد نماز گزارید که در هر جای آن که نماز خوانده شود، برای نماز گزار در روز قیامت گواهی دهد.^۱

۴) عبور سریع از صراط

رسول اکرم ص درباره انسان‌های مؤمنی که همواره حضور در جماعات مسلمانان را غنیمت می‌شمارند، این گونه بشارت داده‌اند:

و کسی که بر آن باشد تا در هر جا و در هر موقعیت و فرصتی، نماز خود را به جماعت بخواند، (در روز قیامت) جزء اولین گروهی خواهد بود که در زمره سبقت‌گیرندگان اند و با چهره‌ای روشن تر از ماه شب چهارده (بدر) به سرعت برق از پل صراط می‌گذرد و به ازای هر روز و یا شبی که توفیق شرکت در نماز جماعت را داشته است پاداش شهید را خواهد داشت.^۱

۱. الأمالی، ص ۳۵۹، شیخ صدوق.

۲. ثواب الاعمال، ص ۲۹۱، شیخ صدوق.

۵) بهره‌مندی از پاداش شب‌زنده‌داران

امیرالمؤمنین ع از پیامبر گرامی ص نقل می‌کند:

شخصی که نماز مغرب و عشا و نماز صبح را در مسجد به جماعت بخواند، مانند کسی است که تمامی شب را بیدار مانده باشد.^۱

ب) آثار دنیوی

۱) فراهم شدن زمینه استجاب دعا

یکی از آثار مؤانست با مسجد، فراهم شدن زمینه استجاب دعا است. امام صادق ع می‌فرماید:

انس‌گیرندگان و همراهی‌کنندگان مسجد به چیزی کمتر از این سه از آنجا باز نمی‌گردند؛ یا دعایی که به درگاه خدا دارد و خداوند به واسطه این دعا او را وارد بهشت می‌کند؛ یا به واسطه دعایش بلایی دنیوی را از او دفع می‌کند و یا اینکه در مسجد برادری را پیدا می‌کند که در راه خدای عزوجل از او بهره می‌جوید.^۲

۲) زمینه‌سازی برای ترک گناه

از آنجا که اهل مسجد همواره در معرض مواعظ قرار می‌گیرند، غالباً انگیزه‌های عبادت خدا در آنان تقویت و انگیزه معاصی در آنان فروکش می‌کند؛ نیز زمینه دچار شدن به فحشا و منکر در ایشان کمتر پیدا می‌شود. این موضوع در کلمات امام حسن مجتبی ع و در ضمن سایر آثار مسجد بیان شده است:

۱. الأمالی، ص ۳۲۹، شیخ صدوق.

۲. همان، ص ۴۷.

هر که همیشه به مسجد رفت و آمد داشته باشد، یکی از این هشت چیز نصیبش گردد: نشانه‌ای محکم [بر هدایت]، برادری که [در راه خشنودی خدا] از او بهره ببرد، دانشی تازه، رحمتی مورد انتظار، سخنی که او را بر هدایت رهنمون گردد یا کلامی که او را از هلاکت رهایی بخشیده و برگرداند و ترک گناهان از روی شرم و حیا یا از ترس خدا.^۱

بر اساس این حدیث شریف، شرط تأثیرگذاری مسجد در ترک گناه، مداومت و استمرار در رفتن به آن مکان مقدس است.

نکته دیگر اینکه این تأثیرگذاری، شدت و ضعف دارد؛ کمترین اثرانس با مسجد، این است که به خاطر شرم و حیا گناه نمی‌کند؛ اما در سطحی فراتر اگر رفتن به مسجد توأم با تفکر و بینش باشد با درک عظمت خدای متعال حتی در خلوت نیز از گناه اجتناب می‌ورزد.

۳. جلب روزی

از روایات استفاده می‌شود که رفتن به دنبال کار و جلب روزی پیش از برآمدن آفتاب کراهت دارد. از سوی دیگر اشتغال به تعقیبات و اذکار بعد از نماز صبح بسیار توصیه شده است. امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ أَسْرَعُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ مِنَ الضَّرْبِ فِي الْأَرْضِ»^۱؛

نشستن در مسجد پس از سپیده‌دم تا برآمدن آفتاب، از پیمودن زمین برای طلب روزی، سریع‌تر روزی را فراهم می‌سازد.

۱. تحف العقول، ص ۲۳۵، ابن شعبه حرانی.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۶۱۲، شیخ صدوق.

۴) رفع بلا و عذاب دنیوی از جامعه مسلمین

به برکت وجود مؤمنان اهل مسجد، عذاب از گناهکاران جامعه - که مستحق عذاب الهی در این دنیا هستند - دور می‌شود. از امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام نقل شده است:

«هنگامی که مردم روی زمین مرتکب گناهان شوند و به زشتکاری‌ها دست بزنند، خداوند اراده می‌کند همه را بدون استثنا عذاب کند؛ ولی چون سالخوردگان را می‌بیند که برای نماز به سوی مساجد گام برمی‌دارند و کودکان قرآن می‌آموزند بر آنان رحمت می‌آورد و عذاب را به تأخیر می‌اندازد.»^۱

ج) آثار اجتماعی

از زمان شکل‌گیری جامعه اسلامی در مدینه توسط پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مسجد به عنوان مرکز رهبری جامعه نوپای اسلامی و کانون تصمیم‌گیریهای مهم سیاسی و همچنین اصلی‌ترین محل تبلیغ دین و آموزش مفاهیم والای اسلامی، از جایگاه مهمی برخوردار بود. مهم‌ترین آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی دین مبین اسلام و جامعه اسلامی در مساجد بیان می‌شد و گسترش می‌یافت. همچنین عمده تصمیم‌ها در زمینه‌های تجارت با سرزمینهای گوناگون، فعالیت‌های عمرانی، رسیدگی به امور مستمندان، جمع‌آوری زکات و تقسیم و اختصاص آن برای بیت‌المال با مشورت بزرگان جامعه اسلامی در مساجد اتخاذ می‌شد. حاکمان بلاد نیز با حضور در میان مردم در مساجد، به این امور رسیدگی می‌کردند.

در اینجا به جهت اهمیت جایگاه اجتماعی مسجد به برخی از مهم‌ترین ابعاد آن می‌پردازیم:

۱. ثواب الاعمال، ص ۶۰، شیخ صدوق؛ نیز رک: علل الشرائع، ج ۲، ص ۶۶۵.

۱) ایجاد پیوند و الفت اجتماعی

گذشته از اینکه هر کس می‌تواند به طور فردی و در مواقع مختلف به انگیزه دعا و مناجات و عبادت، در مسجد حضور پیدا کند، ولی اساساً فلسفه تشکیل مساجد در اسلام، شکل‌گیری بُعد اجتماعی عبادات و پدید آمدن آثار و فوائد ناظر به آن است. یکی از کارکردهای مسجد فراهم‌سازی زمینه ایجاد پیوندی شبانه‌روزی و پیوسته میان امت اسلامی و سامان بخشی آنان به صورت واحدی روحانی و فشرده در قالب نماز جماعت است. از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که دلسوزترین هادی و مربی انسان‌هاست برای استوارسازی هر چه بیشتر پیوندهای الهی - انسانی مردم، نسبت به حضور مردم در کانون مسجد حساسیت فوق‌العاده‌ای داشتند و تساهل و بی‌اعتنایی نسبت به این موضوع را روا نمی‌دانستند و حاضر نشدن در جماعت مسلمانان بدون عذر شرعی و بی‌اهمیت تلقی کردن آن را جایز نمی‌شمردند تا جایی که اگر برخی از اصحاب به هر دلیلی در مسجد حاضر نمی‌شد دلیل حاضر نشدن ایشان را پرس‌وجو می‌کردند.

پیوند و انس میان اهل مسجد، فضای برادری دینی را شکل می‌دهد. برادر دینی به جهت داشتن روحیه دلسوزی و خیرخواهی، عیوب و نواقص برادران خود را به بهترین شکل به آن‌ها متذکر شده، در غیاب آن‌ها نسبت به حیثیت و آبروی آنان حرمت و امانت را رعایت می‌کند و هنگامی که گرفتاری یا نیازی برای آن‌ها پیش آید، درصدد رفع آن برمی‌آید. رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ خطاب به یکی از اصحاب می‌فرماید:

انسان مسلمان، پس از اسلام آوردن، به فایده‌ای بالاتر از پیدا کردن برادری

که در راه خدا از او منفعتی ببرد، دست نیافته است.^۱

از سوی دیگر بی‌توجهی به حضور در جماعت به قدری نکوهش شده که از نگاه اولیای

۱. الأمالی، ص ۴۷، شیخ طوسی.

دین، نماز کسی که بدون عذر شرعی موجه در جماعت مسلمانان حضور پیدا نمی‌کند، پذیرفته نیست. رسول خدا ﷺ فرمودند:

نماز کسی که بدون علت (و دلیل موجه) در مسجد با مسلمانان نماز نگذارد، نماز نیست.^۱

۲) فراهم‌سازی زمینه تعلیم و تعلم و رشد علمی

تشکیل حلقه‌های معرفتی و گفت‌وگوی علمی در مساجد، از زمان پیامبر اکرم ﷺ پیشینه‌ای دیرینه دارد. این حلقه‌ها از بنیان در پی معرفت‌اندوزی و آشنایی با دین بوده‌اند.

روزی رسول خدا ﷺ وارد مسجد شدند و دو مجلس را مشاهده کردند؛ یکی جلسه‌ای که در آن، کسانی مشغول فراگیری دانش بودند و جلسه دیگر، کسانی که مشغول دعا و عبادت بودند. آن حضرت ضمن ستایش هر دو گروه، جلسه تعلیم و تعلم را برتر دانسته و فرمودند: من برای تعلیم مبعوث شدم. آنگاه در جمع آنان نشستند.^۲

نیز از آن حضرت نقل است که فرمودند:

کسی که بامدادان به مسجد برود و هدفی جز یادگیری خیر یا تعلیم آن به دیگری نداشته باشد اجر کسی را خواهد داشت که یک عمره تمام انجام داده باشد، و نیز کسی که شبانگاهان به قصد مسجد گام بردارد در حالی که هدفی جز یادگیری خیر یا تعلیم آن به دیگری نداشته باشد پاداش کسی را دارد که حج تمام به جا آورده است.^۳

۱. علل الشرائع، ج ۲، ص ۳۲۵، شیخ صدوق.

۲. منیة المرید، ص ۱۰۶، شهید ثانی.

۳. همان.

پرسش‌ها

۱. چارچوب کلی مباحث درس را به صورت نموداری ترسیم کنید.
۲. با مراجعه به روایات، توضیح دهید چه اموری به عنوان مصادیق آبادانی مساجد قلمداد شده‌اند؟
۳. مهم‌ترین آثار اجتماعی مسجد را توضیح دهید.
۴. جایگاه مسجد و جماعت را همراه با ذکر یک آیه و روایت توضیح دهید.
۵. چهار مورد از آثار اخروی حضور در مسجد را نام برده، آن‌ها را توضیح دهید.
۶. آثار دنیوی حضور در مسجد را نام برده، یکی از آن‌ها را توضیح دهید.
۷. با ذکر یک روایت بیان کنید حضور در مسجد چگونه باعث ترک گناه می‌شود؟
۸. حضور در مساجد و جماعات چه تأثیری در شناخت افراد جامعه دارد؟
۹. حضور در مسجد چگونه می‌تواند در جلب روزی تأثیرگذار باشد؟

درس سیزدهم

در درس گذشته با جایگاه مسجد و نیز مهم‌ترین آثار اخروی، دنیوی و اجتماعی حضور در مسجد آشنا شدیم. از آنجاکه نمازگزار می‌خواهد در یکی از محبوب‌ترین زمین‌ها، یعنی خانه و زیارتگاه حق تعالی عبادت کند، لازم است نسبت به آداب این مکان آشنا باشد تا حق این مکان را به شیوه شایسته به جای بیاورد و در دسته زائران حقیقی بیت الهی و آبادکنندگان حقیقی آن قرار بگیرد.



۳. آداب مسجد

الف) آداب رفتن به مسجد

۱) پوشیدن لباس پاکیزه و شایسته

هر فردی برای رفتن به میهمانی لباس نو، پاکیزه و مناسب به تن می‌کند. رعایت این امر از یک سو برای حفظ حرمت و شخصیت خود فرد است و از سوی دیگر برای نگه داشتن حرمت میزبان است. مسجد رفتن در حقیقت، رفتن به میهمانی الهی است و مطابق روایات یکی از آداب آن، پوشیدن لباس پاک و پاکیزه است.

امام حسن مجتبیٰ علیه السلام بهترین جامه‌های خود را هنگام نماز در بر می‌کردند و می‌فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ، فَأَتَجَمَّلُ لِرَبِّي وَهُوَ يَقُولُ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ، فَأُحِبُّ أَنْ أَلْبَسَ أَجْوَدَ ثِيَابِي»^۱؛

خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد. خداوند امر فرموده که با زینت‌های خود در مساجد حاضر شوید. به این جهت خود را در پیشگاه الهی زینت می‌کنم و دوست دارم بهترین جامه‌هایم را بپوشم.

ابوبصیر می‌گوید: از امام ششم علیه السلام در مورد سخن خدای تعالی ﴿خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾^۲ پرسیدم. حضرت فرمودند:

«هُوَ الْمَشْطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ فَرِيضَةٍ وَ نَافِلَةٍ»^۳؛

منظور، شانه زدن در هر نماز واجب و مستحب است.

امام رضا علیه السلام نیز ذیل این آیه فرمودند:

«هی الثیاب»^۴؛

مراد از زینت، لباس است.

۲) پرهیز از رفتن با دهان بد بو

یکی از اموری که در دین اسلام نسبت به رعایت آن بسیار سفارش شده است پرهیز از آزار دیگران است.^۵ بوی بد دهان، از مصادیق روشن، آزار دیگران است؛ هرچند خود شخص

۱. کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۱۴، شیخ عبّاشی.

۲. اعراف: ۳۱.

۳. کتاب التفسیر، ج ۲، ص ۱۳، شیخ عبّاشی.

۴. همان، ص ۱۲.

۵. الأمالی، ص ۵۷۳، شیخ صدوق.

چنین قصدی نداشته باشد. گاهی بسته نگاه داشتن دهان نیز مانع از خروج بوی بد از آن نیست. در چنین مواقعی شایسته است از حضور در مکان‌های عمومی مانند مسجد خودداری شود و به خاطر یک امر مستحب، مرتکب آزار دیگران نشویم. از امیر مؤمنان علیه السلام نقل شده که به اصحاب خود فرمودند:

«مَنْ أَكَلَ شَيْئاً مِنَ الْمُؤَذِيَاتِ رِيحُهَا فَلَا يَقْرَبَنَّ الْمَسْجِدَ»؛

هر کس چیزی بدبو و آزاردهنده‌ای خورده، از نزدیک شدن به مسجد خودداری کند.

یکی از اصحاب امام صادق علیه السلام از ایشان در مورد خوردن پیاز سؤال کرد. آن حضرت در پاسخ فرمودند:

خوردن آن - چه به صورت پخته و چه خام - اشکالی ندارد ولی اگر قدری از آن بخورد که بوی حاصل از آن آزاردهنده باشد، نباید به مسجد برود؛ زیرا ممکن است دیگران را بیازارد.^۲

۳) با طهارت بودن

از امام صادق علیه السلام نقل است که:

«عَلَيْكُمْ بِإِيْتَانِ الْمَسَاجِدِ؛ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ. وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّراً طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ...»^۲؛

به مساجد بیايید؛ زیرا آن‌ها خانه‌های خدایند در زمین و هر که با طهارت وارد آن‌ها شود، خدا از گناهان پاکش کند و او را از زائران خود بنویسد.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۵، شیخ طوسی.

۲. در برخی روایات از آن حضرت در مورد خوردن «سیر» پرسش شده است و آن حضرت جواب مشابهی داده‌اند. علل الشرائع، ج ۲، ص ۵۲۰، شیخ صدوق.

۳. الأمالی، ص ۳۵۹، شیخ صدوق.

ب) آداب ورود به مسجد

۱) خواندن دعاهای وارد شده

شایسته است نمازگزار با نزدیک شدن به مسجد و هنگام قدم گذاردن به آن دعاهای وارد از اهل بیت علیهم السلام را بخواند. این دعاها شامل مضامینی چون اظهار خضوع و خشوع، درخواست رحمت و گشایش الهی و بسته شدن درهای گناه، و پذیرش نمازگزار به عنوان زائر خدا است و مقدمه‌ای برای حضور قلب در هنگام عبادت به شمار می‌رود. از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است:

«أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ إِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ قَالَ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ، فَإِذَا خَرَجَ قَالَ: اللَّهُمَّ افْتَحْ لِي أَبْوَابَ رِزْقِكَ»؛

رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی می‌خواست وارد مسجد شود می‌گفت: خدایا! درهای رحمتت را به روی من بگشای. و چون می‌خواست از مسجد خارج گردد می‌گفت: خدایا! درهای روزیت را به روی من بگشای.

۲) ورود با پای راست

از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمودند:

«الْفَضْلُ فِي دُخُولِ الْمَسْجِدِ أَنْ تَبْدَأَ بِرِجْلِكَ الْيَسْنَى إِذَا دَخَلْتَ، وَ بِالْيَسْرَى إِذَا خَرَجْتَ»؛^۲

بهبتر آن است که در هنگام ورود به مسجد پای راستت را بر پای چپ مقدم بداری و در هنگام خروج از مسجد ابتدا پای چپ را.»

۱. الأملی، ص ۵۹۶، شیخ طوسی.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۱۳۵، شیخ کلینی.

ج) آداب حضور در مسجد

۱) رو به قبله نشستن

رو به قبله نشستن در مسجد اختصاص به نماز ندارد؛ بلکه در تمام لحظات حضور در مسجد رو به قبله بودن بهتر است. از حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام روایت شده است که: از سنت است هنگامی که در مسجد نشستی رو به قبله باشی.^۱

۲) خواندن نماز تحیت

ابوذر می‌گوید: روزی بر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد شدم در حالی که ایشان در مسجد تنها نشسته بود، و خلوت او را غنیمت شمردم [و به سوی او رفتم]. آن حضرت با دیدن من فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! لِلْمَسْجِدِ حَيَّةٌ. قُلْتُ: وَمَا حَيَّتُهُ؟ قَالَ رُكْعَتَانِ تَرَكَّهُمَا...»^۲.

ای اباذر! مسجد سلام و درودی (مخصوص به خود) دارد. عرض کردم: سلام و درود مسجد چیست؟ فرمودند: دو رکعت نماز که به جای آوری.

۳) نظافت و پاکیزه کردن مسجد

خداوند به ابراهیم و اسماعیل فرمان داد که کعبه را تطهیر کنند:

﴿وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ﴾^۳

و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: «خانه مرا برای طواف‌کنندگان و معتکفان و رکوع و سجودکنندگان پاکیزه کنید!»

۱. دعائم الإسلام، ج ۱، ص ۱۴۸، قاضی نعمان مغربی.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۲۳، شیخ صدوق.

۳. بقره: ۱۲۵.

مساجد هم به عنوان خانه خدا و هم شعبه‌های کعبه سزاوار پاکیزگی و نظافت هستند. از پیامبر خدا ﷺ نقل شده است:

«مَنْ كَنَّسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْحَمِيسِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ التُّرَابَ قَدَرًا مَا يُدْرَى فِي الْعَيْنِ غُفْرَةً!»^۱

هر کس روز پنجشنبه مسجد را جارو کند و به اندازه سرمه چشم خاک از مسجد بیرون برد، آمرزیده می‌شود.

همچنین ناگفته پیداست که شستن پاها پیش از ورود به مسجد به پاکیزگی و بهداشت آن می‌افزاید.

۴) ادب سلام دادن

شرط لازم برای عبادت، حضور قلب و توجه به مضمون‌های آن است، از این رو لازم است که از آنچه به این توجه و حضور قلب آسیب می‌زند، اجتناب کنیم؛ برای مثال سلام کردن به کسانی که در مسجد مشغول نمازند، توضیه نشده است. امام صادق ع از پدرشان روایت کرده که فرمودند:

«هنگامی که وارد مسجد شدی و مشاهده کردی دیگران مشغول نماز هستند به ایشان سلام نکن؛ بلکه بر پیامبر خدا ﷺ سلام ده! و سپس وارد نماز شو، و هرگاه در مسجد بر کسانی وارد شدی که نشسته‌اند و مشغول گفت‌وگو هستند به ایشان سلام کن»^۲.

۱. ثواب الاعمال، ص ۳۱، شیخ صدوق.

۲. قرب الإسناد، ص ۹۴، شیخ ابوالعباس حمیری.

۵) ترک امور لغو و مسائل دنیوی

روشن است که انسان با انگیزه تقرب به خدای متعال و جلب رضایت و رحمت و پاداش او عبادت می‌کند. از این رو شایسته است از فرصتی که خدا در اختیار او نهاده، بهترین استفاده را ببرد و در مسجد از پرداختن به مسائلی که با عبادت ناسازگار است - کارهای حرام و امور لغو و باطل - پرهیز کند. از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

«الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ انْتِظَارًا لِلصَّلَاةِ عِبَادَةٌ مَا لَمْ يُحَدِّثْ. قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا يُحَدِّثُ؟ قَالَ الْإِغْتِيَابُ»؛

نشستن در مسجد به انتظار نماز تا وقتی که کاری نکند عبادت است. گفته شد یا رسول الله! چه کاری انجام ندهد؟ فرمودند: غیبت کردن.

همچنین آن حضرت فرمودند:

«يَا أَبَا ذَرٍّ! كُلِّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لَعْنٌ إِلَّا ثَلَاثَةً؛ قِرَاءَةٌ مُصَلٍّ أَوْ ذِكْرُ اللَّهِ أَوْ سَائِلٌ عَنِ عِلْمٍ»؛

ای ابا ذر! هر نشستن در مسجد بیهوده است مگر برای سه چیز: نماز خواندن، ذکر خدا و فرآیندی دانش.

کسانی که آداب مسجد را رعایت نمی‌کنند نه تنها خود را از برکات حضور در مساجد محروم می‌کنند بلکه با ایجاد مزاحمت برای دیگران حقوق آن‌ها را نیز پایمال می‌کنند.

د) آداب خروج از مسجد

۱) دعا کردن

از امیر مؤمنان علیه السلام روایت است که هنگام خروج از مسجد بگویید:

۱. الکافی، ج ۲، ص ۳۵۷، شیخ کلینی.

۲. همان.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْتَحْ لَنَا بَابَ رَحْمَتِكَ!»^۱

خداوندا بر محمد و آل او درود فرست و در رحمت خود را به روی ما بگشا!

۲) مقدم داشتن پای چپ

از امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَامُ روایت است که:

«إِذَا خَرَجَ فَلْيُخْرِجْ رِجْلَهُ الْيَسْرَى قَبْلَ الْيُمْنَى»^۲:

موقع بیرون رفتن از مسجد پای چپ را جلو بگذارد.

پرسش‌ها

۱. مباحث اصلی درس را به صورت نموداری ترسیم کنید.
۲. خواندن دعا هنگام ورود به مسجد چه اهمیتی دارد. این دعاها شامل چه مضامینی هستند؟
۳. چه عملی مصداق تحیت مسجد است؟
۴. چرا سلام کردن به کسانی که در مسجد در صف جماعت ایستاده‌اند مکروه است؟
۵. جنبه اجتماعی آداب مسجد را برشمارید.
۶. توضیح دهید «ترک امور لغو» از چه جهت با فلسفه حضور در مسجد ناسازگار است؟
۷. مساجد خدا چگونه آباد می‌شوند؟
۸. آداب رفتن به سوی مسجد، آداب حضور و خروج از آن را نام ببرید.

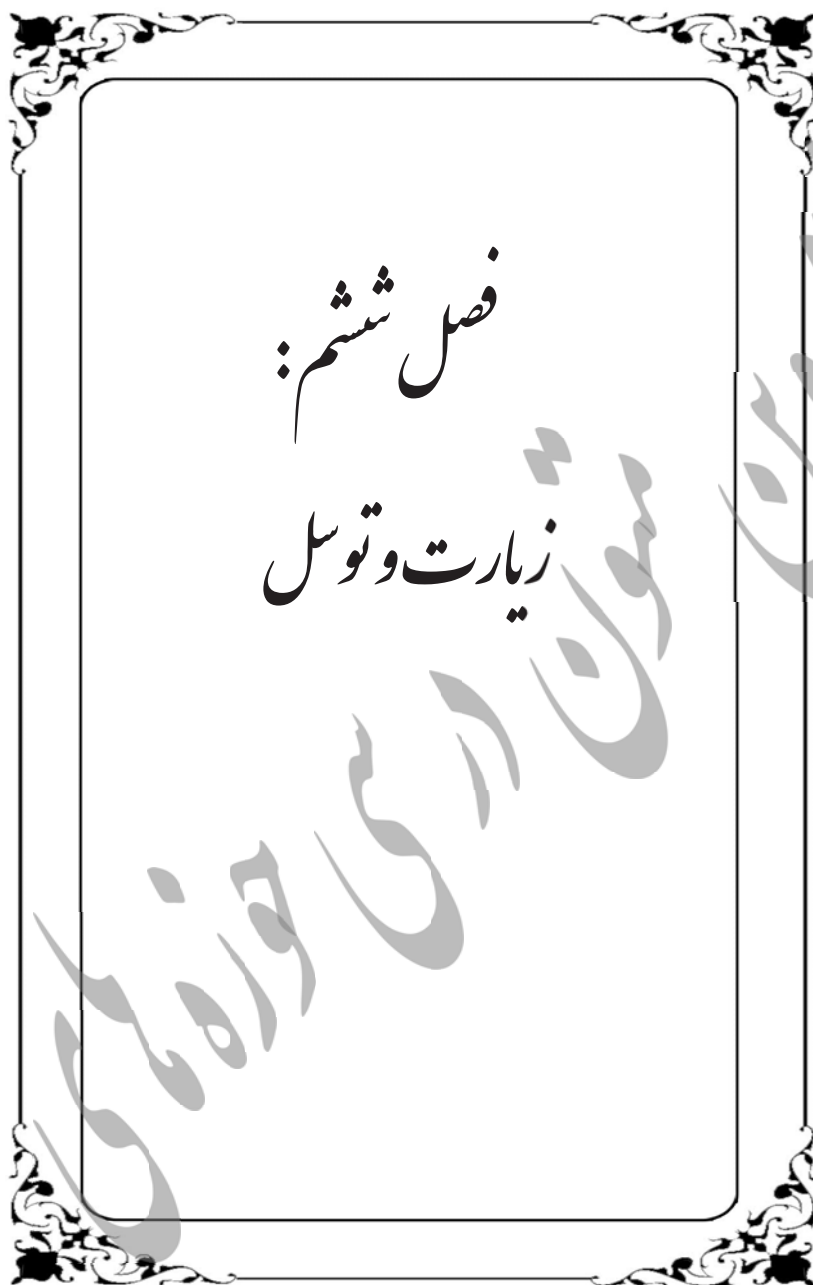
۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۴۰، شیخ صدوق.

۲. همان.

فصل ششم:

زیارت و توسل

عظیم



دستم در زمین
مستون درسی حوزه‌های علمی

درس چهاردهم

اگر در حق کسی بدی کرده باشیم و در مقابلش از مسیر ادب خارج شده باشیم، برای جبران آن، فردی آبرومند را نزد او واسطه می‌کنیم. در مسیر بندگی نیز، انسان خطاکار نیازمند آن است که فردی آبرومند را نزد خداوند واسطه کند، لذا پس از بیان برخی از مهم‌ترین آداب بندگی نظیر تلاوت کلام خداوند، لازم است با ادب حضور در پیشگاه اهل بیت علیهم‌السلام آشنا شویم. زیارت اهل بیت علیهم‌السلام چه در زمان زیستن آن‌ها و چه پس از آن، آثار فراوانی دارد که از جمله آن‌ها، پاک شدن از گناهان و مشمول رحمت الهی شدن، درمان دردها و بیماری‌ها، افزایش محبت‌ها به اهل بیت علیهم‌السلام، طی کردن مدارج کمال و بهره‌مندی از شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام است. در این درس ابتدا به تبیین جایگاه زیارت و توسل از دیدگاه اندیشمندان فرق اسلامی و سپس به بیان آثار زیارت از دیدگاه اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازیم.



۱. جایگاه زیارت و توسل در معارف اسلامی

زیارت اولیای الهی - به ویژه اهل بیت پیامبر ﷺ - از رایج ترین مناسک شیعه محسوب می شود. این امر در بین عموم مسلمانان نیز رایج است؛ ولی به لحاظ گستره، فراوانی، نوع مواجهه و اهتمام، قابل مقایسه با مراسم شیعیان نیست. پرسش مهم این است که علت این همه اهتمام شیعیان به زیارت و توسل چیست؟

پیش از هر چیز، لازم است به این نکته توجه کنیم که زیارت و توسل یک امر نوظهور نیست؛ زیرا برگرفته از قرآن کریم است و از صدر اسلام وجود داشته است. آیاتی از قرآن کریم توسل به پیامبر ﷺ و شفاعت آن حضرت را بیان می کند. در سوره مبارکه نساء می فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَعْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا﴾^۱؛

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود. و اگر این مخالفان، هنگامی که به خود ستم می کردند (و فرمان های خدا را زیر پا می گذاشتند)، به نزد تو می آمدند و از خدا طلب آمرزش می کردند و پیامبر هم برای آنها استغفار می کرد، حتماً خدا را توبه پذیر و مهربان می یافتند.

همچنین قرآن کریم می فرماید:

﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّا رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْنَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ﴾^۲

۱. نساء: ۶۴.

۲. المنافقون: ۵.

هنگامی که به آنان گفته شود: «بیایید تا رسول خدا برای شما استغفار کند» سرهای خود را (از روی استهزاء و کبر و غرور) تکان می‌دهند؛ و آنها را می‌بینی که از سخنان تو اعراض کرده و تکبر می‌ورزند!¹.

در کتاب سنن دارمی - از منابع مهم اهل سنت - نیز به صراحت آمده است: زمانی که مدینه بر اثر خشکسالی دچار قحطی شدید شد، مردم به حضور عایشه آمده از وی استمداد کردند. عایشه دستور داد با توسل به پیامبر ﷺ و قبر وی از خدا بارش باران را درخواست کنند.².

شیعیان، زیارت، توسل و بوسه بر مزار اهل بیت را عبادت و بندگی آن‌ها نمی‌دانند؛ بلکه این کارها را به فرمان خدا و به نیت تقرب به حضرت حق انجام می‌دهند.³. حتی بر اساس متون اهل سنت نیز، مشروعیت این عمل ثابت است. در این متون به صراحت گفته شده که نه تنها بوسه زدن بر دست پیامبر ﷺ، بلکه بوسیدن دست صحابه پیامبر به نیابت از آن حضرت نیز مشروع و نیک است.⁴.

نکته دارای اهمیت، وجود روایت‌هایی از اهل سنت است در مورد مسح قبر پیامبر ﷺ به وسیله فرشتگان و مالیدن بال‌های خود به مرقد آن حضرت.⁵. از دیدگاه برخی صاحب نظران اهل سنت، زیارت و توسل به نبی اکرم ﷺ نه تنها جایز که کوتاهی در آن نکوهیده است. دارمی، برای اثبات جواز زیارت قبر رسول اکرم ﷺ ادعای اجماع

۱. البته آیات دیگری همچون آیه ۱۵۹ سوره آل عمران و ۶۲ سوره نور و ۱۲ سوره ممتحنه نیز به این معنا اشاره دارد.

۲. سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۳، دارمی.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲۲ - ۳۲۳، شیخ حر العالملی.

۴. الإخوان، ص ۱۹۷، ابن ابی الدنيا.

۵. سنن دارمی، ج ۱، ص ۴۳، دارمی.

کرده و با استناد به ادله اربعه، درصدد اثبات آن برآمده است: «علما برای اثبات مشروعیت زیارت رسول خدا ﷺ و بار سفر بستن برای آن، به کتاب و سنت و اجماع و قیاس استدلال کرده‌اند»^۱.

صالحی شامی، نیز بر این اعتقاد است که زیارت رسول اکرم ﷺ با استناد به کتاب و سنت و اجماع نه تنها جایز بلکه ضروری محسوب می‌شود.^۲ وی در جایی دیگر روایتی را از رسول اکرم ﷺ درباره ضرورت زیارت آن حضرت پس از وفاتش آورده است که به واسطه آن به زائران خود وعده شفاعت در قیامت می‌دهد.

عبدالله بن عمر می‌گوید رسول خدا ﷺ فرمودند:

هرکس به زیارت من بیاید و حاجتی غیر از زیارت من نداشته باشد، بر خود

واجب می‌دانم او را در روز قیامت شفاعت نمایم.^۳

به این ترتیب - با چشم پوشی از دیدگاه برخی از سلفی‌های پیرو ابن حنبل و ابن تیمیه - توسل، مورد اتفاق غالب اندیشمندان شیعه و سنی بوده و از صدر اسلام پسندیده شمرده شده است. بر اساس روایت‌های امامان معصوم علیهم‌السلام، زیارت آن‌ها علاوه بر آثاری که برای زائر دارد، از جمله حقوق اهل بیت علیهم‌السلام برگردن شیعیان می‌باشد که کوتاهی در آن ادا نکردن حق آن‌ها به شمار می‌آید. از امام رضا علیه‌السلام نقل است:

به تحقیق هر امامی بر عهده دوستان و پیروانش عهدی دارد، و از جمله

تمامیت وفای به این عهد و حسن ادای این حق، زیارت قبور آن‌ها است.

پس هرکس با رغبت به زیارت آن‌ها و اعتقاد به آنچه امامان به آن رغبت

۱. همان، ص ۴۲.

۲. سبل الهدی و الرشاد، ج ۱۲، ص ۳۸۰، الصالحی الشامی؛ توسل، ص ۲۷-۵۶، رضوانی.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۳۷۹؛ مبانی اعتقادی وهابیان، ص ۱۷۸-۱۷۹، رضوانی.

دارند، آن‌ها را زیارت کند، امامان در روز قیامت شفاعت‌کنندگان آن‌ها خواهند بود.^۱

از امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز نقل است که:

«وَأَمُّوا بِالْقُبُورِ الَّتِي أَلَزَمَكُمُ اللَّهُ حَقَّهَا وَزِيَارَتَهَا وَاطْلُبُوا الرِّزْقَ عِنْدَهَا»^۲؛

در برابر قبوری که خداوند متعال حق و زیارت آن را بر شما واجب کرده است، پافشاری کنید و روزی خود را در پیش آن درخواست کنید.

و از امام صادق علیه السلام نقل است که:

«إِذَا حَجَّ أَحَدُكُمْ فَلْيَخْتِمْ بِزِيَارَتِنَا لَأَنَّ ذَلِكَ مِنْ تَمَامِ الْحَجِّ»^۳؛

هرگاه یکی از شما حج به جا آورد، آن را به زیارت ما ختم کند، چون این کار باعث تمامیت حج اوست.

۲. آثار زیارت و توسل

زیارت اهل بیت علیهم السلام آثار گوناگونی دارد. برخی از مهم‌ترین آثار زیارت را به اجمال بررسی می‌کنیم:

۱. بخشش گناهان

یکی از بارزترین آثار زیارت اهل بیت علیهم السلام پاک شدن از گناهان و مشمول عفو و مغفرت الهی شدن است. ارتکاب گناهان، آثار فراوانی بر روح و روان انسان دارند و زمینه‌ساز دوری انسان از خدای متعال، سلب توفیق حرکت در مسیر کمال و سرانجام نیز گرفتار شدن به آتش جهنم می‌شوند. از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۶۷، شیخ کلینی.

۲. تحف العقول، ص ۱۰۶، ابن شعبه حرانی.

۳. علل الشرائع، ج ۲، ص ۴۵۹، شیخ صدوق.

هرکس مزار امیرمؤمنان علی علیه السلام را با معرفتی که سزاوار اوست زیارت کند - نه با خودبزرگی و خودبرتربینی - خداوند برای او پاداش هزار شهید قرار داده، گناهان گذشته و آینده او را می‌آمرزد و او را با اهل ایمان برمی‌انگیزد. حسابرسی را بر او آسان خواهد کرد و فرشتگان به پیشواز او خواهند رفت؛ پس هرگاه از زیارت برگردد، او را تا خانه‌اش همراهی خواهند کرد. اگر بیمار شود به عیادتش خواهند رفت و اگر فوت کند او را تا مزارش با استغفار همراهی خواهند نمود.^۱

۲) تقویت محبت به پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام

از دیگر آثار توسل، محکم شدن رابطه عاطفی فرد و افزایش محبت او به اهل بیت علیهم السلام است. انسان هم خواهان محبت ورزیدن و هم مشتاق محبوب بودن است و اگر مسیر صحیحی پیش پای او قرار گیرد که از آن راه بتواند این دو نیاز را از راه درست تأمین کند، به طور طبیعی به آن دل خواهد بست. از امام صادق علیه السلام نقل است:

هنگامی که روز رستاخیز فرارسد، منادی ندا می‌کند: «زیارت‌کنندگان حسین بن علی کجایند؟» گروهی از مردم - که شمارشان را جز خدا نمی‌داند - برمی‌خیزند. خداوند متعال می‌فرماید: «از زیارت قبر حسین علیه السلام چه می‌خواستید؟» می‌گویند: «ای پروردگار! به خاطر محبت به رسول خدا و محبت به علی و فاطمه و مهربانی به او [حسین بن علی] از آنچه (ظلمی) که بر او روا داشته شد، نزد قبر او آمدیم». پس به آن‌ها گفته می‌شود: «اینها محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین هستند، پس به آن‌ها پیوندید، و با آن‌ها و در درجه آن‌ها باشید، به پرچم رسول خدا پیوند بخورید».

۱. بشارة المصطفی صلی الله علیه و آله، ج ۲، ص ۱۰۹، عماد الدین محمد طبری املی.

پس آن‌ها در سایه آن پرچمی که در دست علی علیه السلام است به سر می‌برند تا همگی وارد بهشت شوند؛ آنان در پیش و راست و چپ و پشت آن پرچم خواهند بود.^۱

۳) تقرب به آستان ربوبی و مقام محمود

شاید مهم‌ترین اثر زیارت، عروج انسان به ملکوت و پیمودن مدارج کمال از راه قرارگرفتن در میدان جاذبه ولایت و صعود به مقام محمود با دستگیری اهل بیت علیهم السلام است. از امام صادق علیه السلام آورده‌اند که:

خداوند عزوجل فرشتگان گمارده شده‌ای بر قبر حسین علیه السلام دارد، پس هرگاه کسی تصمیم به زیارت او بگیرد، خداوند گناهانش را در اختیار آن فرشتگان قرار می‌دهد، و هنگامی که گام بر می‌دارد فرشتگان گناهان او را محو می‌کنند، و در گام‌های بعدی بر حسنات او می‌افزایند، و پیوسته بر حسناتش افزوده می‌شود تا این که بهشت را برای او واجب می‌گرداند. سپس آن فرشتگان او را در بر می‌گیرند و او را پاک می‌کنند و به فرشتگان آسمان ندا می‌دهند: «زائران قبر حبیب حبیب خدا را پاک کنید!» پس هنگامی که زائران غسل کنند [حضرت] محمد صلی الله علیه و آله به آنان ندا می‌دهد: «ای مهمانان خدا! مژده باد بر شما به همنشینی با من در بهشت.» سپس امیرمؤمنان علیه السلام به آنان ندا می‌دهد: «من ضامن حاجت‌های شما و بر طرف کردن بلاها از شما در دنیا و آخرتم.» سپس فرشتگان از راست و چپ آنان را در بر می‌گیرند تا این که به خانه‌هایشان بازگردند!^۲

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۴۱، شیخ ابن قولویه قمی.

۲. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، صص ۹۱-۹۲، شیخ صدوق.

از رسول خدا ﷺ نقل شده که فرمودند:

ای علی! هرکس در حیات یا پس از رحلت مرا زیارت کند، یا تو را در حیات و یا پس از رحلت زیارت کند، و یا دو فرزندت را در حیات یا پس از رحلتشان زیارت کند، ضمانت می‌کنم که او را در روز رستاخیز از هراس‌ها و سختی‌ها رهایی بخشم تا این که او را در درجه خود قرار دهم.^۱

نکته مهم آنکه محشور بودن با اهل بیت علیهم‌السلام صرفاً به معنای حضور فیزیکی در کنار آنها نیست، بلکه ویژگی فوق‌العاده‌ای دارد که از درک عقول عادی فراتر است به گونه‌ای که در برخی از روایت‌ها نقل شده، در روز قیامت وقتی حقیقت نورانی امام حسین علیه‌السلام برای اهل بهشت ظاهر شود، همه اهل بهشت از شدت نور وجود او مدهوش می‌گردند.

۴) بهره‌مندی از شفاعت

از دیگر آثار زیارت، بهره‌مندی از شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام در روز قیامت است. بدون شفاعت، باریابی به بهشت و مراتب عالی آن برای بسیاری از مؤمنان امکان‌پذیر نیست؛ البته برای رسیدن به شفاعت، عمل به فرمان‌های الهی و پرهیز از گناهان کبیره ضروری است؛ ولی باید در کنار این موضوع، زمینه‌های دیگری را نیز برای بهره‌مندی از شفاعت فراهم کرد که از مهم‌ترین آنها زیارت اهل بیت علیهم‌السلام است. از رسول خدا ﷺ نقل شده است:

«مَنْ أَتَانِي زَائِرًا كُنْتُ شَفِيعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ»^۲:

هرکس به زیارت من بیاید، من در روز قیامت شفیع او خواهم بود.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۷۹، شیخ کلینی.

۲. همان، ص ۵۴۸.

از ابن ابی نجران نقل است: «به امام جواد علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم کسی که آگاهانه به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله برود، چه پاداشی دارد؟ آن حضرت فرمودند: بهشت برای او است.^۱ در برخی منابع - با مضمون مشابهی - این امر منوط به خواست الهی شده است. از امام جواد علیه السلام درباره کسی که آگاهانه به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله برود پرسیده شد. آن حضرت فرمودند:

«يُدْخِلُهُ اللهُ الْجَنَّةَ إِنْ شَاءَ اللهُ»^۲:

اگر خدا بخواهد او را وارد بهشت خواهد کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که:

خداوند تبارک و تعالی برای زیارت‌کنندگان مزار امام حسین علیه السلام پیش از اهل عرفات تجلی می‌کند و حاجاتشان را برآورده می‌کند، و گناهانشان را می‌آمرزد و خواسته‌هایشان را ضمانت می‌کند. آنگاه به اهل عرفات رو می‌کند و همان کار را در مورد آن‌ها تکرار می‌کند.^۳

در برخی از روایت‌ها بر این حقیقت تأکید شده است که اگر کسی به زیارت اهل بیت علیهم السلام طعنه زند و از زائران آن‌ها عیب‌جویی کند، از شفاعت رسول اکرم صلی الله علیه و آله محروم خواهد شد. رسول خدا صلی الله علیه و آله خطاب به امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

ای ابوالحسن! هرکس قبرهای شما را زیارت کند، این کار با پاداش هفتاد حج - پس از حج واجب - برابری می‌کند و هنگامی که از زیارت شما برگردد از گناهانش خارج می‌شود، درست مثل کودکی که از مادر متولد می‌شود.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۲، شیخ ابن قولویه قمی .

۲. همان .

۳. همان، ص ۱۶۵.

پس مزده بگیر و به دوست دارانت مزده آن نعمت‌ها و چشم‌روشنی‌ها را بده که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر دل کسی خطور کرده است؛ ولی شماری از مردم پست، بر زیارت‌کنندگان قبور شما عیب می‌گذارند... این عیب‌جوها بدترین افراد امت من هستند. خدا شفاعت من را به آن‌ها نرساند و آن‌ها با من وارد حوض نخواهند شد.^۱

۵) برآورده شدن حاجات

توسل به اهل بیت علیهم‌السلام که واسطه‌های فیض الهی و وسیله پیوند بین زمین و آسمان هستند علاوه بر افزایش توان روحی فرد برای مواجهه با مشکلات، در برطرف شدن آن‌ها با دستان با کفایت این مقربان درگاه الهی بسیار مؤثر است. از امام باقر علیه‌السلام نقل شده است که فرمودند:

هیچ مسافری نیست که به قبر امام علی علیه‌السلام یا امام حسین علیه‌السلام بیاید و نماز بگذارد و نیازی از خدا درخواست کند، جز آنکه خدا آن را برایش برآورده سازد و هر روز هزار فرشته او را در بر می‌گیرند.^۲

امیر مؤمنان علیه‌السلام نیز فرموده است:

من ضامن برآورده شدن نیازهای شما و دور کردن بلا از شما در دنیا و آخرت هستم.^۳

۱. ارشادالقلوب، ج ۲، ص ۴۴۱، محدث دیلمی.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۱۶۸، شیخ ابن قولویه قمی.

۳. همان، ص ۱۵۳.

۶) شفا یافتن

از دیگر آثار زیارت، درمان دردها به خصوص دردهای بی‌درمان است. این موضوع هم در دعاها و زیارات اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده و هم به تجربه ثابت شده است. از امام صادق علیه‌السلام نقل است که:

«حَسْبُ نَقُولُ بَطْهَرِ الْكُوفَةِ قَبْرَ لَا يُلَوِّدُ بِهِ دُوعَاهَةَ إِلَّا شَفَاهُ اللَّهُ!»^۱

ما اعتقاد داریم که در پشت کوفه مزاری هست که هیچ بلازده و آفت‌دیده‌ای به آن پناه نمی‌برد، جز آنکه خداوند او را شفا می‌دهد.

نمونه‌های بسیاری از شفا یافتن افراد بر اثر توسل در کتاب‌های مربوط به کرامات اهل بیت علیهم‌السلام و امامزادگان گردآوری شده است.

۷) افزایش روزی و طولانی شدن عمر

از دیگر آثار زیارت اهل بیت علیهم‌السلام - مخصوصاً امام حسین علیه‌السلام - زیاد شدن روزی و طولانی شدن عمر است. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که:

زیارت امام حسین علیه‌السلام را رها نکن و همراهانت را نیز به آن سفارش کن! انجام آن را به آن‌ها دستور بده که با این کار، خداوند عمرت را طولانی می‌سازد و روزی‌ات را زیاد و زندگی تو را با خوش‌بختی همراه می‌کند. جز به شهادت نمی‌میری و خدای متعال تو را در زمره رستگاران قرار می‌دهد.^۲

نکته مهم اینکه بهره‌مندی از آثار زیارت اهل بیت علیهم‌السلام شرط‌هایی دارد که در صورت برآوردن آن‌ها، آن آثار، پدید خواهد آمد. در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام، برخی از شرایط زیارت

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۳۴، شیخ طوسی.

۲. کامل‌الزیارات، ص ۱۵۲، شیخ ابن قولویه قمی.

مقبول را پرهیز از ریاکاری، دوری از رفتارهایی که موجب وهن اهل بیت علیهم السلام یا کوچک شمردن مقام آن‌ها شود برشمرده‌اند. از امام صادق علیه السلام نقل است:

هرکس زیارت قبر امام حسین علیه السلام را نه از روی سرمستی و خودنمایی و نه به خاطر شهرت اراده کند، چنان گناهان او فرو می‌ریزد که گویی پیراهنی چرکین در آب فرو می‌رود.....^۱

پرسش‌ها

۱. در تاریخ اسلام زیارت و توسل چه سابقه‌ای دارد؟ با ذکر مستندات توضیح دهید.
۲. زیارت و توسل از چه جایگاه و اهمیتی برخوردار است؟ با ذکر نمونه‌هایی آن را تحلیل کنید.
۳. آثار زیارت و توسل در زندگی دنیوی انسان چیست؟
۴. تأثیر زیارت بر رابطه فرد با اهل بیت علیهم السلام را تحلیل کنید.
۵. آثار اخروی زیارت و توسل را بیان کنید.
۶. با یک روایت بیان کنید توسل به اهل بیت علیهم السلام و زیارت آنان چه نقشی در تقرب به خدا می‌تواند داشته باشد؟

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۴۴، شیخ طوسی.

درس پانزدهم

زیارت اهل بیت علیهم السلام در حقیقت ورود به بارگاه واسطه‌های فیض و تشریف به مقدس‌ترین مکان‌ها و توفیق درک حضور پاک‌ترین و شریف‌ترین بندگان خدا است. به این ترتیب اگر فردی درصدد بازشدن درهای رحمت الهی و تابش انوار ربوبی به وجود خود باشد، می‌باید زمینه این لطف و رحمت بی‌کران را از طریق رعایت آداب لازم جهت این تشریف فراهم کند.

بنابراین بعد از آشنایی با جایگاه زیارت و آثار آن، در این درس به تبیین برخی از مهم‌ترین آداب زیارت اهل بیت علیهم السلام می‌پردازیم.



۳. آداب زیارت و توسل

در آداب زیارت، احادیث فراوانی نقل شده که برخی از آن‌ها به یک ادب اشاره می‌کنند و برخی به چند ادب. ابتدا یکی از روایت‌های جامع را نقل می‌کنیم.

محمد بن مسلم می‌گوید به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: هرگاه به زیارت پدر بزرگوارتان (امام حسین علیه السلام) می‌رویم آیا به همان گونه که به حج می‌رویم، باشیم؟ حضرت

فرمودند: بلی. عرض کردم: پس آنچه بر حاجی لازم است بر ما نیز لازم است؟ حضرت فرمودند:

«لازم است با همراہانت برخورد خوب و درست داشته باشی. جز در خوبی‌ها و یاد فراوان خدا، کمتر سخن گویی. پیش از آمدن به حایر، پوشش پاک و غسل بر تو لازم است. نرم دلی و نماز بسیار و درود فرستادن بر محمد ﷺ و خاندانش بر تو لازم است. باید که درگرفتن و دریافت چیزی که حق تو نیست وقار و طمأنینه داشته باشی. بر تو لازم است چشمت را ببوشی. سزاوار است هرگاه دیدی یکی از برادرانت در راه مانده، پیش او بازگردی و خود را با او هماهنگ کنی. همچنین تقیه - که استواری دینت به آن وابسته است - و ورع نسبت به آنچه از آن نهی شده‌ای و نیز پرهیز از دشمنی و سوگند و بگو مگو کردن - که زمینه سوگندهاست - بر تو لازم است؛ پس هرگاه به آن سفارش‌ها پرداختی، حج و عمره‌ات کامل می‌شود و از سوی کسی که هزینه‌ات را از او درخواست کرده‌ای و دوری از خانواده ات را از او خواسته‌ای و با رغبت به آن، به آمرزش، مهرورزی و خرسندی گرایش پیدا کرده‌ای، شایستگی پیدا می‌کنی»^۱.

در این روایت به دو دسته از آداب زیارت اشاره شده است: دسته اول، آدابی که رعایت آن در مصاحبت با همراہان سفر لازم است؛ نظیر برخورد خوب و برآوردن نیاز آنان. دسته دوم، آدابی که هنگام ورود به آستان‌های مقدس رعایت آن بایسته است. نظیر یاد خدا، پاک بودن پوشش، غسل، وقار، دعا و درود فرستادن بر اهل بیت علیهم‌السلام. این بخش از آداب نیز به چند دسته تقسیم می‌شود: آداب ناظر به زیارت در زمان‌های خاص، آداب پیش از تشریف به حرم اهل بیت علیهم‌السلام، و آداب هنگام زیارت.

۱. کامل‌الزیارات، ص ۱۳۰، شیخ ابن قولویه قمی.

اکنون تنها به توضیح دسته دوم می‌پردازیم و بیان آداب دسته اول را به «آداب اجتماعی» (بخش آداب سفر) وامی‌گذاریم.

۱) زیارت در ایام خاص

گرچه زیارت اهل بیت علیهم‌السلام در هر زمان، آثار و برکات زیادی دارد ولی در ایام خاص ارزش بیشتری دارد؛ مثلاً در برخی از روایت‌ها زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز اربعین «از نشانه‌های مؤمنان» به شمار آمده و بر آن تأکید شده است. از امام حسن عسکری علیه‌السلام نقل شده است:

نشانه‌های مؤمن پنج چیز است: خواندن پنجاه رکعت نماز، زیارت اربعین، انگشتر در دست راست کردن، پیشانی بر خاک مالیدن و بسم الله الرحمن الرحیم را آشکارا و بلند گفتن.^۱

این نکته در مورد زیارت امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا و زیارت اهل بیت علیهم‌السلام در ایام ولادت و وفات آن‌ها نیز مورد تأکید قرار گرفته است. از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است:

«مَنْ زَارَ قَبْرَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه‌السلام يَوْمَ عَاشُورَاءَ عَارِفًا بِحَقِّهِ كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ تَعَالَى فِي عَرْشِهِ»^۲؛

هرکس قبر امام حسین علیه‌السلام را در روز عاشورا زیارت کند در حالی که به او شناخت دارد، مانند کسی است که خداوند عزوجل را در عرش الهی زیارت کرده است.

۱. تهذیب الاحکام، ج ۶، ص ۵۲، شیخ طوسی.

۲. همان، ص ۵۱.

همچنین بر زیارت آن حضرت در شب جمعه و شب و روز اول ماه‌های رجب، شعبان، رمضان و شوال و نیز شب نیمه و شب آخرین ماه‌ها و شب‌های قدر و نیز در شب و روز عرفه و شب دهم ذی حجه تأکید شده است.

همچنین زیارت رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در شب مبعث و زیارت امیرمؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام در شب عید غدیر و یا زیارت اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام در هر یک از ایام هفته که منسوب به آنان است اهمیت بسیار دارد.

۲) نِظَافَت و غَسَل

شرط ادب آن است که در هنگام تشریف به حرم اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام، زائر از آلودگی‌های ظاهری پیراسته باشد و با لباس تمیز و آراسته به حریم پاک ملائک قدم گذارد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام درباره زیارت امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند:

«إِذَا أَتَيْتَ الْفُرَاتَ فَاغْتَسِلْ وَ الْبَسْ ثَوْبَيْكَ الظَّاهِرِينَ»^۱

هرگاه کنار فرات آمدی، غسل کن و بعد، دو پیراهن پاکیزه‌ات را بپوش.

از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام در مورد چگونگی زیارت حضرت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هم نقل شده است:

«إِذَا دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ فَاغْتَسِلْ قَبْلَ أَنْ تَدْخُلَهَا أَوْ حِينَ تَدْخُلَهَا ثُمَّ تَأْتِي قَبْرِ

النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثُمَّ تَقُومُ فَتُسَلِّمُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ»^۲

هنگامی که داخل مدینه شدی، پیش از آنکه وارد شوی یا همزمان با

وارد شدن، غسل کن و سپس نزدیک قبر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیا، بایست و بر آن

حضرت سلام کن!

البته درباره سیدالشهداء عَلَيْهِ السَّلَام، بر زیارت آن حضرت با «حالت خاک‌آلود» نیز تأکید شده است

که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۹۸، شیخ صدوق.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۰، شیخ کلینی.

۳) حالت حزن

با توجه به اینکه اهل بیت پیامبر ﷺ همگی به شهادت رسیده‌اند، شایسته است زائر برای ابراز همدردی و بهره‌گیری از پاداش حزن و گریه بر اهل بیت ﷺ، با حالتی اندوهگین، رهسپار زیارت شود. شهادت مظلومانه سیدالشهداء ﷺ و یارانش اهمیت این اندوه را افزون می‌کند. در برخی از روایات، زیارت با سر و وضع غبارآلود و زبان تشنه و شکم گرسنه سفارش شده است. از امام صادق ﷺ نقل شده است:

هرگاه خواستی امام حسین ﷺ را زیارت کنی، آن حضرت را در حالی زیارت کن که اندوهگین و غم‌زده، آشفته و گردآلوده، گرسنه و تشنه هستی، چراکه حسین ﷺ با همین وضعیت و در همین حالت کشته شد.^۱

۴) اذن ورود

با توجه به مقام و مرتبه والای معصومان ﷺ، فرشتگان مقرب و ارواح انبیا برای تشریف به مزار امام حسین ﷺ از حضرت حق اذن می‌خواهند. از امام صادق ﷺ نقل شده که: هیچ ملک و پیامبری در آسمان‌ها نیست مگر آنکه از خدا می‌خواهد به او اجازه زیارت قبر حسین را دهد. پس همواره دسته بزرگی [از ایشان] فرود می‌آیند و دسته‌ای در حال عروج به آسمان‌اند.^۲

پس سزاوار است هنگام تشریف به حرم اهل بیت ﷺ از ایشان اجازه ورود بخواهیم و چه نیکوست که این اجازه همراه با شکستگی دل و جاری شدن اشک باشد که از نشانه‌های رضایت آن‌ها برای ورود است.

۱. ثواب الاعمال، ص ۸۸، شیخ صدوق.

۲. کامل الزیارات، ص ۲۷۲، شیخ ابن قولویه قمی.

به خوبی می‌دانیم که مقصود حقیقی از گرفتن اذن ورود، صرفاً اجازه ورود کالبد خاکی در چهاردیواری حرم مادی آنان نیست؛ زیرا نه حقیقت وجود ما این بدن عنصری است و نه حقیقت حرم آنان این فضای فیزیکی. باطن اذن ورود این است که حقیقت وجود ما به حریم حقیقی آنان بار یابد و شخصیت ما به منزلت آنان نزدیک گردد.

۵) سلام دادن به اهل بیت علیهم‌السلام

بهترین ادب زیارت، سلام دادن بر اهل بیت علیهم‌السلام هنگام ورود و خروج و یا سلام دادن از مکان دور است. صفوان بن یحیی از امام رضا علیه‌السلام درباره گذرکردن از بخش انتهایی مسجد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بدون سلام به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم سؤال کرد. آن حضرت فرمودند:

امام کاظم علیه‌السلام این کار را نمی‌کرد. گفتم: پس آن حضرت وارد مسجد می‌شد و از دور سلام می‌داد و نزدیک قبر نمی‌شد؟ فرمودند: نه. بعد فرمودند: هنگامی که وارد می‌شوی و هنگامی که بیرون می‌روی، و نیز از دور به آن حضرت سلام بده!

۶) پرهیز از مزاحمت برای دیگران

در آستان‌های مقدس باید حقوق سایر زائران به ویژه کودکان و سالمندان رعایت شود. اگر بوسیدن ضریح، موجب مزاحمت و آزار دیگران باشد شایسته نیست و باید از آن پرهیز کرد. سفیان ثوری از امام صادق علیه‌السلام پرسید: «پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در طواف خانه کعبه استلام حجر می‌فرمودند. چرا شما مطابق سنت پیامبر عمل نمی‌کنید؟» آن حضرت فرمودند:

«أَمَّا اسْتِلاَمُ الْحَجَرِ فَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم يُفَرِّجُ لَهُ وَ أَنَا لَا يُفَرِّجُ لِي»^۲.

زیرا برای پیامبر خدا راه را باز می‌کردند؛ اما برای من راه را باز نمی‌کنند.

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۵۲، شیخ کلینی.

۲. الأصول الستة عشر، ص ۱۶۷، گروهی از محدثان شیعه.

۷) سایر آداب

علاوه بر اینها مناسب است آداب زیر نیز رعایت شود:

عطر زدن، مقدم داشتن پای راست در وقت داخل شدن و پای چپ هنگام بیرون آمدن (مانند مساجد)، گفتن تکبیر در هنگام دیدن قبر مطهر پیش از آغاز خواندن زیارت، ایستادن در وقت خواندن زیارت هنگامی که عذری نیست، پشت به قبله و رو به قبور اهل بیت علیهم السلام ایستادن در وقت زیارت، استفاده از زیارات معتبر مانند امین الله و جامعه کبیره، گذاشتن گونه راست بر ضریح پس از فارغ شدن از زیارت و دعا کردن با حال تضرع، گذاشتن گونه چپ به ضریح و زیاد دعا کردن و خدا را به حق صاحب قبر قسم دادن برای بهره مندی از شفاعت آن امام بزرگوار، به جا آوردن نماز زیارت، تلاوت قرآن در کنار ضریح های مطهر و هدیه کردن ثوابش به آن روح مقدس زیارت شونده، توبه و استغفار از گناهان، زیارت به نیابت از دوستان و بستگان، شتاب کردن در بیرون آمدن از حرم - پس از بهره کافی از زیارت - برای بزرگداشت بیشتر امام معصوم و نیز داشتن اشتیاق بیشتر به بازگشت و وداع با امام معصوم در هنگام بیرون رفتن از شهر زیارتی^۱.

۴. توسل به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

امام زمان خلیفه و حجت خدا، انسان کامل و محور عالم است، و موجودات عالم به برکت وجود او روزی می خورند، و هر فیض مادی یا معنوی که به هر کسی می رسد به اراده و عنایت اوست:

«... الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمُهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي بِنَقَائِهِ بَقِيَتِ
الدُّنْيَا وَيُمِينُهُ رِزْقُ الْوَرَى وَبُجُودِهِ قَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ»^۲.

۱. ر.ک: بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۱۲۴، باب آداب الزیارة و أحكام الروضات، علامه مجلسی.

۲. زاد المعاد: ص ۴۲۳. علامه مجلسی.

کسب علوم و معارف، ارتباط با باطن حقایق عالم، تزکیه نفس و کمال معنوی نیز جز با تولی به ولایت او و توجه به ساختش امکان پذیر نیست. شیعه خصوصاً طلبه شیعه به عنوان خدمتگزار مکتب اهل بیت: و سرباز امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف موظف است با آن حضرت به صورت روزانه ارتباط داشته باشد و ابراز مودت و درخواست یاری کند. عرض سلام به آستان ولی معصوم، دعا برای فرج، مناجات و خلوت با آن حضرت، صدقه برای سلامتی ایشان و توسل به ذیل عنایت او از وظایف شیعیان در عصر غیبت است. در یکی از زیارت‌ها و توسل‌ها به آستان مقدس آن حضرت عرضه می‌داریم:

«سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ الثَّامَّةُ عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيَّتِهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسَلَاةِ التُّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعَثَرَةِ، وَالصَّفْوَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُطَهِّرِ الْإِيمَانِ، وَمُعَلِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، مُطَهِّرِ الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُتَنْظَرِ الْمُتَرْتَضَى، الظَّاهِرِ ابْنِ الْأَيْمَةِ الظَّاهِرِينَ، الْوَصِيِّ ابْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمُتَرْضِيَيْنِ، الْمُنَادِي الْمُهْدِيِّ ابْنِ الْأَيْمَةِ الْمُعْصُومِينَ... يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا، فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً وَمَقَامًا مَحْمُودًا، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ لِأَمْرِهِ وَارْتَضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِاللِّسَانِ الَّذِي بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهُ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي»!

پرسش‌ها

۱. مهم‌ترین آداب زیارت را بیان کنید.
۲. ایام خاصی را که در آن زیارت نبی مکرم صلی الله علیه و آله و سیدالشهداء علیه السلام سفارش شده نام ببرید.
۳. دلیل تأکید اهل بیت علیهم السلام به زیارت آن‌ها در ایام خاص را توضیح دهید.
۴. چرا هنگام زیارت اهل بیت علیهم السلام باید حالت حزن به خود گرفت؟
۵. سلام کردن به اهل بیت علیهم السلام هنگام ورود و خروج چه اهمیتی دارد؟ با استناد به یکی از روایات آن را تحلیل کنید.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغة؛ تحقیق صبحی الصالح.
۳. الصحیفة السجادیة؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی؛ تهران: سروش، ۱۳۷۵.
۴. اخلاق ناصری؛ طوسی، خواجه نصیرالدین محمد؛ تهران: خوارزمی، ۱۳۵۶.
۵. الاخوان؛ ابن ابی دنیا، عبدالله بن محمد؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۶. ارشاد القلوب الی الصواب؛ دیلمی، حسن بن محمد؛ قم: الشریف الرضی، ۱۴۱۲ هـ. ق.
۷. اسلام و مقتضیات زمان؛ مطهری، مرتضی؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۵.
۸. الأصول الستة عشر؛ گروهی از محدثان شیعه، قم: دارالشبستری للمطبوعات، ۱۳۶۳ ش.
۹. الأمالی؛ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.
۱۰. الأمالی؛ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن؛ قم: دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۱. آموزش عقاید؛ مصباح یزدی، محمدتقی؛ تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴.
۱۲. آموزه‌های بنیادین علم اخلاق؛ فتحعلی‌خانی، محمد؛ مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص)، چ اول، ۱۳۹۳.
۱۳. بحار الانوار؛ مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی؛ داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۴. بشارة المصطفی لشیعة المرتضی؛ طبری آملی، عمادالدین ابی جعفر محمد بن ابی القاسم؛ نجف: المكتبة الحیدریة، ۱۳۸۳ هـ. ق.
۱۵. تحف العقول؛ حرانی، حسن بن علی بن شعبه؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.
۱۶. تفسیر القمی؛ قمی، علی بن ابراهیم؛ قم: دارالکتاب، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۷. تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه؛ حرعاملی، شیخ محمد بن حسن؛ مؤسسه آل‌البتیت (ع)، قم: ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۸. تهذیب الأحکام فی شرح المقنعة؛ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن؛ دارالکتب الاسلامیة، ۱۴۱۴ هـ. ق.
۱۹. تهذیب الأخلاق و تطهیر الأعراق؛ مسکویه رازی، احمد بن محمد؛ ترجمه علیاصغر حلبی؛ تهران: اساطیر، ۱۳۸۱.

۲۰. تهذيب اللغة؛ ازهرى هروى، ابن منصور محمد بن احمد؛ بيروت: دار الكتب العلمية، ۵۱۴۲۵.ق.
۲۱. التوحيد؛ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى؛ قم: جامعه مدرسين، ۵۱۳۹۸.ق.
۲۲. توسل؛ رضوانى، على اصغر؛ قم: مسجد مقدس جمكران، ۱۳۸۹.
۲۳. ثواب الاعمال و عقاب الاعمال؛ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى؛ قم: دارالشريف الرضى، ۵۱۴۰۶.ق.
۲۴. جامع الأخبار؛ شعيرى، محمد بن محمد؛ نجف: مطبعه حيدرپه، (بى تا).
۲۵. جامع السعادات؛ نراقى، ملامهدى؛ قم: اسماعيليان، ۱۳۸۳.
۲۶. الخصال؛ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى؛ قم: جامعه مدرسين، ۵۱۴۰۳.ق.
۲۷. دعائم الاسلام؛ قاضى نعمان مغربى، نعمان بن محمد؛ قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۵۱۳۸۵.ق.
۲۸. الدعوات؛ راوندى، قطب الدين سعيد بن هبة الله؛ قم: انتشارات مدرسه امام مهدى عليه السلام، ۵۱۴۰۷.ق.
۲۹. رابطه درون و برون؛ محدثى، جواد؛ قم: نشرپه پيام زن، شماره ۱۲۵، مرداد ۱۳۸۱.
۳۰. سبل الهدى و الرشاد؛ الصالحى، الشامى؛ بيروت: دارالكتب العلمية، ۱۴۱۴.ق.
۳۱. سنن الدارمى؛ دارمى، ابومحمد عبدالله بن الرحمن بن الفضل؛ الجزء الاول، دمشق: باب البريد، ۵۱۳۴۹.ق.
۳۲. شرح نهج البلاغة؛ ابن أبى الحديد؛ قم: مكتبة آيت الله مرعشى نجفى، ۵۱۴۰۴.ق.
۳۳. صحيفة الامام رضا عليه السلام؛ مشهد: كنگره جهانى امام رضا عليه السلام؛ ۵۱۴۰۶.ق.
۳۴. عدة الداعى و نجاح الساعى؛ ابن فهد حلى، احمد بن محمد؛ قم: دارالكتب الاسلامية، ۵۱۴۰۷.ق.
۳۵. علل الشرائع؛ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى؛ النجف: المكتبة الحيدرية، ۵۱۳۸۵.ق.
۳۶. عيون اخبار الرضا عليه السلام؛ صدوق، محمد بن على بن بابويه قمى؛ تهران: جهان، ۱۳۷۸.
۳۷. غررالحكم و دررالكلم؛ تميمى آمدى، عبدالواحد بن محمد؛ قم: دارالكتب الاسلامية، ۵۱۴۱۰.ق.
۳۸. فرهنگ برهنكى و برهنكى فرهنگى؛ حداد عادل، غلامعلى؛ تهران: سروش، ۱۳۵۹.

۳۹. فلاح السائل نجاح المسائل؛ ابن طاووس حسنی، علی بن موسی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۴۰. قرب الإسناد؛ حمیری، الشیخ ابوالعباس عبدالله؛ قم: دار الإحياء للتراث، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۴۱. الکافی؛ کلینی، محمد بن یعقوب؛ تصحیح مرتضیٰ آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸ هـ.ق.
۴۲. کتاب التفسیر؛ عیاشی، محمد بن مسعود؛ تهران: المطبعة العلمية، ۱۳۸۰ هـ.ق.
۴۳. کتاب من لایحضره الفقیه؛ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۵ هـ.ق.
۴۴. کامل الزیارات؛ ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد؛ نجف اشرف: دارالمرتضویة، ۱۳۵۶ هـ.ق.
۴۵. لباس روحانیت، چراها و بایدها؛ عالمزاده نوری، محمد؛ قم: مؤسسه امام خمینی، ۱۳۸۶ هـ.ق.
۴۶. مبانی اعتقادی و هابیان؛ رضوانی، علی اصغر؛ قم: مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۴۷. مجموعه ورام؛ ورام، ابن ابی فراس؛ مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۶۹ هـ.ق.
۴۸. المحاسن؛ برقی، ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد؛ تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۷۰ هـ.ق.
۴۹. مصباح المتهجد؛ طوسی، ابی جعفر محمد بن الحسن؛ بیروت: مؤسسة فقه الشیعة، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۵۰. معجم مقانیس اللغة؛ ابن فارس ابوالحسن احمد؛ بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ هـ.ق.
۵۱. مفردات الفاظ قرآن؛ راغب اصفهانی، حسن بن محمد؛ بیروت: دارالقلم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۵۲. مکارم الأخلاق؛ طبرسی، حسن بن فضل؛ قم: منشورات الشریف الرضی، ۱۳۷۰ هـ.ق.
۵۳. منیة المرید؛ شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ قم: مکتبة الإعلام الاسلامی، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۵۴. المیزان فی تفسیر القرآن؛ طباطبائی، سید محمد حسین؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ هـ.ق.
۵۵. المیزان فی تفسیر القرآن؛ طباطبائی، سید محمد حسین؛ قم: جامعه مدرسین، (بی تا).
۵۶. النوادر؛ اشعری قمی، احمد بن محمد بن عیسی؛ قم: مدرسة الامام المهدي عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۷. همیشه بهار؛ شریفی، احمد حسین؛ قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، ۱۳۹۱ هـ.ق.

از دیرباز یکی از عناصر اصلی مورد توجه در حوزه‌های علمیه، «اخلاق» بوده است. و به لحاظ ضرورت آشنایی طلاب با مباحث اصلی علم اخلاق مجموعه کتاب‌های اخلاق اسلامی تدوین شده است. دفتر نخست این مجموعه به آداب بندگی که نخستین پایه برای رشد و تکامل است، اختصاص دارد.



انستیتوت مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه

۰۲۵ - ۳۷۷۴۸۳۸۳

دفتر تدوین متون درسی حوزه‌های علمیه

۰۲۵ - ۳۲۹۱۰۹۷۰

WWW.TMD.IR